

ماهنامه تخصصی حوزه انرژی

۸۴ صفحه

۴۷

اردیبهشت ۱۴۰۱

قیمت ۵۰/۰۰۰ تومان

The World of Energy Magazine

دنیای انرژی

اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

پانزدهمین همایش سالانه اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران تعارض منافع مانع تسهیل گری و شفافیت!

ناظران تولید و مصرف بنزین و تلک قطر واردات « تلک اوتو رین و آنچه در هم بازار کمپوزی ها آمد
نوع گازاک غیرکشاورزی را به پتروشیمی ها تحویل نکند « مدیریت محیط لایحه حل تعارض منافع
تصدی گری دولتیا توقعه داشت، تخصصی «داری تعویب لغو شد» بازار تیر ایران در سال «۱۴۰۱



LIQUI
MOLY

احمد مهرزاده - رئیس هیئت مدیره انجمن صادرکنندگان پتروشیمی ایران
ضرورت توسعه صنایع پایین دستی از نفت خام



حسین مبریزی - رئیس هیئت مدیره انجمن تصفیه کنندگان نفت ایران
لزوم توجه به سلامت زوئین های کارخانه

Logo of Carpie

PARDIS

شرکت روشن موتور پاردیس
تولید کننده انواع فرآورده های نفتی
روغن پایه - روشن موتور
روغن دنده - روغن هیدرولیک - ضد یخ
www.pardismotoroil.com

PARLO

There is no substitute



شرکت روغن موتور قم

www.qmoil.com

قم، شهرک صنعتی سلفچگان

تلفن: ۰۲۵-۳۳۶۷۳۹۰۵

فکس: ۰۲۵-۳۳۶۷۳۹۳۳



فراتر؛ وقتی که جهانی می‌اندیشی!



صرافی سامان

ارائه دهنده کلیه عملیات مربوط به
ارسال و دریافت حواله‌های ارزی

بیمه بدنه کیلومتری سامان

بیمه سامان تنها شرکت ارائه کننده ی بیمه بدنه ی کیلومتری



پازل مالی خود را کامل کنید.

تأمین مالی بدون هزینه برای کسب و کارها

از بازار سرمایه



برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت کارگزاری بانک سامان مراجعه فرمایید.

☎ ۰۲۱-۴۳۰۲۴۰۰۰ | 🌐 www.samanbourse.ir | 📄 [samanbankbrokerage](https://samanbankbrokerage.com) | 📧 @samantahlil

دنیای انرژی



« صاحب امتیاز: اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی ایران

« مدیرمسئول: دکتر سید حمید حسینی

« سردبیر: امیر عباس امامی

« شورای سیاست‌گذاری: سیدحمید حسینی، سعید رفیعی فر، احمد صرامی، مرتضی فیروزی، فریدون اسعدی، امیر حسین نقاشی

« همکاران این شماره: هادی ابراهیمی، مهسا معیری و هیئت تحریریه دنیای انرژی

« سازمان آگهی‌ها: سولماز فرهادی ۵ - ۸۸۵۰۸۲۵۱

« صفحه آرای: سید محمد سیدی

« چاپ و لیتوگرافی: رنگین گستر

« طرح جلد و نظارت چاپ: کانون تبلیغاتی عکس معاصر

« مقالات، یادداشت‌ها و مصاحبه‌های ارائه شده در ماهنامه دنیای انرژی لزوماً مورد تایید اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران نیست.

بازی قدرت

صفحه ۴۸



تعارض منافع

صفحه ۱۶

تحریم بین المللی روسیه و تغییر نقشه تأمین قیر در جهان

صفحه ۵۲



نرخ خوراک غیر کارشناسی راه پتروشیمی‌ها
تحمیل نکنیم!

صفحه ۲۲

اقتصاد ۱۴۰۱ در سه سناریو

صفحه ۶۳



خصوصی سازی ناکارآمد
در صنعت پتروشیمی!

صفحه ۲۸

اخبار انرژی

صفحه ۶۸



لزوم توجه به صنعت
روغن های کارکرده

صفحه ۳۳

Energy innovation's
big moment

صفحه ۷۵



جنگ اوکراین و آنچه
بر سر بازار کمودیتی‌ها آمد

صفحه ۴۰

تهران - خیابان دکتر بهشتی، خیابان مفتاح شمالی، خیابان نقدی، پلاک ۱۰، طبقه اول



WWW.OPEX.IR



MAIL@OPEX.IR

88508250



88511611



چرا تعارض منافع؟

دکتر سید حمید حسینی - مدیر مسئول

اتحادیه، شورای رقابت و کمیسیون اصل ۴۴ مجلس، "رگلاتوری" در چنبره نظام تصمیم گیری کشور در رفت و آمد میباشد و ما مدعی هستیم که علت اصلی مخالفت با آن موضوع تعارض منافع میباشد که گستره آن از منافع شخصی افراد تا تضاد منافع در بین زنجیره ارزش یک کالا وحتى بین ساختارها را شامل میشود.

خوشبختانه مجلس شورای اسلامی شور اول قانون "تعارض منافع" را به تصویب رسانده و این امیدواری وجود دارد که بتوان از سو استفاده شخصی مدیران از موقعیت شغلیشان جلوگیری کرد ولی در صنایع پایین دستی نفت ابعاد "تضاد و تعارض منافع" ساختاری می باشد و تشکیل نظام رگلاتوری را با مشکل جدی مواجه نموده است.

اخیرا مجلس شورای اسلامی با حذف معافیت مالیاتی صادرات مواد خام و نیمه خام وحتى وضع عوارض در تلاش است تا بتواند از صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی حمایت کند و همه اضلاع زنجیره ارزش بتوانند از مزایای مربوط به تخصیص خوراک ارزان قیمت و بارانه ای استفاده کنند که حرکتی امیدوار کننده است.

در این شماره مجله با همکاری شورای سیاست گذاری نشریه، سردبیر و اعضا شورای سیاست گذاری همایش، موفق شدیم تا ابعاد "تعارض منافع" را از نگاه کارشناسان، اساتید دانشگاه و فعالین اقتصادی تشریح نماییم و اتحادیه را در برگزاری شکوهمند همایش ۱۹ اردیبهشت در هتل اسپیناس پالاس تهران یاری نماییم.

انشاءالله

در سالهای اخیر همایش های سالانه اتحادیه با عناوین و شعارهای گوناگون از قبیل: نقش اتحادیه در سند چشم انداز، بخش خصوصی و اقتصاد مقاومتی، فرصت ها و چالش های بخش خصوصی، تولید و صادرات در سایه امنیت اقتصادی، صادرات پیشران رونق اقتصادی، توسعه صادرات قانون محور، آینده صادرات در تنگنای چالش های داخلی و بین المللی و ضرورت ایجاد رگلاتوری در صنعت نفت برگزار شده است.

امسال شعار همایش متفاوت از سالهای اخیر انتخاب گردید، موضوعی که از دیدگاه کارشناسان از موانع اصلی "شفافیت" و "رگلاتوری" در کشور میباشد. خدا را شاکریم که سوژه ای انتخاب شد که به سرعت با تلاش تیم رسانه ای اتحادیه به "گفتمان" روز کشور تبدیل شد و "رهبر معظم انقلاب" نیز در دیدار با نمایندگان مجلس به یکی از مصادیق آن در حوزه نمایندگی و قانون گذاری اشاره نمود و نمایندگان را از "ترجیح منافع شخصی و منطقه ای بر منافع ملی" بر حذر داشت و آن را مصداق "تعارض منافع" دانستند.

"حکمرانی مطلوب" در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه محققین علوم اجتماعی قرار گرفته و اصول این حکمرانی را "مشارکت ذی نفعان در امور"، "حاکمیت قانون"، "شفافیت"، "پاسخگویی"، "عدالت"، "اثر بخشی و کارایی" و "مسئولیت پذیری" میدانند، ما اعتقاد داریم با ایجاد نظام مستقل تنظیم قوانین و مقررات (رگلاتوری) بسیاری از اهداف فوق امکان فعلیت پیدا خواهد کرد که نتیجه آن رضایت جامعه، افزایش رفاه و توسعه اقتصادی کشور میباشد، ولی متأسفانه علیرغم تلاش دهساله



تعارض منافع

مانع تنظیم گری و شفافیت!



تعارض منافع شرکتهای دولتی، عمومی و بخش خصوصی واقعی
تصویب نهاد تنظیم گر رگولاتوری جهت شفافیت و جلوگیری از رانت



پانزدهمین همایش سالانه اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

نوزدهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ - سالن همایش های هتل اسپیناس پالاس تهران

ANNUAL CONGRESS Iranian Oil ,Gas and Petrochemical Products Exporters' Union Espinas Palace Hotel - 09 May 2022

پانزدهمین همایش سالانه

اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت و گاز پتروشیمی ایران

تعارض منافع یکی از مهمترین چالش‌های صنایع گوناگون کشور محسوب می‌شود که حوزه نفت و فرآورده‌های نفتی نیز از مخاطرات آن مصون نمانده است، فضای رانتي و غير رقابتي در مديريت‌هاي اين حوزه، که منجر به بهره‌وري حداقلی و منافع فزاینده برای نهادهای خاص شده است و از سویی عدم تسری امتیازات به کلیه سطوح این صنعت، خصوصاً صنایع پایین دستی، شرایط غیر شفاف و دارای رقابت ناسالم پدید آورده است. پانزدهمین همایش سالانه اتحادیه صادر کنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران، با محوریت بررسی تعارض منافع در صنعت نفت و فرآورده‌های نفتی و لزوم تصویب نهاد تنظیم گر رگولاتوری در نوزدهم اردیبهشت سال ۱۴۰۱ با حضور کارشناسان، مدیران و صاحب‌نظران بلندپایه کشوری در هتل اسپیناس پالاس برگزار می‌گردد. پرونده این شماره نگاهی اجمالی به نظرات کارشناسان حوزه انرژی به بحث تعارض منافع دارد که در ادامه می‌آید:

نزوم ملی شدن لوایح تعارض منافع!

با توجه به برگزاری پانزدهمین دوره همایش سالانه اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت گاز و پتروشیمی ایران مقرر گردید میزگردی در خصوص شعار این همایش با عنوان «تعارض منافع، مانع تنظیم گری و شفافیت» برگزار گردد. این میزگرد با حضور «مجید حسینی» استاد دانشگاه، «محمدحسین مدیحی» از اندیشکده شفافیت ایران، «احمد داودی» از شورای رقابت، «سید حمید حسینی» رئیس هیئت مدیره اتحادیه اوپکس برگزار شد. اهم نظرات مهم مدعوین این میزگرد بدین قرار است:



■ مشکل کشور شفافیت نیست، مشکل کشور مافیاست که شفاف هم کار می کند چرا که رگولاتوری به نفع اوست

■ قانون اصل ۴۴ در نوع خود یکی از پیشروترین و بهترین قوانینی است که در کشور وضع شد و روشن است، ولی به روشنی آن را زیر پا گذاشتند

■ بخش خصوصی به جای اینکه برای تعارض منافع بجنگد، برای سهم تشکل ها در قدرت مبارزه کند

■ پیشنهاد این است که ائتلافی درست کنیم جهت ملی کردن مسئله ارائه لوایح تعارض منافع از طریق همه سازمانها و مردم را نیز از طریق رسانهها متوجه آن کنیم که تعارض منافع عامل اصلی از دست رفتن حقوق آنهاست. این ها را اگر بتوانیم تبدیل به مطالبه ملی کنیم، دولت مجبور خواهد شد لوایح خود را آغاز کند

■ ریشه بسیاری از مشکلات کنونی جامعه، تعارض منافع، عدم شفاف سازی و عدم تصویب نهاد تنظیم گر است. اگر رگولاتوری در کشور شکل نمی گیرد، علت آن به تعارض منافع برمیگردد

■ اتحاد قاعده گزار و مجری ممنوع بوده و معنایی ندارد که دستگاههای قاعده گزار و مجری بخواهند با هم کار کنند. ساختارها را باید مورد به مورد درست کرد و این کار در قوانین مربوط به خودش صورت می گیرد

■ قانون تعارض منافع در ایران یک صفحه و در کانادا ۲۰۰ صفحه است. چرا نظم سیاسی کانادا این قدر نسبت به قانون تعارض منافع حساس است

■ باید از تعارض منافع دفاع کنیم که در یک بستر دموکراتیک و در حضور ذی نفعان پایین دست شکل بگیرد

نفت و شرکت خصولتی وجود دارد، با تغییر وزیر نفت تغییری در این وضعیت ایجاد نمی شود. باید ساختار درست شود این دسته بندی به مدیریت کمک می کند که راه را اشتباه نرود. اولین بار در اسفند ۹۷ دولت در حال نگارش لایحه بود که آن را به مجلس هم ارائه نکرد و یک طرح داخل مجلس اعلام وصول شد که طرح مدیریت تعارض منافع فردی بود، چراکه تعارض منافع ساختارها را با یک عنوان کلی نمی توان مدیریت کرد. در سال بعد دولت لایحه خود را به مجلس ارسال کرد که طرح دارای ایرادات زیادی بود و متن پخته ای نداشته و مشکلات زیادی داشت.

البته طرح دولت پیشگیری از فساد بود و یکی از نقاط قوت آن مقدمه این طرح بود که گروه کارشناسی خوبی روی آن کار کرده بودند از جمله خانم جنیدی معاونت حقوقی دولت و برای این جریان کارگروهی تشکیل شد. اما اشکال در اینجا بود، متنی که برای لایحه تهیه شده بود با متنی که برای مجلس ارسال شد متفاوت بود و هیچ وقت هم پیگیری نشد و در دستور کار کمیسیون قرار نگرفت و حتی طرح مجلس که در سال ۹۷ ارائه شد تا پایان مجلس دهم نیز بررسی نشده و در مجلس یازدهم در دستور کار قرار گرفت منتها لایحه را بررسی نکردند تا زمانی که در کمیسیون اجتماعی سال ۱۴۰۰ اعلام شد که آن را بررسی کردیم و دولت به صحن مجلس بیاید اما دولت به معاونت قوانین و نایب رئیس مجلس و تا خود آقای قالیباف نامه داد که طرح برگردد و کار کارشناسی بیشتری روی آن انجام شود و مجلس نیز انتظار داشت که طرح به صورت لایحه ارائه شود و اگر نکته ای در آن هست، کارگروه کارشناسی تشکیل شود و مدت زمان شش ماه تا یک سال نیز برای انجام این کار فرصت ایجاد کرد. اما از سمت دولت به نتیجه ای نرسیدیم و برای دولت هم مهم نبود که با مجلس کنش داشته باشد، چرا که برای او هزینه داشت و مجلس هم می خواست طرح به سرعت جلو رفته و کار رسانه ای روی آن انجام شود که طرح را به تصویب رسانده است. بدین منظور مجلس کار را جلو برد و در نهایت کلیات آن تصویب شد و جزئیات آن جهت تغییر به کمیسیون بازگشت. منتها وقت آنقدر محدود بود که نتوانستیم طرح را حداقلی کنیم. و هم اکنون این طرح ایده آل و خوب نیست ولی با توجه به محدودیت منابع که وجود داشت می خواستیم با حداقلی کردن آن جلوی ضررهای آن را بگیریم. اتحاد قاعده گزار و مجری ممنوع بوده و معنایی ندارد که دستگاه های قاعده گذار و مجری بخواهند با هم کار کنند. ساختارها را باید مورد به مورد درست کرد و این کار در قوانین مربوط به خودش صورت می گیرد. مثلاً سازمان خصوصی سازی در مسائل سیاست خصوصی سازی، اتحاد قاعده و مجری دارد، خودش قاعده گذاری می کند و خودش اجرا می کند. باید بگویم قانونی که ذیل آن سازمان خصوصی سازی تشکیل شده است را باید اصلاح کنیم. در ساختار شرکت های ذیل وزارت نفت، قوانین مربوط به خود آن را تغییر داد تا اتحاد قانونگذار و مجری از بین برود.

مجید حسینی: مسئله تعارض منافع، حقوقی و تکنوکراتیک است، و حتی بیشتر از آن که حقوقی باشد سیاسی است. البته منظورم از سیاسی، جناحی نیست و به امور سیاست مربوط است. قانون تعارض منافع در ایران یک صفحه و در کانادا ۲۰۰ صفحه است. چرا نظم سیاسی کانادا

سید حمید حسینی: ریشه بسیاری از مشکلات کنونی جامعه، تعارض منافع، عدم شفاف سازی و عدم تصویب نهاد تنظیم گر است. اگر رگولاتوری در کشور شکل نمی گیرد، علت آن به تعارض منافع برمیگردد. در کشورهای دیگر با تصویب قوانین و مقررات، به نوعی تعارض منافع را مدیریت می کنند. اما متأسفانه این کار در ایران انجام نشده است و قانونی که در مجلس است، یک قانون بسیار کلی است. در سازمان های کشور در چند قسمت بیشترین تعارض منافع را داریم، یکی از آنها وزارت نفت است، چه در بحث های مجمع عملکردی شرکتها و چه در بحث بازنشسته ها و حضور دوباره این بازنشسته ها در شرکت های نفتی، و چه در بخش زنجیره ارزش که در صنعت نفت و پتروشیمی بیشترین تعارض منافع را شاهد هستیم. در بانک مرکزی و شبکه بانکی نیز این مشکلات مشهود است. همچنین بخش خصوصی و بخش دولتی در تصمیم گیری ها تعارض منافع جدی دارند.

محمد حسین مدیحی: تعارض منافع موقعیتی است که یک مقام عمومی در هنگام انجام وظایف در یک دوراهی منفعت عالی و یک منفعت دانی قرار می گیرد. اساساً تعارض منافع دارای ارکان مدیریت، سازمان، منفعت عالی و دانی است که باعث شکل گیری تعارض منافع می باشند. تعارض منافع امری طبیعی است و افراد در حین انجام وظیفه خود ممکن است در موقعیت آن قرار بگیرند و شغل دیگری را به واسطه خویشاوندی و روابط و ساختارها داشته باشند لذا این مسئله به خودی خود قبیح نبوده اما باید مدیریت شود و اگر تعارض منافع مدیریت نگردد آثار سوء خود را باقی خواهد گذاشت. تعارض منافع از سه بخش تقسیم شده است: ادراک شده، بالقوه و تعارض منافع بالفعل، نماینده مجلسی که در حوزه صادرات و واردات برنج فعالیت دارد و وارد مجلس شده، چون در شرایطی قرار گرفته که راجع به مسائل کشور تصمیم گیری می کند، شرایط تعارض منافع بالقوه را دارد. اگر هم این نماینده مجلس در خصوص ارز ترجیحی مربوط به حوزه واردات و صادرات برنج تصمیم بگیرد، تعارض منافع وی بالفعل شده است. اگر منفعت عالی و عمومی را در نظر بگیریم، می گوییم تعارض منافع تبدیل به فساد نشده، اما اگر منفعت شخصی و شرکتی که دارد را در نظر بگیریم این تعارض منافع تبدیل به فساد شده است.

اگر جایی تعارض منافع توسط مردم ادراک شود و اصل پاسخگویی الزام می کند که آن مقام برای مردم توضیح دهد، مثال همان نماینده مجلس که در واردات برنج بوده و تعهد داده که دیگر به سمت چنین شغلی نرود، اما مردم نمی دانند و ادراک تعارض منافع دارند. تعارض منافع فردی و سازمانی نیز داریم که موجودیت یک سازمان و یا فرد باعث درگیری در تعارض منافع می شود، به طور مثال ارتقای فرهنگ عمومی که وظیفه صدا و سیماست و تبلیغات مصرف گرایی که نباید ترویج کند و در اینجا تعارض ایجاد می شود و در سطح تعارض فردی نیز مدیر شرکتی دولتی، قراردادی در دست اقدام دارد و می خواهد اقوام خود را در این قرارداد شراکت دهد که به نوعی سطح تعارض فردی می شود. تعارض منافع گاهی ناشی از قواعد و ساختار هاست، در حوزه نفت هم به همین گونه است. مثلاً یک شرکت خصولتی که خود زیر مجموعه وزارت نفت است و در کنار بخش خصوصی قرار گرفته و اتحاد قاعده گذاری که بین وزارت

این قدر نسبت به قانون تعارض منافع حساس است. «قانون تعارض منافع شهرداری و پساشهرداری» مربوط به این سازمان است و هر سازمانی در کانادا و حتی دانشگاه ها هم برای خودشان قانون تعارض منافع جدا دارند. البته از یک منظری با تعارض منافع مخالف هستیم و اصلاً قانون تعارض منافع و شفافیت از یک منظر به لحاظ سیاسی خوب نیست. چرا که در نظام های دزدسالار، رگولاتوری به نفع خودشان تنظیم می شود. در این نوع رگولاتوری که قوانین به نفع آنها تنظیم شده به دنبال تعارض منافع هم می روند که بقیه افراد سهمی نتوانند از حوزه اقتصاد ببرند. تعارض منافع در این نظام بسیار خطرناک است، چرا که به نفع کلپتوکراسی تمام می شود و شفافیت هم خطرناک است در نظامی که عدالت و دموکراتیک در آن نیست. شفافیت هیچ نتیجه ندارد چون مانع عدالت می شود. مجلس شورای اسلامی ما با شعار شفافیت رای می آورد نه عدالت. و در اینکه آن را اجرا می کند یا نه بحث است. اما اینکه چرا در کانادا قانون تعارض منافع مفید است، این است که رگولاتوری به نفع ذی نفعان پایین دست است در این کشور حزب کارگری و حزب معلمی و... بقیه احزاب وجود دارد. بطور مثال معلم ها میتوانند میلیونی اعتصاب کنند، به خیابان ها بیایند، مدرسه ها را تعطیل کنند و نسبت به حقوق خود یا مسائل دیگر اعتراض کنند. یک جامعه قدرتمند برای مطالبه منافع از طریق دموکراسی وجود دارد. لذا ما باید از تعارض منافی دفاع کنیم که در یک بستر دموکراتیک و در حضور ذی نفعان پایین دست شکل بگیرد.

در حوزه بانکی نیز اولین تعارض منافع، بانک مرکزی است. چرا که مدیرکل نظارت بانک مرکزی، مشاور بانک آینده نیز می شود و این را ما می دانیم و برای همه شفاف است. ولی سوال این نیست که بین بانک مرکزی و بانکهای خصوصی تعارض منافع وجود دارد، سوال اینجاست که چگونه بانک خصوصی ایجاد شده که حالا می تواند با پول خود، قانون را هم به نفع خود در مجلس تصویب کند. این موضوع فراتر از تعارض منافع فردی یا حقوقی است. چرا که بانک ها همه چیز را می خرند، تصمیمات

را نیز می خرند و حتی تصویب نهاد تنظیم گری نیز به نفع بانک هاست. در برهه ای از بنیاد مستضعفان درخواست کردیم که برای تحقیقات در نظام بانکی با ما همکاری کنند و نپذیرفتند چرا که خود نیز صاحب بانک بودند. سوال اینجاست که در چه مواقعی تعارض منافع خوب یا بد است، در یک نظام کلپتوکراسی که مافیا بر تصمیم گیری ها حاکم است، در این نظام تعارض منافع خوب نیست و اجازه حضور به دیگران داده نمی شود، اما در یک نظام دموکراتیک، تعارض منافع در صورتی می تواند خوب باشد که از پایین دست و تغییر رگولاتوری دفاع کنیم. مسئله تعارض منافع نه شخصی است و نه ساختاری، رگولاتوری سرمایه دارانه است! که بانک ها، مافیای نفتی و فردی بر آن حاکم است. حتی زباله نیز در این کشور مافیا دارد. جمع بندی من این است که مشکل کشور شفافیت نیست، مشکل کشور مافیا است که شفاف هم کار می کند چرا که رگولاتوری به نفع اوست.

حمید حسینی: رابطه تعارض منافع را با رگولاتوری در چه می بینید؟ در هر صورت رگولاتوری عاملی است که شاید بتواند تعارض منافع را مرتفع کند، اگر نهاد تنظیم گر درست انجام شود، اولویت ما خواهد بود. نظر من این است که تعارض منافع مانع ایجاد نهاد تنظیم گر میشود.

مجید حسینی: هاروی در کتاب نئولیبرالیسم می گوید: تعریف نئولیبرالیسم چیزی نیست که لیبرال ها می گویند، تعریف آن این است که یک طبقه ای بتنی می شود، سرمایه داری در حال سازماندهی کل منافع به نفع خود است که از طریق قوانین و چه از طریق فساد، در لحظه که قوانین از طریق اجبار سیاسی تنظیم نشده است، مدیریت فساد به نفع آنها تمام می شود. در خصوص نظام بانکی اگر بخواهم مثالی بزنم، در سال گذشته ۲ هزار و ۷۰۰ هزار هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت شده که همگی قانونی است و هیچ تعارض منافع هم نبوده و یک نظم بزرگ تولید تسهیلات در کشور وجود دارد که به نفع سرمایه داری مالی است که اگر این سرمایه داری مالی را کنترل نکنیم، قانون تعارض منافع



جاهای شهر دارد. به نظر من وزارت بهداشت بیشترین حجم از تعارض منافع را دارد. تعارض منافع به طور کامل در کشور گسترده است، برخلاف گفته مهمانان ارجمند که باید مورد به مورد قوانین تعارض منافع را پیدا کنیم که البته به جای خود صحبت درستی است، ولی یک قانون عام تعارض منافع لازم داریم که کسانی که در واحدهای صدور مجوز هستند به هیچ وجه حق نداشته باشند در آن رشته یا رشته های نزدیک به آن مسئولیت و فعالیتی داشته باشند یا اینکه تنظیم گر ها را باید از دستگاهی که سهامدار و ذی نفع در سود و زیان شرکت های دولتی یا غیردولتی هستند را کاملاً مجزا نمود.

هر سازمان یا نهادی که شرکت فعال در صنعت خود دارد، نباید تنظیم گر باشد و تنظیم گر نیز نباید آنجا باشد. اگر ما چند قاعده عام برای تعارض منافع وضع کنیم، خصوصاً در تنظیم گری ها که مسئله بسیار مهمی است و در ماده ۵۹ اصل ۴۴ خصوصی سازی نیز برای مستقل بودن تنظیم گر ها تاکید شده که از ذی نفعان بازار فاصله بگیرند. این مهمترین مواردی است که اساسنامه رگولاتوری شورای رقابت است که به دولت برده شده و با آن مخالفت شده است. شورای رقابت به مستقل بودن نهادهای تنظیم گری از دستگاه های اجرایی تاکید داشته ولی اعضای دولت و وزرای مرتبط کاملاً با این نکته و اصلی ترین مورد مخالفت کردند و حتی گفته شده که با وجود این مورد با آن مخالفت می کنیم. یک تجربه را مطرح کنم از وزیری که به شورای رقابت آمده بود. ایشان مطرح کردند که اگر برای پتروشیمی دستورالعمل تنظیم گری بخشی از بازار را تنظیم کنید تا من هستم نمیگذارم این کار انجام شود. بنابراین در این فضا تنظیم گری معنا ندارد، قانون اصل ۴۴ در نوع خود یکی از پیشروترین و بهترین قوانینی است که در کشور وضع شد و روشن است، ولی به روشنی آن را زیر پا گذاشتند. در این قانون گفته شده اولاً دولت در گروه یک نباید فعالیت داشته باشد و در گروه ۲ هم حداکثر ۲۰ درصد. اما در عمده رشته های صنعتی و تجاری این قانون زیر پا گذاشته شده است. دوم در مورد موسسات غیر دولتی که آن را هم قانون اصل ۴۴ به روشنی اعلام نموده که بایستی سهام خود را در کلیه رشته ها و شرکت هایی که دارند مشخص کنند و به وزارت اقتصاد و دارایی و شورای رقابت اعلام کنند و طی زمان بندی که مشخص می شود شروع به واگذاری این سهام به زیر ۲۰ درصد کنند. اگر این قوانین اجرا شود و دولت، دادستانی و حاکمیت نسبت به اجرای آن برخورد قاطع داشته باشند، سازمان بورس به خود اجازه نمی دهد که سهامداران بزرگ خود را از نهادهای دولتی برگزینند. تنها راه چاره بازگشت به قانون است. شورای رقابت چند سال پیش خواستار برقراری قانون بود و امروز هم باید نهضت بازگشت به قانون را ایجاد کنیم. اگر این امر صورت بگیرد مقدار زیادی از تعارض منافع مرتفع می شود و مواردی که در این جلسه ابراز شد موارد جزئی و گسترده ای است که بعدها میشود مورد به مورد بررسی کرد.

حمید حسینی: صحبت های آقای داوودی مورد تایید است، خصوصاً بحث نظام ترکیبی که عنوان گردید در بحث شرکت های خصوصی به عینیت وجود دارد در مواقعی می گویند ما دولتی هستیم و مواقعی که یک سری مزایا در سوی دیگر است، خودشان را بخش خصوصی قلمداد

فقط به نفع آنها تمام می شود. یک نمونه مشهور هم در آمریکا و کاناداست چراکه در کانادا نظام درمان کار خود را درست انجام می دهد، ولی در آمریکا بیمه مردم را غارت می کند. پاسخ آن این است که در آمریکا رگولاتوری به نفع سرمایه داری تنظیم شده، لیبرال دموکراسی ایجاد کرده و نمی گذارد طبقات پایین دست رشد کنند. در این وضعیت تعارض منافع شدیدی ایجاد می شود. اما در کانادا نیز ۴۷ درصد از سرمایه داران مالیات می گیرند و به نفع طبقات پایین دست هزینه می کنند.

احمد داوودی: ما یک قانون منع مداخله کارکنان در معاملات داریم که در زمان خود تصویب شد و تجربه نیز نشان داد که به مقدار زیادی رعایت شده است. مواردی هم در سازمان برنامه نقض شده بود اما تنها جنبه کوچکی از تعارض منافع بوده است و جنبه های مهم تر آن مواردی است که در این جلسه راجع به آن ها بحث می شود. به خصوص که دولت باید طبق قانون ۴۴ قانون اساسی وظایف حاکمیتی و تصدی گری خود را از هم جدا می کرد و در عمل این کار را انجام نداد. دولت هم اکنون سهامدار و شرکت دار شده و از سویی مجوزها و امتیازاتی را که باید طبق رویه هایی که برقرار است ارائه دهد، در این دو قسمت تعارض منافع نشان داده است. دولت نمی تواند بی طرف باشد، یا مرجع صادر کننده مجوز یا تنظیم گر ها. هم اکنون چندین تنظیم گر داریم، در بخش های راه آهن، شرکت حمل و نقل ریلی داریم، در هوایی سازمان هواپیمایی کشوری را داریم و در ارتباطات، کمیسیون تنظیم مقررات را داریم. هر جایی وظایف تنظیم گری به یک نهادی داده شده است. مشکل این است که یا تحت نفوذ مستقیم ذی نفعان بازار است و بخش دیگر هم امتیازات و مجوزهای فعالیت است که دستگاه های دولتی و یا غیردولتی این مجوزها را صادر می کنند. اکثر مراکز صدور مجوز خودشان یا افراد آنها در همان صنف فعال هستند و منتفع می گردند. به طور مثال در شهری شکایت زیادی بود که مجوز داروخانه نمی دهند، وقتی مسئول شهر را خواستیم که علت را جویا بشویم متوجه شدیم خود این شخص سه داروخانه در بهترین



می کنند. اگر بخواهیم دنبال راه حل برویم با توجه به صحبت های آقای مجید حسینی مبنی بر اینکه مشکل شفافیت نیست و مشکل در وجود مافیاست، خوب این نگرش هیچ راه حلی ندارد و می گوید که هیچ کاری نکنیم که یک قانون و تعارض منافع ننویسیم و دنبال رگولاتوری نرویم. اگر کشور اصل ۴۴ را قبول دارد و به یک جمع بندی رسیده که دولت باید از تصدی گری خارج شود باید یک نظام رگولاتور نیز ایجاد گردد که مستقل از دولت باشد و بازار را بتواند تنظیم گری کند. مجلس هر زمان خواست در قیمت گذاری پتروشیمی، در پروژه ها، بانک، سود بانکی و... وارد شده است. اگر تنظیم گری نظام بانکی که یک جریان مستقل بوده و خودش نیز از این موضوع ذی نفع نباشد، هم منافع نظام و هم دولت و هم آن بخش را در نظر بگیرد، قطعاً می شود کشور را از این وضعیت خارج کرد. در بخش نفت، گاز و پتروشیمی که زنجیره ارزشی است، یک نظام رگولاتوری که در وزارت نفت نماینده دارد، بخش خصوصی هم نماینده گذاشته، هفت سال است که شورای رقابت در حال پیگیری این موضوع است اما نمی گذارند که این موضوع شکل بگیرد. در برهه ای نیز بحث این بود که راه حل آخر آن است که رهبری وارد شود و سیاست های کلی حاکم بر روابط بین الملل را بنویسد. ما سیاست های کلی بسیاری داریم ولی چرا سیاست های کلی در حوزه رقابت نداریم. در این موضوع باید اسناد بالادستی منتشر شود که بتواند به کشور کمک کند که از این مرحله خارج شود.

مجید حسینی: ما در کشور بخش خصوصی نداریم، جز شرکتهایی که از مناسبات خود و اتصال به سیستم توانسته اند ثروتمند شوند. در همین اصل ۴۴ که می گویند مگر تعاونی ها نبوندند، پس چرا الان تعاونی وجود ندارد و هیچ وقت اموال توزیع عمومی نشد و حتی وزارت تعاون جمع آوری گردید، چون قرار نبود در حوزه عمومی کاری انجام شود. فکر می کنید خصوصی سازی در ایران، اندونزی، شیلی و یا مالزی چگونه بوده است. همه جا هم اینگونه بوده اما در اینجا می گویند مقصر سپاه است. مگر شیلی، اندونزی و مالزی سپاه دارند متوجه نیستید در لحظه ای که دموکراسی نیست، اقتصاد همه چیز را و حتی آینده سیاسی را تعیین میکند. در هر کشور دموکراسی از دست رفته به مدد انباشت منابع عمومی و دولتی در دست طبقه محدود باعث آن شده اند. دموکراسی مسئله بسیار مهمی است و من به همین دلیل با خصوصی سازی بدون بستر دموکراسی مخالف هستم. به نظر من بخش خصوصی به جای اینکه برای تعارض منافع بجنگد، برای سهم تشکل ها در قدرت مبارزه کند. آیا این راهکار نیست. مثلاً دستمزد کارگران چرا بدون حضور کارگران تعیین می شود، و چرا تشکلهای از حقوق کارگران دفاع نمی کنند، چون منافع خود را در آن نمی بینند. لحظه ای که از حقوق کارگر دفاع می شود عده ای را قدرتمند کرده اید که فردا این کار را به شیوه ای دیگر با خود شما انجام می دهند. اگر فضای دموکراسی نباشد، هیچ کس در این فضا ذی نفع نخواهد بود و هر روز محدودتر خواهند شد.

محمد مدیحی: با بخشی از صحبت های آقای مجید حسینی موافقم اما به نظر من در دموکراسی هم چیزی شبیه به خصوصی سازی نهفته است و من برای هیچ کدام از آن ها از جمله شفافیت اصالت قائل نیستم، اما برای

عدالت اصالت قائلم و اینکه بگویم مسئله ما در شرایط کنونی دموکراسی است را نیز قبول ندارم. توسعه سه ضلع دارد، حاکمیت قانون، دموکراسی و بروکراسی که باید با هم توسعه پیدا کند. در دموکراسی خیلی عقب افتاده نیستیم، اما بدنه اداری و اجرایی ما در خیلی موارد از رژیم قبل تاکنون تغییر نکرده و خیلی از مشکلات ما قبل از انقلاب هم بوده و الان هم هست. دموکراسی را با این بدنه به جلو ببریم انتهای آنها حامی پروری شده و خصوصی سازی نیز باعث فربه شدن بخش خصولتی می شود و یکسری بحث هایی که رگولاتوری باعث ایجاد دیوار بتنی می شود در صورتی اتفاق می افتد که آن را طوری تنظیم کنیم که خود آن تعارض منافع داشته و آن دیوار بتنی را ایجاد کند. پس مسئله اصلی تعارض منافع است. رگولاتور باید به سمت نهادهای مدنی بیاید و مطالبه ایجاد شود و مسئله اصلی کشور همین است. تعارض منافع هم بستر می خواهد یک بستر آن این است که از بالاترین سطوح شروع شود. اگر تعارض منافع یک اصطلاح شود که باز بچه دست سیاستمداران گردد هیچ تأثیری نخواهد داشت و اوضاع را بدتر هم خواهد کرد. بستر دیگری که باید مهیا باشد، شایسته سالاری است. اگر صرفاً تعارض منافع را جزیره ای جلو ببریم این شایسته سالاری ایجاد نمی شود. باید روی یک نقطه خاص تمرکز کرده و جلو برویم و مطالبه آن را ایجاد کنیم و هزینه آن را داده و در مجلس خواسته را مطرح کنیم. البته مجلس و دولت مخالفت می کنند باید کار رسانه ای را پیش برد و این مطالبه را ایجاد نمود.

احمد داودی: درخصوص تصویب نهاد رگولاتوری، از سوی شورای رقابت اقداماتی صورت گرفت و در رفت و آمد بین دولت و مجلس پیشنهادهای دادند و راه حل مابین را برای یک مرحله گذاری که این رگولاتوری ها ایجاد شود ارائه شد که آن را بپذیریم. به طور مثال دبیرخانه یا تشکل در دستگاه مرتبط خودشان باشد و در یک بازه زمانی بازخوردها را بررسی کرده و به سمت اصلاح و ارتقا گام برداریم. شورای رقابت در مواجهه با این پیشنهادات منفعلانه یا سازشکارانه برخورد ننمود و نپذیرفت. چرا که با اصل و اساس رگولاتوری آن را مغایرت می دانست. بنابراین تا این لحظه شورای رقابت و تعدادی از تشکل های غیر دولتی که در این زمینه موضوع را پیگیری می کنند روی استقلال رگولاتوری ها هنوز پافشاری می کنند و فکر می کنم این استقلال رگولاتوری باید همچنان پافشاری کرد. چرا که اگر به این شیوه عمل نگردهد همان نهاد تنظیم گر برق می شود که اگر از من بخواهید برای آن نمره بدهم من نمره ۵۰ از ۱۰۰ را به این نهاد می دهم. در این خصوص هیئت تنظیم تخصصی یکی از بهترین نمرات را می تواند داشته باشد، اما به دلیل اینکه به وزارت نیرو و شرکتهای دولتی وابسته است نمی تواند عملکرد مناسب خودش را داشته باشد. امیدواریم که با ایستادگی بر مبانی قانون بتوانیم این رگولاتوری ها را تشکیل بدهیم. **حمید حسینی:** من می خواهم تعارض منافع را از دیدگاه صنایع پایین دست نفت ارزیابی کنم. در اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی هم صناعی وجود دارد که به صورت زنجیره ای است و تعارض منافی بین صنایع بالادستی، میان دستی و پایین دستی در صنعت نفت داریم. با توجه به اینکه بالادستی ها و میان دستی ها توسط خصولتی ها از یک قدرت ویژه ای برخوردارند، فشار می آورند، لابی می کنند و امتیازات

منافع در کانادا می‌گوید دموکراسی طبقات پایین بدون اینکه بالادستی‌ها کنترل شوند، امکان پذیر نیست. پس تعارض منافع برای کنترل بالایی‌ها و امتیاز به پایینی‌ها است.

برای تعارض منافع کمیسیون اصل ۹۰ من را احضار کرد، در آنجا گفتیم: شما از دولت باید ۲۰ تا ۳۰ لایحه تعارض منافع بخواهید، هر سازمانی اعم از دانشگاه، شهرداری، نفت، سازمان برنامه و بودجه باید به طور جداگانه لایحه بدهند. پیشنهاد من این است که ائتلافی درست کنیم جهت ملی کردن مسئله ارائه لوایح تعارض منافع از طریق همه سازمانها و مردم را نیز از طریق رسانه‌ها متوجه آن کنیم که تعارض منافع عامل اصلی از دست رفتن حقوق آنهاست. این‌ها را اگر بتوانیم تبدیل به مطالبه ملی کنیم، دولت مجبور خواهد شد لوایح خود را آغاز کند. اما می‌دانیم که لوایح نامناسبی نیز ایجاد می‌شود، ولی اگر گفتمان‌ها شروع گردد بحث‌هایی صورت می‌گیرد و معایب و آن لوایح برطرف می‌شود. اما قصد من این است که مسئله به گونه‌ای شروع شود که هر سازمانی تعارض منافع نداشته باشد، باید متهم به فساد شود و به تفکر عمومی پاسخگو باشد. تاکید من بر این است که یک ائتلاف افکار عمومی می‌تواند به جریان تعارض منافع بسیار کمک کند. باید صدا و سیما را وارد این بحث نمود و برنامه‌های زنده با حضور افراد متخصص پخش نمود و به همه حوزه‌ها گسترش داد.

احمد داودی: من نیز با صحبت‌های آقای حسینی موافقم و باید تعارض منافع را خیلی وسیع‌تر و بنیادی‌تر پیش ببریم. اما نکته‌ای که بدان تاکید می‌کنم و به آن بی‌توجهی می‌شود چه در رگولاتوری و چه در اختیار گذاشتن امتیازاتی که دستگاه‌های دولتی انجام می‌دهند باید پیگیری و فضا سازی نمود و به طور مثال راه آهن و توانیر نمی‌توانند رگولاتور حمل و نقل و برق باشند. اینها کاری به خصوصی سازی ندارد. تعارض منافع کارهایی که صورت گرفته را باید با یک قانون عام پیگیری کنیم.

محمد مدیحی: برای تعارض منافع ساختاری می‌تواند سیاست کلی قابل پیگیری باشد، ولی تحقق این خط مشی و این سیاست باید با ایجاد مطالبه‌گری، فعال کردن نهادهای مدنی و استفاده از ظرفیت NGO ها و دانشکده‌ها و رسانه‌ها همراه باشد. اینکه بگوییم تصدی‌گری در پایین دست نداشته باشیم، سازوکار اجرایی می‌خواهد و باید به طور تدریجی صورت بگیرد. طبیعتاً در کنار این مسائل، عده‌ای تعارض منافع دارند و عده‌ای ذی‌نفع هستند و باید در بحث ارائه راه حل کرد و تعادل فعلی را نیز بر هم نزد. یک ذی‌نفع جدید وارد این موضوع شود تا این ذی‌نفع برای تحقق خط مشی و سیاست کلی پیگیری‌های لازم را انجام بدهد.

احمد داودی: من هم ایجاد یک فضای گفتگومانی حول خواسته‌های بخش خصوصی را خواستارم که از طرق مختلف مانند سمینارها و طرح‌های مطالعاتی بتوان رگولاتوری مستقل را برجسته نمود. اگر فکر کنیم راه‌حل‌های میانه‌ای را پیش ببریم که آن را خیلی پیشنهاد می‌کنند، این همان کنار آمدن با خود تعارض منافع است. در حالی که باید با تداخل و تعارض منافع مقابله کرد.

می‌گیرند، این امتیاز در خط اول باقی می‌ماند و به طور مثال می‌بینیم صنایع پتروشیمی توسعه پیدا نمی‌کند و در بحث قیمت گذاری خوراک، پایین دستی زبان‌ده می‌شوند. در حالی که بعضی از صنایع در پتروشیمی سودآوری بالای ۶۰ درصد دارند. یا در بحث پالایشگاه‌ها وقتی در بازار جهانی نفت خام را با تخفیف می‌فروشید به همین قیمت به پالایشگاه‌ها بدهید. از دیگر مواردی که صنایع پایین دستی نفتی با آن درگیر است، خوراک و کیوم باتوم، روغن و اسلک و کس است که در بورس بالاتر از قیمت جهانی به فروش می‌رسند.

واقعاً حیرت زده هستیم که چگونه از کلیت صنعت دفاع کنیم، چرا که منافع در یک جا حبس شده و نمی‌توان آن را تسری داد. در نهایت به یک جمع‌بندی رسیدیم که باید از طریق شکل‌گیری نظام تنظیم گر به سراغ مجلس برویم و موارد را در پتروشیمی و سایر صنایع نفتی پیش ببریم. از سویی سعی کرده‌ایم گفتمان سازی را داشته باشیم و تعارض منافع جزو همان گفتمان سازی‌های صنایع پایین دستی نفتی است که به صورت تخصصی آن را آغاز نموده ایم و پیش می‌بریم. فکر می‌کنم تشکلهایی که بتوانند این بحث‌ها را مطرح کنند و ناامید نشوند در جاهایی هم ممکن است سخت و طولانی مدت باشد، اما نباید از آینده کشور ناامید بود و آن را رها کرد. خواهش من این است که آقای حسینی با توجه به تجربه خوبی که از تعارض منافع در کانادا داشتید، جدا از بحث‌های ایران، علت موفقیت کانادا و دلیل این که در آنجا تعارض منافع جواب می‌دهد اما در ایران این طور نمی‌شود بحث کنید و به یک جمع‌بندی خوب برسیم.

مجید حسینی: از صحبت‌های من برداشت اشتباه شد، من با تعارض منافع مخالف نیستم و در رسانه‌ها نیز موافقت خود را بابت این موضوع اعلام کرده‌ام. دفاع از تعارض منافع بدون دفاع از عدالت و دموکراسی بی معنا است، چرا که در ایران سطحی از دموکراسی وجود دارد. ما که نظام روسیه نیستیم بالاخره بخشی داریم که اثری از دموکراسی را در خود دارد و دفاع از تعارض منافع کار غلطی است، وقتی به دموکراسی و عدالت توجهی نداریم و باید همزمان از هردو دفاع کرد. دفاع تکی مثال بارز مجلس شورای اسلامی می‌شود که با شعار شفافیت رای می‌آورد، ولی عدالت برای آن اهمیت ندارد و کاری هم به این نداریم که به شفافیت هم بی‌توجه هست. نکته دوم در مورد تفاوت ایران و کانادا باید گفت: به طور کلی آمریکا یک نظم سرمایه داری نئولیبرال بوده و کانادا و اروپای غربی سوسیال دموکرات هستند. انقلاب حاصل امتیاز ندادن به طبقات پایین است. لذا این کشورها به این نتیجه رسیدند که باید یک سری امتیازات بدهیم که انقلاب نشود و می‌بینیم که هیچ وقت در آلمان، انگلیس، نروژ و یا کشورهای اروپایی انقلاب نشده است و آنها ساختاری از امتیاز دهی به طبقات پایین را درست کردند، درمان، مسکن و آموزش را امن کردند و دقیقاً کاری که در کانادا اتفاق افتاد این بود که این سه موضوع انجام شد. شعار این کشورها این است اگر می‌خواهید تولید و سرمایه پیش برود باید پایین دستی‌ها را در امنیت قرار دهید. کانادا برای اینکه این منطق پیش برود درمان، آموزش و مسکن را امن کرده و اگر هر کسی خانه سوم به بعد خرید، باید ۹۰ درصد مالیات بپردازد. در کانادا بیمه بیکاری کار می‌کند، مسکن کنترل می‌شود، مدارس و مهدکودک‌ها رایگان است. تعارض

■ از جمله آثار منفی در اقتصاد های دنیا عینیت و بالفعل بودن تعارض منافع در آن است. ایجاد رانت و یا هر گونه دسیسه برای حفظ منافع از تبعات آن است. حال شما به عنوان رئیس یک تشکل در حوزه تجهیزات صنعت نفت، چه ارزیابی از تعارض منافع در اقتصاد ما بویژه در صنعت نفت دارید؟

موضوع تعارض منافع بحث جدیدی نیست که بتوان آن را به یک دوره، زمینه و یا رشته خاصی اختصاص داد. بلکه قبل از انقلاب هم بوده است. در واقع تعارض منافع از زمانی خلق می شود که شرایط رقابت نابرابر بین بخش خصوصی و دولتی در یک فعالیت اقتصادی فراهم شود. با توجه به اینکه برخی از شرکت های دولتی و خصولتی شرکت های قدرتمندی هستند و البته قدرتمند بودن دلیل توانمند بودن آن ها نیست، و این شرکت ها بعضاً از قدرت و نفوذ خود در تنظیم آیین نامه ها و یا حتی در بعضی موارد در تصمیم سازی ها، قانونگذاری ها و ترک مناقصه ها استفاده می کنند نه تنها در حوزه تجهیزات صنعت نفت بلکه در برخی زمینه های دیگر شرکت های اینچنینی وجود دارند که به دلیل تعارض منافع وارد یک رقابت نابرابر شده اند. مثلاً برخی از این شرکت های بزرگ غیر خصوصی در یک مناقصه ای ورود پیدا می کنند و می بینیم که در همان ابتدا می توانند در ارایه ضمانت نامه های بانکی استثنای شوند. نمونه هایی هست که برای قرارداد پروژه خود توانسته فقط با یک نامه از بالاترین مقام مسؤول همان مجموعه پروژه را تضمین کند که این تضمین در حکم ضمانت نامه بانکی تلقی شده است. در واقع در اینجا در همان قدم های اولیه یک رقابت نابرابر بوجود می آید. مجدداً گفتنی است که این تعارض منافع مربوط به این دوره اخیر نیست بلکه این رویه قبل از انقلاب و شاید در آن زمان حتی با شدت بیشتر بوده است. چون حکومت قبل انقلاب، سلطنتی و یکدست بود و رقابت جناحی نبود. لذا درز اخبار و اطلاعات به سختی صورت می گرفت، اما در این دوره یعنی بعد از انقلاب با جابجایی دولت

رهنمود رهبری

در خصوص تعارض منافع



لازمه تحول و حرکت به سمت پیشرفت، قانون گرایی، شفافیت و انضباط مالی، جلوگیری از تعارض منافع و جدیت در انجام تصمیم ها و مصوبات است. تعارض منافع که همه در مذمت آن سخن می گویند، فقط در عرصه اقتصاد نیست و اگر در موضوعی میان توجه مردم به ما و رعایت مصالح عمومی کشور تعارضی پیش آید، باید منفعت خود را نادیده بگیریم و به مصالح عمومی توجه کنیم.



توانایی تشکل ها

در رفع تعارض منافع

در کا بده اقتصاد

احسان ثقفی رئیس هیات مدیره انجمن استصنا

موضوع تعارض منافع که معمولاً با بحران های اقتصادی شدت می گیرد می تواند منجر به پیچیدگی هایی در اقتصاد شوند که با ایجاد مقررات جدید هم نمی توان از پس رفع و رجوع آن برآمد. یعنی در اقتصادی که فعالان اقتصادی اقدام به اموری می کنند تا هر گونه موانعی را برای کسب سود خود از میان بردارند، این اقدامات ممکن است خارج از مقررات هم رخ دهد و یا آثار و تبعات منفی به دیگر بخش ها وارد کند. به طوریکه این آثار منفی را نمی توان با هیچ ماده و تبصره ای حل کرد. اما چاره کار در چیست؟

صاحب نظران معتقدند باید این تعارضات شناخته شوند. از سوی دیگر قوانین به قدری شفاف و کارآمد باشند که هیچ فعال اقتصادی به دلیل تعارض منافع نتواند اقدامی خاص و یا از طریق رانت، بخش های دیگر را مختل کند. همه تحت لوای قانون برابر باشند و این برابری برای همه فقیر و غنی و رانت و غیر رانتی یکسان باشد. در این صورت است که می توانیم بگویم در اقتصاد ما تعارض منافع خیلی عملیاتی نیست و جواب نخواهد داد. اما از جمله اقدامات پیش رو می توان برای راهبرد رفع تعارض منافع، از نهادهای واسطه و یا تشکل ها کمک گرفت. گاهی شناسایی این تعارضات خود به رفع آن کمک می کند. در این رابطه با احسان ثقفی رئیس هیات مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران، به عنوان دست اندرکار یک تشکل صنفی گفتگویی را انجام دادیم تا نقطه نظرات او را در این زمینه جویا شویم.

وقتی بخش خصوصی در یک رقابت نابرابر چه از نظر مالی و رانت اطلاعاتی در پروژه ای درگیر می شود، باعث می شود نتواند آن طور که باید و شاید در اقتصاد رشد لازم را داشته باشد. این موضوع چندی قبل مورد تاکید رهبری هم قرار گرفت که بسیار قاطعانه و صریح مطرح کردند

باید وارد عمل شوند و این موضوع را مطالبه کنند. این دستور است و باید عملیاتی شود و اگر نشود می توانیم با حق طلبی آن را مطالبه کنیم چون همه هدف ما بهبود شرایط اقتصاد کشور است.

پیرو موضوع تعارض منافع باید گفت که مجموعه هایی هستند که از رانت دولتی بهره می برند و یا شرکت های نیمه دولتی که می توانند علیرغم بهره‌وری پایین، خود را سودده نشان دهند، چون رانت های خاصی دارند و یا توانسته اند از مزایا و تسهیلات با نرخ خیلی پایین بهره مند شوند. یا بعضا اگر در اواسط پروژه موفق نبوده اند با قدرت و نفوذی که دارند می توانند پروژه را متوقف کنند تا به یک افزایش قیمتی برسند. اما ما به عنوان تشکل های بخش خصوصی هم می توانیم در این خصوص مطالبه گری کنیم و تا جایی که می توانیم این نابرابری ها را کم کنیم. رسانه ها هم باید در این زمینه کمک کنند چون به نفع اقتصاد است.

■ بحث که به اینجا کشیده شد، موضوعی مطرح می شود که در اصل ۴۴ قانون اساسی همواره به حضور بخش خصوصی تاکید شده و این تاکید حداقل سالهاست در قانون و مقررات جدید به شکل های مختلفی مطرح شده است و شاید بعضا مطالبه گری هایی هم از سوی تشکل ها به کرات صورت گرفته که چرا با توجه به شرایط قانونی باز این رویه به درستی عملیاتی نمی شود و همچنان اقتصاد صرف دولتی است. به نظر شما تدوین قوانین و سازوکارهای جدید تنها تاکید دوباره به آن قوانین است و یا این دستورالعمل ها می تواند به هر چه عملیاتی شدن آن قوانین بیانجامد.

به نظر من شاید تنها راهی که می تواند تسریع نماید بهره مندی از تشکل ها بویژه تشکل های تخصصی بزرگ باشد. چرا موضوعاتی مانند شرکت های هپکو و یا نیشکر پیش می آید؛ زیرا چنین بنگاه های اقتصادی به دست اهلس سپرده نشده است. این اهلیت را چه کسی میتواند تعریف می کند. آیا اهلیت را کسی که صرفا اقتصاد خوانده است می تواند تشخیص دهد. مثلا معاون و یارئیس سازمان خصوصی سازی می تواند بهتر و یا بدتر بودن مدیریت یک بنگاه اقتصادی را تمیز دهد؟ برخی از مدیرانی که در راس امور بوده و هستند همه از اقتصاددان برجسته و کاملا شناخته شده ای هستند. اما سوال اینجاست که آیا این اقتصاددان یک بنگاه اقتصادی را هم کامل می شناسد؟ قطعا خیر. این اهلیت را یک تیم کارشناسی و تخصصی و مدیریتی باید تشخیص دهد و تشکل ها می توانند این رویه را پیگیر باشند چون تشکل ها یک مجموعه های غیر انتفاعی هستند و می توانند برای تایید صلاحیت از نظر تکنیکال و یا سوابق فنی کمک حال باشند. در واقع باید تشکل ها به هر شکل ممکن نقش واسط را در این گردونه داشته باشند؛ که اگر چنین شود قطعا در رشد اقتصاد تسریع خواهد شد. چون تشکل ها از مجموعه مدیران بنگاه های اقتصادی، صنعتی و کارآفرینانی هستند که می توانند چنین اموری را به درستی هدایت کنند.

■ در مورد تشکل ها بویژه در صنعت نفت رویه چگونه است؟ آیا همکاری وزارت نفت با تشکل ها سیر مثبتی را طی می کند؟ نگاه وزارت نفت به تشکل ها بویژه استصنا مثبت است و همواره روابط

ها و رقابت های سیاسی باعث می شود حرکت های اقتصادی دولت ها مانیتور شود و دولت جدید می تواند عملکرد و تعارض منافع دولت قبل را در همان رقابت سیاسی برملا کند، این است که ما فکر می کنیم در این دوره بیشتر از دوره قبل از انقلاب تعارض وجود دارد در حالیکه این طور نیست. به هر حال این یک واقعیت است و در برهه های مختلف بوده، ولی شکل آن تغییر می کند.

■ این تعارض منافع چه تبعات منفی بر فعالیت بخش خصوصی دارد؟ این معضل همواره بخش خصوصی را در شرایط دشوار قرار می دهد. به عبارتی وقتی بخش خصوصی در یک رقابت نابرابر چه از نظر مالی و رانت اطلاعاتی در پروژه ای درگیر می شود، باعث می شود نتواند آن طور که باید و شاید در اقتصاد رشد لازم را داشته باشد. این موضوع چندی قبل مورد تاکید رهبری هم قرار گرفت که بسیار قاطعانه و صریح مطرح کردند که در پروژه هایی که بخش خصوصی توان فعالیت دارد بخش دولتی و یا نیمه دولتی نباید ورود کنند و حال چگونگی اجرایی شدن این رهنمون و بیانات می تواند در قالب موضوعی در جلسات و یا سمیناری مطرح و بررسی شود.

■ یکی از بحث های تعارض منافع، انحصار است. به عبارتی تعارض منافع این انحصار را ریشه دارتر کرده است. در این زمینه چه نظری دارید؟ انحصار باعث می شود شکل تعارض منافع تغییر می کند اما ماهیتش همان است. اما نکته قابل ارائه این است که نظام ما به این باور رسیده است که در این خصوص باید پالایش اساسی انجام شود تا از تعارض منافع فاصله بگیرد. اما اینکه این باور عملیاتی شود که همه چی عادلانه پیش برود زمان بر است. یکی از مراکزی که می تواند در تسریع آن مساعدت کند، تشکل ها هستند. تشکل هایی که دست اندرکار صنعت و اقتصادند. باید از این حوزه بهره منطقی برد. یعنی صرفا با بخشنامه و یا صدور حکم نمی توان یک رویه ای را تغییر داد. باید کار کارشناسی صورت گیرد و قانون شود. واقعا بخش خصوصی با تعارض منافع نمی تواند رشد کند. البته رویکرد هم به سمت حضور منطقی تشکل ها به عنوان نماینده بخش خصوصی بوده است اما تا شکل گیری واقعی فاصله هست.

■ در این زمینه نمونه ای ارائه دهید که این بهتر شدن فعالیت تشکل ها برای تقویت بخش خصوصی در چه بخش و حوزه ای خود را نشان داده است؟

فرمان اخیر رهبری در نشست با فعالین اقتصاد جهت تدوین استراتژی صنعت می تواند زمینه ای بر حضور تشکل ها در هدایت این استراتژی باشد. استراتژی صنعت یک موضوع کلی است و صنعت نفت و زیر شاخه های آن هم یکی از بخش های این استراتژی هستند. دستور تدوین استراتژی صادر شده تا بعد از تدوین و تصویب و ابلاغ دولت ها نتوانند بر اساس سلیقه خود تغییر مسیر دهند. در تدوین این استراتژی با دستور رئیس جمهور و معاون اول ایشان بهره مندی از نظر صاحب نظران بخش خصوصی اشاره شده است. حالا نقش تشکل ها در اینجا دیده می شود که

خوب و طرف دیگر بد است. سمت مثبت آن این است فضای اقتصادی برای خرید محصولات مشابه خارجی محدود می شود و این موضوع شانس افزایش خرید محصولات داخلی را بیشتر می کند و این به نفع تولیدکننده داخلی است. اما شکل منفی تحریم ها این است که تولیدکننده نیازمند واردات مواد اولیه است و مشکل تامین مواد اولیه دارد. مشکل نقل و انتقال مالی از طریق بانک ها را دارد. اما با این شکل مثبت و منفی فکر نمی کنم هیچ عقل سلیمی از تحریم ها استقبال کند. تحریم ها محدود کردن فضای فعالیت شرکت ها است؛ سرعت رشد فعالیت اقتصادی را می گیرد؛ هزینه های فعالیت را بالا می برد؛ دسترسی به تکنولوژی های پیچیده را سخت می کند. اما برداشتن تحریم نیز باید با سیاستگذاری مناسبی صورت گیرد که آنچه در برجام اتفاق افتاد دیگر در احیای برجام تکرار نشود. باید روش های قبلی اصلاح شود. اگر تحریم ها برداشته شد نباید سازنده داخلی فراموش شود باید همچنان این فرصت به داخلی ها داده شود تا رشد کنند. به عبارتی به موضوع پسا تحریم و حمایت منطقی از تولیدکننده داخلی توجه شود.

❑ همه می دانیم که رشد و تقویت بخش خصوصی می تواند موتور رشد اقتصاد را سرعت دهد و سرمایه گذاری محرک اصلی اقتصاد است که این هم با توانایی بخش خصوصی می تواند تحقق یابد. اما این سرمایه گذاری انگیزه می خواهد که بخش خصوصی را ترغیب کند تا مشارکت داشته باشد. در این موضوع شما چه تصویری از مشارکت بخش خصوصی دارید؟ اقتصاد ایران بر پایه نفت است. پول، قانون و نظارت در اختیار حاکمیت و دولت است. به نظر بنده اگر می خواهیم بخش خصوصی را تقویت کنیم باید اقتصاد خصوصی همراه با نظارت تقویت شود. باید برای این تغییر و اصلاح ظرفیت سازی هم صورت گیرد. باید در جاهایی هم برای تقویت آن هزینه بدهیم؛ تا کی می خواهیم برای درمان هزینه کنیم بیاییم برای پیشگیری هزینه کنیم. به شخصه با دادن کمک مالی برای یک بنگاه اقتصادی موافق نیستم. باید کمک ها غیر مستقیم و در ازای هر پیشرفتی صورت گیرد باید یک سری جوایز خاصی برای رشد و پیشرفت بنگاهای تعریف شود تا بخش خصوصی انگیزه ورود بیشتر داشته باشد. ما با توجه به شرایط موجود نیازمند سرمایه گذاری هستیم. بیاییم به بخش خصوصی کمک کنیم که رشد کند و سودآور شود؛ نه اینکه تا یک مرکز و یا بنگاه اقتصادی غیردولتی به منافع زیادی می رسد، بیاییم جلوی فعالیت آن را بگیریم و یا یک بخش دولتی را به همکاری با آن مربوط کنیم و یا رقیب دولتی بتراشیم. یعنی حاکمیت باید در این امور برای تقویت بخش خصوصی نظارت کند. مثلاً ورزشکاری ورزش می کند تا تمام عضلاتش رشد کند و ورزیده شود. او برای حفظ عضلاتش تلاش می کند. اما در همین بدن غده سرطانی هم هست که بی رویه رشد می کند، منطقی است که باید این غده سرطانی را از بین برد و بر این بدن نظارت کرد. در کالبد اقتصاد نیز هر رشدی نمی تواند مفید باشد. تقویت در بخش هایی که به نفع کل اقتصاد است می تواند مثرثمر باشد و در غیر این صورت باید از بین برود. در این خصوص بهره مندی از ظرفیت حداکثری تشکل ها می تواند به بهبود کالبد اقتصاد ما کمک کنند.



حاکمیت از طریق ایجاد نهادهای رگولاتوری و تدوین صحیح اسناد بالادستی می تواند متولی این امر گردد. در غیر این صورت بنا به تجربیات گذشته، مدیریت محیط توسط برخی افراد در بخش خصوصی یا تشکلهای ایجاد زمینه های فساد یا رانت های گسترده انجامیده و خواهد انجامید



ما مناسب و کارشناسی بوده است اما ارتباط در این دولت فعلا در حد تعاملات و گفت و شنود بوده است؛ دوستانی که در وزارت نفت هستند گوش شنوایی دارند و در دسترس هستند و این به نظر نقطه قوت است و اما اینکه تشکلهای چه قدر در تصمیم گیری ها نقش دارند خیلی زود است قضاوت کنیم و شاید طی ۵ تا ۶ ماه آینده نتیجه تعاملات مشخص می شود.

❑ حمایت از ساخت داخل که از سوی مجموعه وزارت نفت در همکاری با سازندگان صنعت نفت چند سالی مورد توجه قرار گرفته است آیا می تواند زمینه ای برای تقویت بخش خصوصی باشد؟ البته گفته می شود که تحریم ها دلیل محکمی در همکاری دولت با سازندگان داخلی بوده اند. در این زمینه چه تحلیلی دارید.

تحریم ها که دلیل واضحی بر تقویت این همکاری بوده اند. اما نکته اساسی این است تا زمانی که تحریم ها هستند نگاه به داخل بیشتر است اما همین که تحریم ها برداشته می شود این نگاه از روی سازندگان داخلی برداشته می شود. تجربه گذشته در رفع تحریم ها بعد از توافق برجام این موضوع را به وضوح نشان داد. در زمانی که توافق برجام صورت گرفت و پای خارجی ها به کشور باز شد بخش خصوصی داخلی به فراموشی سپرده شد درحالی که قبل از آن این گونه نبود؛ نگاه به توانمندی داخلی بیشتر بود. در زمان تحریم ها این سازندگان و فعالان اقتصادی داخلی بودند که توانستند به داد صنعت نفت برسند. حالا شاید از نظر کمی و کیفی مشکلاتی داشتند و بعضاً قابل رقابت با خارجی ها نبودند اما تحریم ها باعث شد این شرکت ها حال با آزمون خطاهای خود موتور و چرخه اقتصاد را به حرکت دربیارند و نگذارند این چرخه متوقف شود.

❑ بحث احیای برجام مطرح است و احتمال موفقیت در مذاکرات و رفع تحریم ها وجود دارد در این زمینه چه انتظاری از دولتی ها دارید که همچنان حمایت از ساخت داخل را به عنوان اهرمی قوی حفظ کنند؟ بارها گفته ام که تحریم ها ذاتا مانند شمشیر دو لبه هستند. یک طرف

تعارض منافع در مدیریت محیط!



سیدحامد حسینی، عضو کمیسیون قیر

در دیدار نوروزی با یکی از مسئولان، موضوع امنیت در صنعت قیر از سه جنبه امنیت اشتغال و تولید، امنیت سرمایه گذاری و امنیت روانی مورد بحث قرار گرفت. در پاسخ آن مقام مسئول مبحث جالبی را مطرح نمود که تحت عنوان "مدیریت محیط" از آن نامبرده میشود. مدیریت محیط زمانی مطرح میگردد که ذی نفعان مختلف بر یک محیط مشخص تأثیرگذار بوده، اما تعارض منافع با یکدیگر دارند. به عنوان مثال پالایشگاه ها در پی فروش محصولات تولیدی خود با بالاترین قیمت بوده اما واحدهای تولیدی قیر و روغن و غیره به دنبال خرید خوراک با قیمتهای رقابتی می باشند. ماحصل آن اختلاف نظر در موضوع "حراج باز" میشود. یا آنکه دولت به سبب کسری بودجه در پی افزایش درآمدهای خود است و صادرکنندگان نیز با توجه به تنگناهای مختلف و هزینه های کمرشکن در شرایط فعلی سیاسی و اقتصادی به دنبال افزایش حاشیه سود خود و کاهش هزینه ها هستند. نتیجه این که تضاد منافع در بحث عوارض صادراتی نمود پیدا می کند. از این دست مثال ها و مصادیق در طول سالیان مختلف همواره به چشم میخورد. اینجاست که موضوع مدیریت محیط اهمیت خاصی پیدا می کند تا به نوعی بتواند تعارض منافع بازیگران را متعادل سازد. برخلاف نظر مقام مسئول مبنی بر اینکه تشکلهای باید متولی این موضوع

قانون "تعارض منافع" به زودی تصویب می گردد



محمد رضا پورابراهیمی - رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس

محمد رضا پورابراهیمی در حاشیه دیدار نوروزی با اعضای اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران گفت: "تعارض منافع" موضوع بسیار مهمی است که در حوزه های مختلف بارها مطرح شده و هم اکنون نیز مجلس به آن ورود کرده است. در حوزه حاکمیتی نیز طرحی در کمیسیون اجتماعی مجلس تدوین شده که مراحل نهایی آن طی می شود که می تواند به قانون تبدیل شود. پورابراهیمی با اشاره به اینکه تعارض منافع در حوزه های بخشی در تصمیمات بخشی قرار می گیرد افزود: تعارض منافع در حوزه بازار سرمایه وقتی نمود پیدا می کند که بطور مثال بینیم اعضای شورای عالی بورس خودشان معامله گر بازار باشند، یا هیئت مدیره سازمانی سهامدار یک شرکتی باشند که ذی نفع بازار است. اینها به نوعی تعارض منافع کلی در ساختار اداری کشور هستند.

برای ساختارهای بخشی تعارض منافع در حال تصمیم گیری هستیم که در قانون مربوطه اش آنها را اصلاح کنیم، بطور مثال در قانون بازار سرمایه ای همچون صنعت نفت، یک حکم مصوب کنیم که تعارض منافع در آن برطرف گردد.

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با بیان اینکه تصویب و اجرای چنین قوانینی مقدور است، ادامه داد: یک قانون کلی هم در مجلس در دست تدوین داریم که رویکرد حاکمیتی و نظام بوده و حوزه تخصصی بخشی نیست و جداگانه پیگیری می شود. در هر صورت مجلس و کمیسیون های تخصصی نسبت به این موضوع مهم ورود کرده و ما هم از آن استقبال می کنیم.

پورابراهیمی در خصوص بازپس گیری لایحه نهاد تنظیم گر رگولاتوری از مجلس توسط دولت نیز گفت: پس گرفتن هر گونه لایحه ای توسط دولت در قانون آمده است. شاید لایحه رگولاتوری نیاز به اصلاح و یا تغییر محتوا داشته است که دولت نسبت به بازپس گیری آن اقدام نموده است. ولی اگر در جایی موضوعاتی نیاز ضروری کشور باشد که دولت قبلاً لایحه داده و آن را جهت اصلاحات بازپس گرفته و در ارائه مجدد آن تعلل نموده است، مجلس می تواند طرح آن را نوشته و جایگزین لایحه دولت نماید و پیشنهادهای مراکز علمی، پژوهشی و دانشگاهی را در آن طرح گنجانده و در کمیسیون های تخصصی خود بررسی و تصویب نماید و نیازی به پیگیری از دولت ندارد.

آنچه که بر همه کسانی که دغدغه منافع ملی کشور را دارند محرز و مبین است، تاسیس نهاد رگولاتوری و استقلال آن منجر به چابکی دولت، گشایش اقتصادی اثرگذار و رونق کسب و کار در بخش خصوصی خواهد شد، ولی اراده ای برای آن از جانب زمامداران امور مشاهده نمی شود

اشتراکات عدیده ای در حوزه تامین خوراک، بورس، تولید و صادرات و... دارند، نباید مشکلات حوزه فعالیت خود را به کمیسیون های دیگر مرتبط سازند و بروز چنین دیدگاهی نیز باعث تعارض منافع گشته و به نوعی بین کمیسیون های تخصصی فاصله می اندازد. لذا ضرورت دارد ارتباطات هیئت رئیسه کمیسیون ها بیشتر شده و بر روی منافع مشترک خود بحث و بررسی داشته باشند. هم اندیشی بین اعضا و کمیسیون های تخصصی می تواند در شکوفایی آتی اتحادیه تاثیرگذار باشد.



تعارض منافع ثمره حکمرانی بد!

معصومه تاج میری دبیرکل فدراسیون صنعت نفت ایران

نهادهای مختلف بین المللی تعاریف مختلف برای تعارض منافع مطرح کرده اند. راهنمای سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی (OECD) آن را به عنوان تعارضی میان وظایف دولتی و منافع خصوصی مأمورین دولتی تعریف می کند، به طوری که این منافع می تواند به صورت ناصحیحی وظایف آن ها را تحت تأثیر قرار دهد. آنچه که مشخص است این رویداد از ثمرات حکمرانی بد است که بی شک شیرازه امور را از هم خواهد پاشید و چرخ اقتصاد لنگان خواهد شد. توصیف این شرایط برای ما بسیار آشنا است. متأسفانه یکی از معضلات اصلی کنونی کشور همین "تعارض منافع" است که از دیرباز گریبان اقتصاد در کلیه حوزه ها را گرفته و عدم توجه و نداشتن برنامه و اقدام عاجل جهت رفع آن طی سالیان متمادی و ایجاد رانت های قدرتمند، شرایط را به شکلی درآورده است که حفظ آن منطقی تر به نظر می آید.

به عنوان نمونه پیشنهاد تاسیس نهاد تنظیمگر دو صنعت نفت و برق

باشند، معتقدم که حاکمیت از طریق ایجاد نهادهای رگولاتوری و تدوین صحیح اسناد بالا دستی می تواند متولی این امر گردد. در غیر این صورت بنا به تجربیات گذشته، مدیریت محیط توسط برخی افراد در بخش خصوصی یا تشکلهای به ایجاد زمینه های فساد یا رانت های گسترده انجامیده و خواهد انجامید. هرچند نمیتوان از این نکته نیز غافل ماند که تشکلهای نیز بایستی جهت تحقق اهداف اعضای خود بکوشند و با مدیریت صحیح محیط خود سعی در کسب حداکثری منافع در این شرایط سخت تعارض منافع باشند. البته تجربه تصمیمات صد در صد دولتی و حاکمیتی نیز در این زمینه چندان درخشان نمی باشد زیرا حاکمیت نیز در تصمیمات خود عمدتاً اهداف کلان را در نظر میگیرد که منجر به ایجاد محدودیت ها، امضاهای طلایی، خود تحریمی های داخلی و امثالهم خواهد شد. در نتیجه راه حل میانه تشکیل شوراها و کارگروه های ترکیب شده از بخش خصوصی واقعی و حاکمیت می باشد که در موارد متعدد پاسخگوی نیازهای روز محیط کسب و کار بوده است.

تعارض منافع

در انجمن های موازی!



حسن فتحی، رئیس کمیسیون فرآورده های روغن

یکی از مصادیقی که باعث «تعارض منافع» در تشکلهای بخش خصوصی من جمله اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی می شود، مراجعه انفرادی اعضا و شرکت ها به سازمان های دولتی جهت رفع و رجوع مشکلات خود می باشد که به نوعی در کمیسیون های مختلف انجام گرفته است و این عملکرد باعث تشکیل انجمن های موازی گشته و باعث تعارض منافع در تشکلهای و انجمن ها می شود.

با توجه به اینکه اعضای کمیسیون های تخصصی اتحادیه با یکدیگر



که طی چند سال اخیر با زحمت کلیه دلسوزان و نخبگان بخش خصوصی این حوزه تهیه و با پیگیری و درایت مرکز ملی رقابت نهایی گردیده، همچنان معطل تصمیم گیری است و بعضاً لایحه تاسیس نهاد رگولاتوری صنعت برق توسط وزیر محترم نیرو بدون هیچ توضیحی از مجلس بازپس گرفته می شود. اقدامی غیر کارشناسانه و تنها با رویکرد تعارض منافع و انحصارطلبی.

آنچه که بر همه کسانی که دغدغه منافع ملی کشور را دارند محرز و مبین است، تاسیس نهاد رگولاتوری و استقلال آن منجر به چابکی دولت، گشایش اقتصادی اثرگذار و رونق کسب و کار در بخش خصوصی خواهد شد، ولی اراده ای برای آن از جانب زمامداران امور مشاهده نمی شود.

علی ایحال، ادامه مسیر طی شده تاکنون امکان پذیر نیست و تصمیم گیری های منطقی به دور از هر انحصاری منطبق با تامین منافع همه گروه های درگیر اعم از دولتی و بخش خصوصی چاره کار است.

یکی از مصادیقی که باعث «تعارض منافع» در شکل های بخش خصوصی من جمله اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی می شود، مراجعه انفرادی اعضا و شرکت ها به سازمان های دولتی جهت رفع و رجوع مشکلات خود می باشد که به نوعی در کمیسیون های مختلف انجام گرفته است و این عملکرد باعث تشکیل انجمن های موازی گشته و باعث تعارض منافع در تشکلهای انجمن ها می شود

بخش خصوصی برای صادرات محصولات خود ایجاد کرده بودند و بدون در نظر گرفتن منافع این فعالان اقتصادی، باعث تعطیلی ۸۰ درصدی آنان شده اند، تا جایی که شهرک های صنعتی از رونق افتاد و تعداد زیادی اشتغال پایدار از بین رفت. حال با توجه به شرایط روز و استفاده از تجربیات بدست آمده، وجود یک نظام تنظیم گر و ایجاد رگولاتوری باعث دلگرمی بخش خصوصی فعال در صنایع پایین دستی نفت می شود، تا فعالان اقتصادی با بازگشایی دوباره واحدهای صنعتی خود و با استفاده از روش های دانش بنیان به تولید محصولات جدید روی بیاورند که رشد و رونق اقتصادی و اشتغال زایی را به همراه داشته باشد.

تعارض منافع

در بازار هدف!



رضا فخاری - نایب رئیس هیات مدیره اوپکس

تعارض منافع که از آن به عنوان تضاد منافع نیز نام می برند، در چند سال اخیر سایه پررنگ بر روی صنعت پایین دستی نفت انداخته است. تعارض منافع از آن جهت بخش خصوصی واقعی صنایع پایین دستی نفت را تحت الشعاع قرار داده است که پس از خصوصی سازی، صنایع خصوصی شده به صادرات فرآورده های خام و نیمه خام به بازارهای هدفی روی آورده اند که طی سالیان قبل توسط فعالان



نرخ خوراک غیرکارشناسی رابه پتروشیمی ها تحمیل نکنیم!

گفتگو: مریم میخانک بابایی

دبیرکل انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی می گوید: متأسفانه در زمینه نرخ خوراک جوی حاکم بوده و هست که برخی به غلط فکر می کنند پتروشیمی ها خوراک ارزان در اختیار دارند. این موضوع از ابتدای دهه ۸۰ که خوراک ارزان بود و پتروشیمی ها دولتی بودند وجود داشت. در آن زمان قیمت خوراک گاز متان ۱۵ ریال بود یعنی همان قیمتی که به مردم می دادند. به دلار هزار تومانی قیمت خوراک گاز ۳ سنت می شد. اما بعد از واگذاری ها کاملاً شرایط قیمت خوراک تغییر کرد و امروز به جرات با عدد و ارقام ثابت می کنیم که پتروشیمی های ایران یکی از گران ترین خوراک های دنیا را خریداری می کنند. کدام کشوری در دنیا سراغ دارید که قیمت صادراتی محصول آن ارزان تر از قیمت همان محصول در داخل باشد؟! این فاجعه و ظلمی است که از سوی سیاستگذاران برای تعیین نرخ خوراک گاز بر پتروشیمی ها تحمیل می شود... احمد مهدوی ابهری دبیرکل انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی در گفتگو کامل و مفصلي که با دنیای انرژی داشت علاوه بر نرخ خوراک، توضیحاتی در خصوص تعارض منافع حاکم بر صنعت پتروشیمی، احیای برجام، تصویری از صنعت پتروشیمی، تامین یوتیلیتی مجتمع های پتروشیمی و ... ارائه داد که متن کامل این گفتگو را در ادامه می خوانید.

□ طی این سال ها برخی معتقدند که پتروشیمی ها با حمایت هایی که از سوی دولت ها شدند توانستند در رقابت با دیگر صنایع کشور موفق عمل کنند و سودآور شوند. گاهی اوقات هم این دسته از افراد مانع تراشی هایی را هم برای رشد و پیشرفت این صنعت به وجود آورده اند. شما به عنوان نماینده بخشی از مدیران مجموعه های پتروشیمی چه تعارض منافی در توسعه صنعت پتروشیمی می بینید؟ آیا پتروشیمی ها این قدر پرتوان شده اند تا بتوانند موانع این تعارضات را از میان بردارند؟ قبل از جواب سوال شما مقدمه ای عرض می کنم که ابتدا یک نگاه عمیقی به اقتصاد و منافع ملی کشور داشته باشیم. کشور ما سرشار از منابع هیدروکربنی است و تعقل اقتصادی حکم می کند که به دنبال مزیت های اقتصادی و استفاده از این منابع هیدروکربنی باشیم. مثال ساده اینکه اگر کشوری آب ندارد قطعاً به صرفه نخواهد بود که به دنبال توسعه کشاورزی برود. پس یکی از دلایل توسعه پتروشیمی ها به خاطر نعمت منابع هیدروکربنی است و پتروشیمی ها با مزیتی که دارند این معادن غنی نفت و گاز را تبدیل به ارزش افزوده می کنند. در واقع تعقل و منطق اقتصادی حکم میکند به دلیل منافع بیشتر اقتصادی بیاییم به جای خام فروشی منابع زیرزمینی رابه ارزش افزوده بیشتر تبدیل کنیم تا علاوه بر استفاده داخل صادرات هم داشته باشیم. از سوی دیگر محصولات پتروشیمی و محصولات تکمیلی امروز در زندگی مادی ما کاملاً جا افتاده است و روز به روز نقش آن پررنگ تر هم می شود به طوری که در خیلی از موارد صنعت پتروشیمی جای صنایع فلزی و چوبی را هم پر کرده اندو دنیا هم روزانه در حال وابسته شدن به این صنعت است و استفاده از محصولات پتروشیمی در دنیا طبق آمارها سیر صعودی دارند. پس این صنعت می تواند لوکوموتیو اقتصاد کشور باشد. با این تحلیل می توانیم به صراحت بگوییم کشور ما بویژه در زمان تحریم ها اگر تمام نفت قابل استحصال خود را در پتروشیمی ها یا پتروپالایشگاه ها تبدیل به محصولات با ارزش پتروشیمی کند دیگر هیچ نیازی به صادرات نفت خام نخواهد داشت و این می تواند ما را به منافع بهتر و حاشیه امن اقتصادی برساند.

البته این سال ها با تأکیدات مکرر قوانین مجلس به سمت توسعه صنایع پتروشیمی رفته ایم و صد البته به این دلیل که تحریم کنندگان، فروش نفت ما را رصد می کنند تا مانعی بر صادرات نفت خام ایران شوند اما در مورد محصولات پتروشیمی نتوانستند موانعی به آن شکل ایجاد کنند. با این وجود پتروشیمی ها در این سال های تحریم، سختی های زیادی را متحمل شدند، هزینه های زیادی پرداخت کردند تا بتوانند محصولاتی تولید و یا حتی صادر کنند تا در این وضعیت تحریمی درآمد ارزی به دست آورند؛ به طوری که در سال ۱۴۰۰ در حدود ۱۴.۵ میلیارد دلار فقط محصولات پتروشیمی صادر شده است. عبارت "فقط پتروشیمی" را از آن جهت می گویم که شما ممکن است در آمار گمرک کدهایی به نام پتروشیمی هم مشاهده کنید که آن ها مربوط به محصولات پایین دستی است و اگر فروش آن ها را هم به این رقم اضافه کنیم بیش از این میزان ۱۴.۵ میلیارد دلار خواهد بود. حال این رقم خالص، خروجی

قیمت گاز متان، قیمت هاب اروپا لحاظ شود. چرا برای گاز اتان قیمت هاب آمریکا که تولیدکننده انرژی است را منظور نکردیم اما قیمت گاز متان را از اروپا که واردکننده انرژی هستند معیار قرار دادیم در حالیکه این اصلا منطقی نیست.

❑ چه منافعی وجود دارد؟

چون دولت میخواهد گاز را به پتروشیمی ها گران بفروشد. قیمت هاب اروپایی که تولیدکننده انرژی نیست نمی تواند برای ضریب اقتصادی و قیمتگذاری گاز معیار محسوب شود.

❑ یعنی تعمدی است؟

بله تعمدی است. این عمد در آیین نامه آمده تا قیمت را افزایش دهند. این در خوراک های اتان و متان و خوراک مایع هم صورت گرفته است. ما در بالادست پتروشیمی ها درگیر این تعارض منافع هستیم و مدت هاست به دنبال رگولاتوری و نهاد تنظیم گر بوده و هستیم تا نهاد بالادست به پتروشیمی ها زور نگویند و یا هر چه خواستند به پتروشیمی ها تحمیل نکنند. متأسفانه تعارض منافع از دولت های گذشته بوده و با وجودی که ۱۲ سال از لزوم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر اهمیت به بخش خصوصی می گذرد اما باز فعالیت بخش خصوصی با مشکلاتی مواجه است. سیاستگذار خوراک پتروشیمی ها را در اختیار دارد و به دلیل تعارض منافع و تغییر رویکرد در قیمت خوراک مانع رشد پتروشیمی ها می شود و این به توسعه صنعت لطمه می زند.

❑ چرا موانع و چرا تعارضات؟ مگر هدف ارزش افزوده نیست؟

پرسش واضح این است که واقعا مزیت اقتصادی در کشور ما چیست و کجاست؟ پاسخ این است که مزیت های اصلی کشور ما ابتدا خوراک و یا همان منابع هیدروکربنی و دیگری سواحل آبی است که داریم. از این ها باید بهره ببریم. ما این مزیت ها را در مقابل دیگر مشکلاتی نظیر کاهش پول ملی، کمبود فضای کسب و کار، تحریم ها و غیره داریم. اگر به نرخ خوراک توجه نکنیم که سرمایه گذاری رشد نمی کند.

یکی از مشکلات اصلی ما نگاه غیرکارشناسی دولت و مجلس به مسائل پتروشیمی است که این نگاه و تصمیمات عجولانه به این صنعت لطمه زده است. مثلاً به سرمایه گذار می گوییم برو در منطقه ای باچنین و چنان مزیت هایی سرمایه گذاری کن و سرمایه گذار هم به دلیل همان مزیت ها و قوانین، تشویق به سرمایه گذاری می شود اما بعد با یک تصمیمی تمام مزیت ها را لغو می کنیم. در جایی می گوییم از مالیات معاف هستند ولی بعد با تصمیم دیگری آن را لغو می کنیم. یا در دوره ای جوایز صادراتی در نظر گرفتیم بعد آن را به معافیت مالیاتی تبدیل کردیم و بعد همه را لغو می کنیم؛ آخر با این گونه رویه ها سرمایه گذار چگونه برای سرمایه گذاری مطمئن شود.

در مورد لغو معافیت مالیات بر صادرات و معافیت بر محصولات نیمه خام، موضوعات قابل نقدی وجود دارد. ما با آن بخش از اخذ مالیات بر صادرات مواد خام کاملاً موافقیم و معتقدیم در شرایطی که می توانیم



کشور ما بویژه در زمان تحریم ها اگر تمام نفت قابل استحصال خود را در پتروشیمی ها یا پتروپالایشگاه ها تبدیل به محصولات با ارزش پتروشیمی کند دیگر هیچ نیازی به صادرات نفت خام نخواهد داشت و این می تواند ما را به منافع بهتر و حاشیه امن اقتصادی برساند



مجتمع های پتروشیمی است که از این مقدار ۱۲.۵ میلیارد دلار در سامانه نیما ثبت شده است.

در مورد تعارض منافع و سوال شما باید گفت که این تعارض منافع گاهی منطقی است و گاهی نگاه بخشی نگری دارد. در نگاه بخشی نگری تعارضات به گونه ای مطرح می شود که مثلاً صنایع پایین دستی می خواهند صادرات محصولات پتروشیمی با این وسعت صورت نگیرد و در انبارها بماند و این قدر انباشته شود تا پتروشیمی ها مجبور شوند آن محصولات را به داخل و با قیمت های پایین تری به آن ها بفروشند. این یک نگاه بخشی به موضوع است در حالیکه کشور به صادرات نیاز دارد؛ برنامه های توسعه اقتصادی کشور به صادرات غیر نفتی تاکید دارد که افزایش یابد. از سوی دیگر ممکن است صنایع پایین دستی نگاه منطقی داشته باشند یعنی بگویند تا زمانی که کشور نیازمند محصول پتروشیمی است نباید صادرات آن محصول صورت گیرد که این استدلال و تعارض منافع منطقی است؛ که اتفاقاً پتروشیمی ها به این موضوع عمل کردند مثلاً در مورد محصول پت دیدیم که پتروشیمی شهید تندگویان در حال حاضر به دلیل نیاز داخل یک کیلو هم پت صادر نمی کند و همه را به داخل عرضه می کند. در حالیکه این شرکت برای تامین قطعات و کاتالیست ها نیاز به ارز دارد و باید مقداری صادرات داشته باشد اما صادر نمی کند و نیاز ارزی خود را از هم گروه های خودش تامین می کند. با این رویه باید گفت که پتروشیمی ها در سال ۱۴۰۰ حدود ۶ میلیارد دلار محصول خود را به داخل برای صنایع پایین دستی عرضه کرده اند تا در این زمینه واردات نداشته باشیم.

❑ در دیگر بخش ها آیا پتروشیمی ها با تعارضاتی مواجه هستند؟

تعارض منافع در صنعت پتروشیمی از سطوح بالاتر و در حوزه سیاستگذاری اعمال می شود. مثلاً سیاستگذار و یا وزارت نفت به دلیل منافع در اجرای قانون خوراک آن طوری که باید و شاید به درستی عمل نمی کند. به عبارتی در کجای قانون عنوان شده که برای تعیین

می توانیم این گونه استدلال کنیم که قانونگذار معتقد است تولیدکنندگان در صنعت پتروشیمی به هر رو سودآور هستند و این سال ها نیز این سودآوری خود را با ارزشی زیاد و اعلام سودآور بودن در سامانه کدال (اطلاعات مربوط به امور سهام در بورس) نشان داده اند و مزیت نسبی این صنعت بالاست و می تواند این مالیات را پرداخت کند.

خیر این استدلال یک نگاه پوپولیستی به موضوع است. بیایم بگوییم چون پتروشیمی ها سودآور بودند و سودهای خوبی هم کردند این پول ها را بگیریم و نگذاریم دیگر سود کنند؟ ما می گوییم مگر قرار است در کشور بیایم از آن صناعی که بدبخت و زمین خورده هستند حمایت کنیم و در عوض از صناعی که به اقتصاد کمک می کنند، کارآفرین هستند، اشتغالزا هستند به صادرات کمک می کنند و ارزآورد را توی سرش بزنیم تا مثل آن بقیه شوند. یعنی در کشور تولید ثروت ضد ارزش شده است؟ ما می گوییم باید قانونگذار از مجموعه ها بپرسد که چرا شما منابع و تکنولوژی برای رشد و توسعه در اختیار داشتید اما رشد نکردید؟ این موضوع منطقی و قابل پیگیری است یعنی قانونگذار و حاکمیت باید در این موضوع ورود کنند. اما وقتی من تولیدکننده تحریم هستم و تکنولوژی ندارم و هنوز پابستی در مورد این موضوع صورت نگرفته چگونه انگیزه برای تولید و رشد بیشتر داشته باشم. در همه جای دنیا این مشوق ها برای توسعه و صادرات وجود دارد ما نباید به جای تقویت آن را لغو کنیم. به اعتقاد بنده حاکمیت می تواند به روش هایی تکنولوژی و لایسنس را برای تولیدکننده فراهم کند و اگر انجام نداد هر جریمه ای که منظور کند تولیدکننده ملزم به پرداخت است.

یعنی می گویید قانونگذاران اجازه دهند مجموعه ها بزرگ شوند و رشد کنند؟

بله همین طور است. اما می بینید که با وجود چنین قوانین پیچیده ای هم پتروشیمی ها کار خود را به خوبی انجام می دهند، مثلاً یکی از بزرگترین تولیدکنندگان متانول ما پتروشیمی زاگرس است. این شرکت به دنبال گرفتن لایسنس به طرق های مختلف از دنیاست و پروژه خودش را هم در این زمینه تعریف کرده است.

به موضوع نرخ خوراک برگردیم. با توجه به گفته های شما اگر مقررات نرخ خوراک با همین رویه پیش برود چه مانعی می تواند بر سر راه رشد و توسعه پتروشیمی ها شود؟

متأسفانه در زمینه نرخ خوراک جوی حاکم بوده و هست که برخی به غلط فکر می کنند پتروشیمی ها خوراک ارزان در اختیار دارند. این موضوع از ابتدای دهه ۸۰ که خوراک ارزان بود و پتروشیمی ها دولتی بودند وجود داشت. در آن زمان قیمت خوراک گاز متان ۱۵ ریال بود یعنی همان قیمتی که به مردم می دادند. به دلار هزار تومانی قیمت خوراک گاز ۳ سنت می شد. اما بعد از واگذاری ها کاملاً شرایط قیمت خوراک تغییر کرد و امروز به جرات با عدد و ارقام ثابت می کنیم که پتروشیمی های ایران یکی از گران ترین خوراک های دنیا را خریداری می کنند. این ضربه بدی به صنعت پتروشیمی است، روند رشد را کند

محصولی با ارزش افزوده بالاتر تولید کنیم چرا خام فروشی کنیم و اگر کسی خام فروشی کرد باید علاوه بر پرداخت مالیات عوارض هم پرداخت کند. ما نمی خواهیم قوانین کاملاً به سمت ما بچرخد و هر چه به نفع ماست همان انجام شود، ما می گوییم هر چه منطق اقتصادی می گوید آن را می پذیریم، ما با خام فروشی مخالفیم، اما نسبت به بخش هایی از مقررات هم نقد کارشناسی داریم؛ مثلاً در مقررات جدید لغو معافیت مالیات بر صادرات گفته می شود اوره پتروشیمی ها نیمه خام است و باید معافیت مالیات بر صادرات آن لغو شود. در اینجا می گوییم اوره تبدیل به موادی برای نیاز در حوزه کشاورزی است و بخشی نیز به کریستال ملامین تبدیل می شود و تولید بیش از این مقدار کریستال نه مورد نیاز کشور است و نه اینکه بازارهای دنیا این میزان را از ما می خرند بنابراین نمی توانیم تمام اوره تولیدی را به کریستال ملامین تبدیل کنیم تا خام فروشی نشود؛ به عبارتی این مقررات باید کارشناسی می شد تا با واقعیت ها پیش برود که نشده است.

چه انتظاری از قانونگذار در تعیین مقررات لغو معافیت مالیات بر صادرات داشتید که صورت نگرفت؟

انتظار این بود که مثلاً به تولیدکننده متانول برای تکمیل زنجیره تولید خود از پروپیلن به پلی پروپیلن فرصت داده می شد. قانونگذار باید اجازه می داد تا تولیدکننده محصول خام خود را در یک بازه زمانی مثلاً ۵ ساله با همان معافیت مالیاتی صادر کند به شرطی که نیمی از متانول خود را در این بازه زمانی تبدیل به ارزش افزوده کند، در واقع در این بازه زمانی بتواند لایسنس و تکنولوژی محصول جدید خود را به دست آورد؛ وقتی به تولیدکننده گفته می شود محصول خام صادر نکن والا باید مالیات بدهی، سوال این است که آیا این تولیدکننده، تکنولوژی محصول جدید را داشته است که به جای تولید محصول جدید، مواد خام آن را صادر کرده است؟ قطعاً تکنولوژی و لایسنس آن را نداشته است و مجبور به صادرات همان محصولی می شود که در مقررات جدید از آن به عنوان محصولی خام نام برده می شود.

در واقع با طرح چنین مقرراتی تمام تولیدکنندگان متانول از ادامه فعالیت منصرف می شوند و دیگر انگیزه ای برای رشد و توسعه نخواهند داشت. لغو معافیت مالیاتی جذابیت سرمایه گذاری را از دست می دهد و عملاً مانعی بر توسعه است. البته در برخی محصولات منطقی است اما در برخی دیگر خیر. ما با تنفس ۵ ساله در تولید می توانیم این فرصت را به تولیدکننده بدهیم تا تکنولوژی و محصول جدید با ارزش افزوده بالا تولید کند. وقتی تولیدکننده تکنولوژی ندارد چگونه محصول تولید کند، برای تولید محصول به منابع و لایسنس نیاز دارد. ما باید کاری کنیم و یا فرصت دهیم تا محصول جدید تولید شود و از خام فروشی جلوگیری کنیم. با این محدودیت ها فقط پروژه های نیمه کاره زیر سوال می رود. ما مخالف قانون و مقررات نیستیم اما با تنفس ۵ ساله برای لغو مالیات بر صادرات، تولیدکننده را برای توسعه کسب و کار تشویق می کنیم.

نادیده گرفته شود اما این قیمت گذاری باید به درستی ارزیابی شود. ما گاز را به ترکیه ۲۰ سنت می دهیم در حالیکه قبل از اصلاح قیمت گاز این خوراک ۳۶ سنت به واحدهای پتروشیمی داده می شد! کدام کشوری در دنیا سراغ دارید که قیمت صادراتی آن ارزان تر از قیمت همان محصول در داخل است! این فاجعه و ظلم است. این همه صادرات گاز ایران به ترکیه چه شد؟ چه دستاوردی برای ما داشت؟ جز اینکه ۲ میلیارد دلار هم جریمه شدیم.

بنابراین باید این رویه ای که گران ترین گاز و خوراک دنیا به پتروشیمی های ایران فروخته می شود تغییر کند، باید فرمول گاز اتان و متان اصلاح بشود و گاز مایع هم بر اساس قانون در جز ۴ اجرایی شود و قیمتش تعیین شود. الان پتروشیمی هایی که خوراک مایع مصرف می کنند به سمت زیان رفته اند زیرا قیمت نفت خام بالا رفته است در حالیکه قیمت محصول خوراک مایعی ها خیلی افزایش پیدا نکرده است تابه یک بالانس سودآوری برسند؛ بنابراین زیانی برای تولیدکننده خوراک مایع پتروشیمی هاست. پتروشیمی تبریز و یا شازند اراک از این دسته اند که دچار حاشیه زیان شده اند.

❑ قیمت گاز متان و اتان به چه میزان تعیین شود برای پتروشیمی ها مناسب است؟

ما می گوئیم گاز متان باید طبق فرمول ضریبی از فروش داخل، صادرات و هاب های آمریکا و کانادا تعیین شود چون آن ها تولید کننده انرژی هستند. اما اتان تابعی از متان است یعنی بر اساس ارزش حرارتی ۱/۸ برابر گاز طبیعی است و در دنیا به همین نسبت هم قیمت گذاری می شود و مقادیری هم بابت هزینه های معمول استخراج و جداسازی به آن اضافه می کنند. پس اگر فرمول گاز متان را تعیین کردیم خودبخود قیمت اتان نیز که تابعی از آن است تعیین می شود که این در قانون است و فقط باید به آن عمل کنیم. اما می بینیم که برای منافع بیشتر فرمول های جدید خلق می شود که این به تداوم کار لطمه می زند. در مورد خوراک مایع هم وزارت نفت قیمت فروش نفت خام را در نظر گرفته است. این قیمت گذاری در جز ۴ بند الف ماده یک قانون تنظیم مقررات مالی دولت ۲ در آیین نامه نرخ خوراک گاز و مایع پتروشیمی ها توسط هیات وزیران مصوب ۱۳۹۳ هم آورده شده است. قیمت خوراک مایع پتروشیمی ها بر اساس جز ۴ همین آیین نامه معادل ۹۵ درصد فوب خلیج فارس با نرخ دلار نیمایی تعیین می شود در حالیکه دولت در شرایط تحریمی نمی تواند با نرخ های بین المللی نشریات، این خوراک های مایع مثل میعانات گازی، نفتا و ... را صادر کند، اما با ۹۵ درصد قیمت فوب درج شده در نشریات بین المللی، این خوراک را به شرکت های پتروشیمی داخلی می فروشد. این تخفیف ۵ درصد با هزینه های انبارداری، انتقال خوراک، بازاریابی و ... بسیار دشوارتر است بنابراین پتروشیمی ها انواع خوراک مایع و میعانات را به قیمت های بین المللی و حتی بیشتر از قیمت های صادراتی و با نرخ ارز نیمایی و بصورت نقدی دریافت می کنند و هیچ یارانه ای در این خوراک وجود ندارد. از سوی دیگر بر اساس فرمول، تعیین قیمت خوراک مایع

می کند، سرمایه گذار را فراری می دهد. قانونگذار قانون را خوب نوشته ولی در اجرا جور دیگری عمل می شود. مثلاً قانون گذار گفته وزارت نفت در تعیین نرخ خوراک باید به گونه ای عمل کند تا باعث جذب سرمایه گذار داخلی و خارجی شود؛ اما الان نه تنها این جذب صورت نمی گیرد بلکه سرمایه گذار را هم فراری می دهد.

❑ حتی اگر تحریم ها هم برداشته شود باز جذابیت سرمایه گذاری کمتر شده است؟

بله حتی اگر تحریم ها برداشته شود این خوراک برای سرمایه گذار جذابیتی ندارد. سرمایه گذار ترجیح می دهد در آمریکا، قطر، ترکیه، ترکمنستان و دیگر کشورها برود اما ایران نیاید. آخر ما که به غیر از خوراک قابل دسترس مزیت قابل توجهی نداریم. هندی ها چند بار برای اوره اقدام کردند تا در ایران سرمایه گذاری کنند و با وجودی که نیازمند اوره ایران هستند اما پشیمان شدند و رفتند. شما بروید پرونده های محرمانه سرمایه گذاری که در شرکت ملی صنایع پتروشیمی طی ۱۰ سال گذشته موجود است را ببینید که چه سرمایه گذاری آمدند و بررسی کردند و متوجه شدند منافع برایشان ندارد و رفتند.

در ادامه موضوع قوانین نرخ خوراک عرض می کنم که گاز متان با قیمتی بر مبنای هاب اروپا تعیین می شود که اروپا درگیر جنگ اوکراین است و به این دلیل قیمت گاز در اروپا بالا رفته است و تنها کار حمایتی که دولت در این برهه از زمان وارد کرده گفته است که قیمت گاز از ۵ هزار تومان بالاتر نرود در حالیکه اساساً این رویه ای که هاب اروپا تعیین کننده نرخ باشد غلط است. البته ما نمی گوئیم که قیمت های جهانی

به سرمایه گذار می گوئیم برو در منطقه ای سرمایه گذاری کن و سرمایه گذار هم به دلیل همان مزیت ها و قوانین، تشویق به سرمایه گذاری می شود اما بعد با یک تصمیمی تمام مزیت ها را لغو می کنیم. در جایی می گوئیم از مالیات معاف هستند ولی بعد با تصمیم دیگری آن را لغو می کنیم. یا در دوره ای جواز صادراتی در نظر گرفتیم بعد آن را به معافیت مالیاتی تبدیل کردیم و بعد همه را لغو می کنیم؛ آخر با این گونه رویه ها سرمایه گذار چگونه برای سرمایه گذاری مطمئن شود

🔴 پتروشیمی ها چه برنامه ریزی برای کمک به تکمیل زنجیره ارزش دارند و آیا علاقمند ورود به حوزه پایین دست هم هستند؟

اساسا صنایع تکمیلی و پایین دست مربوط به یک حوزه دیگری هستند، به چه دلیل باید پتروشیمی ها به آن سمت بروند. پتروشیمی ها ورود نمی کنند برای اینکه کار ساده ای است و دیگران می توانند با سرمایه گذاری اندک آن را انجام دهند. مثلا پتروشیمی ها از پروپیلن، پلی پروپیلن تولید می کنند؛ اما اگر بخواهند از پلی پروپیلن نخ و یا الیاف تولید کنند این محصول با سرمایه گذاری ۳ تا ۴ میلیون دلاری هم توسط دیگر سرمایه گذاران قابل انجام است. وزارت صمت باید به این حوزه ورود کند، محصول تولیدی را از پتروشیمی ها بگیرد و در قالب طرح جدیدی به سرمایه گذار پایین دست پتروشیمی معرفی کند. خاطر مهم هست یکی از پتروشیمی ها کامباند تولید می کرد، در آن زمان دیدیم که انجمن کامباند اعتراض کرد که چرا پتروشیمی ها وارد این صنعت شده اند در حالیکه کار آن هاست و مربوط به پایین دست پتروشیمی است.

🔴 اگر پتروشیمی ها توانایی تولید محصول جدیدی در جهت تکمیل زنجیره ارزش داشته باشند، چه اشکالی دارد که به تولید برخی محصولات هم ورود کنند، به هر جهت تامین محصول مورد نیاز کشور است...

ما سعی می کنیم خیلی در این حوزه هایی که در تخصص ما نیست وارد نشویم. ما در حوزه تولید پلاستیک و قطعات خودرو و کامپیوتر و ... وارد شدیم اما این حوزه ها بسیار بسیار گسترده است که دیگر سرمایه گذاران باید ورود کنند. البته در بین پتروشیمی ها شرکت هایی داریم که از صنف پایین دست به بالا دست آمده اند، مثلا تولید کننده ای کارخانه موکت بافی داشته و در کنارش پتروشیمی هم تاسیس کرده است، اما اینکه انتظار داشته باشیم پتروشیمی ها این زنجیره را تا پایین دست ادامه دهند این درست نیست.

🔴 و کلام آخر ...

اگر دلمان به این کشور می سوزد و دوست داریم اقتصادمان رو به جلو حرکت کند یکی از راه های آن توسعه صنعت پتروشیمی است. راه پرمزیتی است و مجلس، دولت و ملت همه باید از این صنعت حمایت کنند تا صادرات آن گسترش پیدا کند. با این صنعت می توانیم تولید ثروت کنیم تا به تولید ناخالص ملی و اشتغال کشور بیافزاییم. اگر در راه توسعه صنعت پتروشیمی سنگ اندازی کنیم به خودمان، مردم و دشمن کمک کردیم. باید دولت، مجلس و مسئولین نگاه حمایتی به این صنعت داشته باشند تا رشد کند و جلو برد نه اینکه بگویند پتروشیمی ها پولدارند و به حال خود رها شوند. نکته دیگر اینکه به سودهای کدال نگاه نکنید این سودها واقعی نیستند. این سودها با دلارهای ۸۰۰ تا هزار تومانی محاسبه می شوند. اگر این شرکت ها تجدید ارزیابی شوند با احتساب استهلاک آن ها رقم هایی با سودهای بسیار پایین تری نشان داده می شوند. مثلا استهلاک پتروشیمی مارون ۳ میلیون دلار نشان می دهد در حالی که استهلاک واقعی آن با نرخ دلار امروز ۸۰ میلیون دلار است و اگر این رقم در محاسبات وارد شود در نهایت سود زیادی از شرکت نشان نخواهد داد. از سوی دیگر اگر امروز بخواهیم یک شرکت پتروشیمی جدید با این میزان خوراک دریافتی تاسیس کنیم شاید ۴ تا ۵ درصد هم سود نکنیم. بنابراین بیاییم بر اساس واقعیت ها پیش برویم و هر قانون و مقرراتی را هم طرح می کنیم با یک نگاه واقع بینانه باشد.

متاثر از نوسان قیمت نفت نیست که این موضوع در کاهش جذب سرمایه گذاری های جدید و توسعه واحدهای پتروشیمی با خوراک مایع نتیجه عکس دارد.

🔴 در بین صحبت هاتون به اهمیت و توسعه پتروپالایشگاه ها هم اشاره کردید. این تاکید را هم در دولت های گذشته داشتید؟

بله، ولی متاسفانه ۴ سال اول دولت یازدهم نسبت به احداث پتروپالایشگاه ها بی اعتنا بودند اما در ۴ سال دولت دوازدهم متوجه شدند دنیا به سمت احداث پتروپالایشگاه هاست و این موضوع تا حدودی دنبال شد که نقطه امیدی برای جلوگیری از خام فروشی به حساب می آید. یعنی تولید پتروشیمی از خوراک مایع در کنار پالایشگاه ها می تواند ارزش افزوده بیشتری ایجاد کند. مجلس در قالب طرح خود تأمینی در صدد اتخاذ تکلیف قانونی برای پتروشیمی هاست تا خود یوتیلیتی و یا برق مورد نیاز خود را تامین کنند، این طرح تا چه میزان برای پتروشیمی ها قابل انجام است؟ باید گفت اولین صنعتی که در کشور به سمت تولید یوتیلیتی رفت پتروشیمی ها بودند. این شرکت ها حتی در شرایط کمبود برق هم این انرژی را وارد شبکه سراسری کردند. مثلا پتروشیمی ها در زمان کمبود برق در خوزستان ۵۰۰ مگاوات برق وارد شبکه کردند، اما متاسفانه عدم حمایت دولتی ها باعث شده است که امروز انگیزه تولید برق از پتروشیمی ها گرفته شود. چون پتروشیمی ها قیمت خوراک را گران دریافت می کنند و به صرفه است تا برق خود را از شبکه سراسری دریافت کنند. از سوی دیگر شرکت های پتروشیمی مانند فجر، مبین، دماوند با سرمایه گذاری میلیاردی برای تولید یوتیلیتی بین مجتمعی تاسیس شدند اما دولت به جای اینکه این رویه را تشویق کند می بینم که به نظر تنبیه هم کرده است؛ مثلا برای نیروگاه هایی که برق تولید می کنند گاز و سوخت مجانی میدهد اما گاز برای پتروشیمی ها نه تنها مجانی نیست بلکه باید دو هزار تومان هم هزینه سوخت بدهند. بنابراین تولید کننده پتروشیمی در رویارویی با چنین رویه ای ترجیح می دهد برق خود را از شبکه سراسری تامین کند تا اینکه به فکر تولید برق بیفتد. یعنی منافع او این طور ایجاب می کند، حال اگر مجلس قانون حمایتی در این مورد داشته باشد که این موضوع هم به نفع کشور و هم به نفع صنعت پتروشیمی خواهد بود.

🔴 در صورت احیای برجام چه تصویر روشنی از رشد پتروشیمی ها دارید؟

هیچ کسی نمی تواند بگوید که برجام به نفع کشور نیست. البته این بدان معنا نیست که اگر برجام تحقق نیافت مابه حرکت اقتصادی، اشتغال و یا رفتن به سمت تکنولوژی های بالا و فناوری ورود نکنیم. ولی برجام قطعاً مفید خواهد بود. زیرا ما امروز در شرایطی صادرات انجام می دهیم که کلیه شبکه های بانکی و سوئیفت ما بسته است. ما نمی توانیم حواله بانکی انجام دهیم؛ هزینه های تجاری ما بالا است و اگر برجام احیا شود سرعتمان اگر امروز ۵۰ است ۸۰ می شود. البته برجام به نفع اقتصاد است اما نه به هر قیمتی. باید منافع استراتژیک، امنیتی و سیاسی را هم در نظر بگیریم؛ ولی احیای برجام به ما کمک می کند؛ ما جزیره جدا از دنیا نیستیم باید مراودات مالی و تجاری با دنیا داشته باشیم.

دنیای انرژی

اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران



با ماهنامه دنیای انرژی دیده می شوید!

جدیدترین اخبار، رویدادها و تحلیل های انرژی

جهت دانلود نسخه الکترونیکی به سایت OPEX.IR مراجعه فرمائید

جهت سفارش آگهی و اشتراک مجله با روابط عمومی تماس بگیرید

OPEX.IR



گردیدند. پتروشیمی‌های مثل جم و نوری به وجود آمد. همچنین آریا ساسول و همینطور متانول‌های زاگرس و فناوران و در بخش پلیمری هم امیرکبیر و مارون و در بخش آروماتیکی هم پتروشیمی بوعلی سینا تاسیس یافت. همه اینها حساب شده به وجود آمده بودند.

❑ **یک فضای غیرشفافی بین بالادست و میان دست و پایین دست در صنایع نفتی همیشه احساس می شود و آن را می توان یکی از دلایل عدم توسعه صنایع پایین دستی شمرد نظر شما چیست؟**

مسئله تنها شفافیت نیست، اتفاقاً این روابط در صنایع پتروشیمی کاملاً شفاف است. ولی دست‌اندرکاران نمی خواهند قبول کنند که مشکلات کجاست، ما در بالادست هیچ مشکلی نداشتیم، ولی اجرای نادرست خصوصی سازی در بخش پتروشیمی عملاً منجر به عدم سرمایه گذاری در آن شد و تحریم نیز امکان واردات تکنولوژی را ناممکن ساخت.

❑ **صنایع پایین دست پتروشیمی چه فراز و فرودهایی دارد؟**

هر کدام مواد تولیدی صنایع بالادستی را پیگیری کنید، یک زنجیره عظیمی از مواد شیمیایی دیگر تولید می کنند که به صنایع پایین دستی خواهد رسید داستان صنایع پایین دستی این است، پتروشیمی دستش از منابع مالی خالی شده و از طرفی قانون نیز اجازه نمی دهد که سرمایه گذاری صورت بگیرد، تنها چیزی که باقی می ماند ۲۰ درصد سهم شرکت ملی پتروشیمی در هلدینگ خلیج فارس بود. علاقه من این بود که در بالادست هرچه که می توانم از پارس جنوبی مواد پلیمری تولید کنم و سهمم را از مخزن مشترک بگیرم کاندیدست‌ها هم به جای اینکه صادر شوند هر چی که می توانم به محصولات آروماتیکی تبدیل کنم.

❑ **صنایع بالادستی پتروشیمی با توجه به آلودگی های فراوان در کشورهای دیگر احداث شده و بیشتر روی بخش پایین دست تاکید می شود. تحلیل شما در این مورد چیست؟**

این بدان معنا نیست که روی صنایع پایین دست تاکید نداریم، دلایلش را گفتم، اگر تحریم برداشته شود و روابط بین المللی خوبی داشته باشیم و بتوانیم تکنولوژی را وارد کنیم خودمان هم صاحب تکنولوژی هستیم و بخش خصوصی هیچ گاه سرمایه خود را بر روی تست یک تکنولوژی نخواهد آورد، در اینجا دولت باید این کار را بکند که چنین کاری را انجام نمی دهد. اما اینکه می گوید کشورهای دیگر روی پایین دست تاکید دارند، دلیل آن این است که آنها نفتی ندارند، مواد اولیه ندارند و از منابع گازی مثل پارس جنوبی نیز از بی بهره اند ولی در عوض دانش فنی دارند. اینگونه کشورها تنها راه پیش رو را سرمایه گذاری در پتروشیمی می دانند و از آنجا مواد اولیه اش را میبرند. ما در پتروشیمی اراک موادی تولید کردیم که تا همین دو سال پیش عربستان نداشت.

❑ **در خصوص تولید متانول و اینکه آمریکا رقیب جدی برای صادرات این محصول است نظر خود را بگویید؟**

ما در متانول رقیب آمریکا نیستیم، آمریکا حجم زیادی متان دارد و متانول



خصوصی سازی ناگوار آمد در صنعت پتروشیمی!

گفتگوی خبرنگار دنیای انرژی با "محمدحسن پیوندی" کارشناس و تحلیلگر صنعت پتروشیمی:

❑ **با توجه به اینکه در مصاحبه های متعدد توسعه صنایع بالادستی پتروشیمی را بسیار مورد تاکید قرار می دهید، لطفاً در خصوص دلایلی که منجر به چنین تفکری شده است را ذکر کنید؟**

البته من تاکید صددرصدی بر توسعه صنایع بالادستی ندارم، ولی به چند علت اشاره میکنم: ما مخزن مشترک در پارس جنوبی با قطر داریم، در نتیجه وقتی که هر سه فاز پارس جنوبی شروع شد، ۱۲۰ هزار شبکه کاندنسیت و ۷۵ میلیون مترمکعب هم گاز ریچ و غنی داشتیم این گاز غنی بالای ۱۰ درصد ترکیبات دوکربنه به بالا داشت که باید آنها را جدا می کردیم و همگی این مراحل نیاز به تکنولوژی جهت توسعه صنایع بالادستی داشت. دوم این که بعد از برنامه پنج ساله اول که چند مجتمع متوسط مانند پتروشیمی اراک، تبریز، اصفهان و خراسان که در طول جنگ طراحی های آنها انجام شد و به دلیل آن بود که در جنوب امکان کار کردن نبود، پتروشیمی بندر امام و ایران ژاپن ۸۵ درصد پیشرفت داشت که انقلاب شد و بعد از آن نیز جنگ و بمباران جنگی گردید، بنابر این مسئولان وقت به این فکر افتادند که با کمک نفت‌های پالایشگاه داخلی مثل پالایشگاه اراک و تبریز و اصفهان موادی مانند پلی اتیلن و پلی پروپیلن درست کنند تا حدی که کشور به آن نیاز داشت. البته در آن زمان من تازه وارد طرح اراک شده بودم و کار مهندسی و قراردادهای را می کردم پس اینطور نبود که ما دوست داشته باشیم بالادست را توسعه بدهیم، چرا که مخازن مشترک با کشورهای خارجی داشتیم و ارزشمند نبود که اتان و پروپان بسوزد، لذا تبدیل به محصولات پتروشیمی

محاسبه میکند. وقتی اتیلن تولید شد دیگر قیمت بین المللی دارد و کسی سر قیمت اتیلن چانه نمیزند. پتروشیمی یک صنعت بین المللی است مثل سوخت بنزین نیست که بگویم سوبسید دهیم.

در هر حال باید بتوانیم ارتباطات بین المللی خود را ارتقا ببخشیم و پتروشیمی هم از این قاعده مستثنا نیست. صنعت پتروشیمی در سال های سخت ارزآور کشور بود و در اقتصاد مقاومتی توانست ایفاگر باشد.

با توجه به تبعاتی که از حضور هلدینگ ها و خصولتی ها در صنایع پتروشیمی ایجاد شده است آیا بخش خصوصی می تواند مجالی برای ایجاد ارزش افزوده داشته باشد؟

متأسفانه کار شایسته انجام نداده اند. هیئت رئیسه صندوق های بازنشستگی سرگرم جفت و جور کردن حقوق آخر برج تعداد بسیاری بازنشسته است در نتیجه قدرت توسعه گری بالا نبوده و پتروشیمی ها که خصوصی سازی شده اند اکثریت آن ها در اختیار صندوق های بازنشستگی است و همه آنها سهم بزرگی از این کیک پتروشیمی واگذار شده دارند. مشکل بزرگ دیگری که دارند ورودی های کم و خروجی های زیاد بوده و نیروهای این پتروشیمی ها به سن بازنشستگی رسیده و استخدام های جدیدی ندارند.

ما در برنامه پنج ساله سوم مطالعه دقیقی کردیم که در خوزستان چه خوراک هایی موجود است، در عسلویه چه چیزهایی به ما می دهند و همچنین پتانسیل تامین خوراک هم قوی بود، فاینانس خارجی هم با ما همکاری می کرد و تحریم هم به شدت الان نبود.

یکی از گلوگاه های پالایشگاه ها و پتروشیمی ها این است که در مناطق خشک واحدها را تاسیس کردند که وابستگی زیادی به آب دارند تعبیر شما از این جریان چیست؟

به شخصه به اندازه تمامی کارکنان وزارت نیرو در مورد آب این کشور حرص خوردم و مخالف شدید تاسیس پتروشیمی های بزرگ در مناطق خشک بودم. باید در صنعت پتروشیمی کارشناسان ورود کنند و در برنامه ریزی و طراحی و لوکیشن باید نظر کارشناسان زبده را جویا شد. در زادگاهم از من می خواستند نماینده مجلس شوم که برای آنها یک پتروشیمی وسط کویر بسازم.

درست می کند ولی رقیب ما نیست. من گاهی از کارشناسان و اقتصاددانان بزرگ می شنوم که عنوان می کنند فلان کارها اجرا نشده و باید اجرا شود یا مثلاً پتروشیمی به بیراهه رفته و به جای اینکه در پایین دست سرمایه گذاری کنند، در بالادست سرمایه گذاری شده، صرفنظر از مخازن مشترک اگر خوراکی برای پایین دست درست نکنیم که پایین دست توسعه نمی یابد هم اکنون یک پتروشیمی خوزستان داریم که پلی کربنات تولید می کند، پلی کربنات از مواد با ارزش افزوده است ولی تمام مواد اولیه اش با بشکه وارد می شود و اقتصادی نیز نیست ولی زنجیره ای بوده که در آن تاریخ برای کشور مفید بود و صنایع خودروسازی نیز تمام پلیمری که روکش چراغ های ماشین را تشکیل می دهد از پلی کربنات تامین می کنند. بنابراین در بالا دست هم وقتی اتان از پارس جنوبی استخراج می شود یا باید سوزانده شود یا ارزش افزوده از آن ایجاد کنیم.

چه تحلیلی از فرایند خصوصی سازی در صنایع نفتی خصوصاً پتروشیمی دارید؟

از نظر من خصوصی سازی تا سال ۱۴۰۴ در این صنعت زود بود. چون به خاطر اینکه ما یک برنامه دراز مدتی برای اولین بار تحت عنوان چشم انداز ۱۴۰۴ تعریف کردیم. در خصوص خصوصی سازی چند بار مخالفت خود را ابراز کردم، ما در برنامه ریزی های کلان مشکل داریم، وقتی چشم انداز ۱۴۰۴ نوشته شد و به لحاظ ارزشی بعد از آن اقدام به پرداخت یارانه نقدی ۴۵ هزار تومانی کردیم که شیوه نامناسبی بود. اصل خصوصی سازی که با حضور هلدینگ ها و قرارگاه ها در صنایع پتروشیمی به بیراهه رفت. واقعاً چه ارزش افزوده ای توانستند ایجاد کنند. متأسفانه برنامه جدیدی که منجر به احداث بوده و چشمگیر باشد انجام نداده اند.

نظر تان درباره مشکلاتی که در صنایع میان دستی و پایین دستی هست و عدم تسری امتیازات چیست؟

زمانی که همه واحدهای پتروشیمی در اختیار دولت بود چالشی به نام خوراک وجود نداشت من تصور می کنم که مواد پایه را خود دولت باید تولید کند بدین معنا که خوراک هایی چون اتیلن، پروپیلن، متانول، اوره، آمونیاک و آروماتیک ها و کلر خوراک وقتی دست دولت باشد هر چه بخواهد قیمت را



دهند و وجه آن را نیز با یک دوره تنفسی به گونه‌ای دریافت نمایند که پالایشگاه‌ها بتوانند به مرحله سود دهی برسند. این شیوه در قانون آمد و میزان تخفیف را نیز ۵ درصد برای فوب بندرعباس تعیین نمودند. از سوی دیگر نیز مصوب گردید پتروپالایشگاه‌ها خوراک لازم را دریافت نموده و وجه را نیز دو سال بعد پرداخت نمایند. بدون درصد و با سود لازمه این قانون به خودی خود جذابیت لازم را برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ایجاد خواهد کرد. مجلس دهم با تصویب این قانون در آن زمان شرایط لازم را برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و بخش خارجی ایجاد نمود. این مصوبه در زمان خودتوانست با وضعیت که بورس ایجاد می کرد پیشرفت نماید. اما متأسفانه بورس اعتماد خود را از دست داده و زحمات مجلس دهم به نوعی مسکوت مانده است.

ما در مراحل اجرایی دچار گلوگاه‌های زیادی برای بخش خصوصی

صنایع نفتی به لحاظ حضور شرکت‌های خصوصی هستیم، به نظر شما آیا دولت جدید اشتیاق خود را نسبت به این مصوبه نشان داده است؟
ما قبل از این که این مصوبه را داشته باشیم حدود ۸ تا مینی ریفراینری ۶۰ هزار بشکه‌ای برای کاندنسیت‌های سیراف پیش‌بینی شده بود و تا مراحل بیست درصدی بیشتر پیش نرفته بود که متأسفانه همه را به خصوصی داده بودند. لذا تا زمانی که نگاه دولت از تصدی‌گری امور خارج نشود این موضوعات حل نخواهد شد. چراکه تصدی‌گری دولت اگر موفق بوده چرا اصل ۴۴ را اعمال کردیم و اگر خصوصی سازی را برقراری نموده ایم چرا به خصوصی منجر شد. در پروسه فعالیت پالایشگاه‌ها قطعاً باید به بخش خصوصی بها داده شود و از آنها مشورت گرفته شود اگر چنانچه بخواهیم قانون را اعمال کنیم ولی امور کار در اختیار دولتمردان باشند یا موفق نمی‌شویم یا حاصل کار بسیار گران تمام خواهد شد و در بهره‌برداری از آن نیز دچار شکست می‌شویم دولت‌ها باید سیاستگذاری کنند و بخش خصوصی به درستی دیده شده و به آن بها داده شده و مورد حمایت دولت جهت انجام کار قرار گیرد

البته موضوعی که عنوان کردید در تمامی مصاحبه‌ها نیز کارشناسان به این موضوع اذعان دارند. به نظر شما چرا هیچ یک از نهادهای موازی با دولت اعم از مجلس، قوه قضاییه و مقننه نمی‌توانند تصدی‌گری دولت‌ها را ملغاً نمایند؟

درست می‌فرمایید. متأسفانه آنچه را که در حال حاضر می‌بینیم مسابقه‌ای است مابین سازمانهای دولتی، وزارتخانه‌ها و املاکی که در تملک آنهاست که یا آن را محکم نگه داشته اند و واگذار نمی‌کنند یا اگر واگذار می‌کنند بنگاه‌های زبان ده را واگذار می‌کند و یا در شرایط دیگر آنقدر سخت میگیرند که اصلاً مشتری نداشته باشند. در فرض دوم مسابقه‌ای دیگر بین دولت و نهادهای عمومی و انقلابی است که هر یک فضاهایی را در اختیار گرفتند تحت عنوان صندوق‌های بازنشستگی و یا نهادهای انقلابی و یا بنیادها و نسبت به واگذاری اختیارات خود اعتنایی ندارند. چرا مجلس به عنوان یکی از قوای تصمیم‌گیر خصوصاً در حوزه انرژی مصوباتی را از جمله رگولاتوری و توسعه فضای کسب و کار ایجاد نمی‌کند و قدرت و صلابت



تصدی‌گری دولتها توفیقی داشت خصوصی سازی تصویب نمی‌شد!

گفتگوی خبرنگار دنیای انرژی با "اسدالله قره خانی" سخنگوی پیشین کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی

دستاوردها و عملکرد دوره قبل کمیسیون انرژی مجلس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کمیسیون انرژی مجلس بخشی مربوط به وضع قوانین دارد که لازم است حمایت از حوزه انرژی صورت بگیرد، لذا کمیسیون انرژی مجلس در رابطه با اساسنامه شرکت ملی نفت، وزارت نفت، شرکت ملی گاز و دیگر شرکت‌ها ورود کرده و اقدامات مفیدی را انجام داده است و نگاه این کمیسیون حمایت از وزارت نفت و نیرو بوده و هست که به‌عنوان دو وزارتخانه مهم فعالیت دارند. این حمایت در رابطه با تخصیص سهمیه وزارت نفت برای سرمایه‌گذاری در میدان مشترک، نوسازی صنایع مرتبط با وزارت نفت و حمایت از متخصصین، کارکنان و مدیران شرکت ملی نفت نیز بوده، همچنین افزایش تولید نفت در میدان مشترک نگاه دیگری است که به ویژه در مجلس دهم بسیار بدان توجه شد و مورد تأیید نیز قرار گرفت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در پتروپالایشگاه‌ها یکی دیگر از اقدامات بود که با توجه به اینکه یکی از راه‌های جلوگیری از خام‌فروشی در بخش صادرات نفت احداث اینگونه مجموعه‌ها هست، بتوانند فرصت‌های مهم صادراتی را برای کشور ایجاد کنند. قانون احداث پتروپالایشگاه‌ها را در مجلس وضع کردیم و اعلام کردیم که از سهم صندوق توسعه ملی نفت خام را به پالایشگاه‌هایی که به وسیله بخش خصوصی ایجاد می‌شود ارائه

شورای نگهبان می رود به نوعی مجلس سنا نیز آن را چکش کاری کند و بهبودبخشد.

🔴 به نظر شما نیاز به تاسیس یک وزارت انرژی احساس می شود و آیا می تواند مشکلات این صنعت را حل نماید ؟

به نظر من ادغام وزارتخانه ها نتیجه موفق نداشتن است. چرا که وزارت مسکن و راه و شهرسازی را با هم ادغام کردیم و عملاً مشکل مسکن حل نشد و یا وزارت تجارت را با صنایع یکی کردیم. چند بار لایحه آن به مجلس رفت. با توجه به اینکه مباحث صادرات و واردات متفاوت است، گره کار این مسائل نیست. ما مثلاً می توانیم آب و منابع طبیعی و محیط زیست را یکجا نمایم به خاطر اینکه مردم کمتر اذیت شوند و به اعتقاد من باید وزارت نفت را از گاز جدا نماییم. ما به عنوان تولیدکننده دوم گاز جهانی باید وزارتخانه گاز داشته باشیم و یا حتی می توانیم گاز را با نیرو یکی کنیم. چون مصرف گاز یا عمده مصرف خانگی است و یا صنایع و نیروگاهی اگر این دو تا را یکی کنیم و در آنجا خود شرکت ملی گاز و نیرو گاز را از وزارت نفت بخرد و پول بدهد با توجه به این که نفت محرک اقتصادی کشورمان است، باید به جای یک شرکت ملی نفت چند تا شرکت ایجاد می کردیم و بخش خصوصی را نیز در قسمت های اکتشافی، پژوهشی، بهره برداری تجهیزات سرچاهی و غیره وارد می نمودیم.



لازم را در تمکینی دولت ها ندارد.

رگولاتوری برای نفت و انرژی را در برنامه ششم مجلس می خواستیم ارائه دهیم، با اصرار ما دولت نیز پذیرفت که آن را در برنامه قرار دهد اما متأسفانه این کار را نکرد. مشکل اصلی عدم اجرای این گونه مصوبات در این است که در حوزه نفت تعریف استاندارد می که در نفت باید باشد شامل شرکت ملی نفت است، شرایط پیمانی و مناقصه در اختیار این وزارتخانه است، زمان واگذاری مناقصه گر، قیمت گذار، تحویل گیرنده و بهره بردار و همگی اینها خود وزارت نفت است. در وزارت نیرو هم وضعیت مشابهی است. این رویه غلط بوده و بایستی یک سازمان که تحت ابلاغ وزارت نفت یا نیرو نبوده شامل بخش خصوصی باشد و از حوزه های دانشگاهی و پژوهشگاهی نیز جمع گردند تا نسبت به اجرای رگولاتوری تصمیم بگیرد.

🔴 انتخاب افراد در سطوح مدیریتی بر حسب سیاست های حاکمیتی اجرا می گردد، همین موضوع در کمیسیون انرژی مجلس نیز مشاهده می شود که همان ترکیب قبلی هستند، به نظر شما ادامه این روند تحت تابعیت حاکمیت مجالی به فعالیت بخش خصوصی خواهد داد.

به نظر من چرخه معیوبی که در دیدگاه های دولتی و عدم تغییر این نگاه در کشور ما هست باعث همچین نابسامانی هایی شده است و تا این نگاه در مجموعه حاکمیت حل نشود، اتفاق جدیدی نخواهد افتاد. باید حاکمیت در رابطه با اصل سرمایه گذاری و محترم شمردن سرمایه و امنیت آن در تبادلات بین المللی قوانینی را تصویب نماید همانند کشورهای موفق دیگر و تغییر دولت ها و اشخاص نباید خللی در اجرای این مصوبات ایجاد نماید. حاکمیت باید خطوط قرمزی را تعریف نماید که نماینده مجلس و یا نماینده دولت به خود اجازه ندهد که در آن ورود کرده، به آن اعتنا ننماید و یا آن را تغییر دهد.

🔴 شفافیت جزو مباحثی است که بخش خصوصی کلیه صنایع به آن اعتنایی ندارند و باعث شده است بخش خصوصی به وضوح ناامنی اقتصادی را احساس کند مجلس به عنوان نهادی که بر ارائه قوانین نظارت دارد چرا در این خصوص اقدامی انجام نمی دهد ؟

داستان رطب خوردن و منع رطب خوردن است. مجلس باید در وهله اول شفافیت را از خود شروع کند. از دیدگاه دیگر نمایندگانی با تفکر ارائه خدمات به حوزه مربوطه خود هستند و حتی سوال از وزرا نیز در راستای منافع شهر متبوعشان است. نماینده باید کارهای مطالعاتی، پژوهشی در جهت بهبود فضای کسب و کار و تامین منافع ملی داشته باشد. موضوعات این چنین و نگاه با گستره کوتاه نمایندگان باعث شده است قوانین که می تواند ارزش افزوده ملی ایجاد نماید به نوعی در محاق قرار گیرد.

🔴 منظور تان این است که مجلس از حالت فدرالیت خارج شود و روی موضوعات کلان جامعه ورود کند و مطمئناً منافع متوجه شهرهای کوچک و روستاها هم خواهد شد ؟

حتماً همینطور است. ای کاش ما یک مجلسی تحت عنوان مجلس سنا در عرف بین الملل داشتیم و قوانین و مصوباتی که مجلس داشت و در کربدور

نمایشگاه بیست و ششم نفت، گاز و پتروشیمی

هادی ابراهیمی - مدیر روابط عمومی اتحادیه



نمایشگاه بین المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی ایران به عنوان بزرگترین رخداد صنعتی و تجاری ایران در این حوزه که سالانه با حضور جمع کثیری از شرکتهای توانمند داخلی و خارجی در زمینه صنعت نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی برپا می گردد، فرصت بسیار مغتنمی است تا شرکتهای فعال در این صنعت دستاوردها و محصولات خود را در معرض بازدید دست اندرکاران و متخصصان این صنعت قرار دهند و با در نظر گرفتن روند تقاضای بازارها و سمت و سوی رشد این صنعت، فعالیتهای و نوآوری های آتی خود را هدایت نمایند. بیست و ششمین نمایشگاه نفت امسال از تاریخ ۲۳ لغایت ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران با حضور بیش از ۹۰۰ شرکت داخلی و خارجی برگزار میشود. تعداد مشارکت کنندگان نمایشگاه در مقایسه با دوره قبل افزایش بسیار چشم گیری داشته است و امید هست همچون ادوار گذشته استقبال بی نظیری از این نمایشگاه شود. اتحادیه صادر کنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی که در تمامی ادوار گذشته این رویداد حضور داشته است، با در اختیار گرفتن سالن های اختصاصی نسبت به جانمایی اعضا خود اقدام می کند. امسال با توجه به مشارکت بالای اعضاء اتحادیه، پیگیری های لازم انجام گرفت و سالن ۷ و قسمتی از سالن ۵ در اختیار اتحادیه قرار گرفت. همچنین تعداد ۴۷ شرکت عضو اتحادیه در این رویداد حاضر هستند که اسامی آنها به شرح زیر می باشد:

سالن ۷: شرکت های نفت بهران، نفت سپاهان، نفت ایرانول، نفت پارس، نفت پاسارگاد، توسعه نفت هرمزان، افزون روان، تامین روانکار دایان، گونش شیمی، پترو پالایش نیک یزد، اسپادانا قیر پاسارگاد، پترو پالایش تکران پارس، پترو نیکان البرز، نگین فخر آذربایجان، فراسکو عسلویه، آرتین آزما مهر، مهتاب موتور گرگان، کیمیا اکسیر آسیا، پترو روناک اسپادانا، پارس هوای البرز، نفت ری سان، روغن موتور قطران کوه، پالایش امید گرمسار، تولیدی صنعتی عایق اصفهان، البرز چلیک، روانکاران احیا سپاهان، نفت گستر آناهیتا، گوهر صفا کرکس، تولیدی آرش مهیا، اتحادیه اوپکس سالن ۵: شرکت های شیمی در سلف، توسعه تجارت طلای سیاه، جهان موتور کویر، پترو سپید گریس، بهاران شیمی بروجن، رمزین آسا، سامان فراز قشم، اسد شیمی پارسا، روانکاران نوین اندیش پایدار، آریا صنعت بهینه سالن ۳۸B: پتروشیمی شازند، پتروشیمی اصفهان، پتروشیمی شیراز اهداف کلی نمایشگاه:

- ❑ ارائه آخرین دستاوردهای فن آوری روز در حوزه صنعت نفت، گاز و پتروشیمی
- ❑ گسترش تعامل با سایر کشورها و نیز رقابت با شرکتهای نفتی مشابه در سطح جهان
- ❑ کمک به تقویت توان ساخت داخلی از طریق تبادل اطلاعات فنی
- ❑ آشنایی صنعتگران صنعت نفت، گاز و پتروشیمی نسبت به دستاوردهای نوین صنعت
- ❑ عقد قراردادهای بازرگانی در زمینه مبادله کالا، خدمات و اطلاعات فنی
- ❑ توسعه اشتغال در عرصه صنعت نفت، گاز و پتروشیمی

صادراتی ما می باشد. در طی هجده سال گذشته توانستیم واحدی را در کشور امارات راه اندازی کنیم که یک واحد پیشرفته و قابل ملاحظه‌ای است و این واحد نیز توانسته واحدهای تولیدی دیگری نیز در کشور غنا و کنیا راه اندازی کند.

شرایط کیفی و صادراتی

مدیران کنونی ما با توان مضاعفی که گذاشته اند توانسته ایم تولیدات خود را افزایش دهیم و حجم صادرات را با توجه به مشکلاتی که در باب تحریم با آنها مواجه ایم و مشکلاتی که در سیستم بانکی وجود دارد، حجم صادرات مناسبی داشته و به تعهدات نیمایی خود عمل کنیم و به بانک مرکزی نیز بدهی نداریم. اما مشکلات تنها به این موارد بسنده نمی شود و افزایش قیمت مواد اولیه و جریانات دیگر توان تولیدی کلیه شرکتها را دچار نوسان نموده است. خوشبختانه نوسان افزایشی قیمت نفت شرایط صادراتی ما را به کشورهای آفریقایی دچار مشکل نمی کند. چرا که در این کشورها به دلیل موقعیت جغرافیایی مدتی طول میکشد که افزایش قیمت‌ها تاثیر خود را بگذارد با این وجود شرکت قطران کاوه توانسته است با حفظ کیفیت هر ساله ۱۰ تا ۱۵ درصد حجم صادرات و ظرفیت تولید خود را افزایش دهد. از سویی کشتیرانی ما تحریم هست و ما مجبوریم کالا را یک بار در کشور ثالثی کانتینر را عوض کنیم و با اسناد جدید و توقف یک ماهه آن را به خریدار برسانیم و حتی در برگشت پول آن هم مشکل داریم و تا سه ماه این برگشت پول طول میکشد.

اشتغال زایی

در زمینه ریز فروشی که در داخل انجام می دهیم توانستیم با همکاری ویزیتورهایی از سراسر کشور به وضعیت فروش خوبی دست یابیم. در گذشته شرکت قطران کاوه ۷۰ کارمند و نیروی متخصص داشت که این تعداد در شرایط کنونی به ۱۶۰ نفر نیرو ارتقا پیدا کرده است.

طرح های توسعه ای شرکت قطران کاوه

این شرکت در بلند مدت توانست پروژه بدون اسید را در جوار خود با نام قطران کاوه پارس احداث نماید و تکنولوژی های آن را نیز از کشورهایی مانند هندوستان و اروپا وارد کردیم و تلاش ما این بوده که راکتور تین فیلم را بومی سازی کنیم و این پروژه به نتیجه رسیده و و تا پایان این ماه در حال راه اندازی است. این کار بزرگی است که در کشور انجام شده و جا دارد از همه کسانی که در این زمینه تلاش کردند تشکر کنم و امیدواریم بتوانیم این فرایند نمونه گیری را در سراسر کشور ایجاد کنیم و اسید از این صنعت حذف شود.

کاربرد تین فیلم

راکتورها روغن کار کرده را که به صورت لایه نازک که پشت آن روغن داغ نیاز دارد و حرارت ۳۱۰ درجه ای است روی جداره پاشیده می شود و به وسیله سیستم های خلاء جداسازی شده و سرد میشود و از جمله محاسن آن این است که هم از کیفیت، رنگ و خیلی از مشخصات بهتر خواهد بود



لرزم توجه به صنعت روغن های کار کرده

حسین منیری فعال اقتصادی و عضو هیئت مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران در گفتگو با خبرنگار ماهنامه دنیای انرژی از سالها فعالیت خود در عرصه روغن گفت: از سال ۵۲ در کار باز یافت روغن های کار کرده هستم و در سال ۶۷ شرکت "روغن موتور قطران کاوه" را در شهر صنعتی کاوه استان مرکزی تاسیس کردم و در سال ۷۱ با ظرفیت ۱۰/۰۰۰ تن راه اندازی شد و از آن سال تاکنون توانسته ایم با توجه به تلاش هایی صورت گرفته ظرفیت را به ۲۳ هزار تن در سال برسانیم. هم اکنون نیز شرکت قطران کاوه پارس هم به این جمع اضافه شده و با روش غیر اسیدی و تین فیلم در حال راه اندازی است.

شرکت قطران کاوه با ریاست هیئت مدیره این جانب و آقای احسانی به عنوان باجناق در سمت مدیرعامل با تلاش مضاعف سعی کردیم شرکت را به جایگاه مناسبی برسانیم. بیشترین حجم فعالیت ما در زمینه صادرات و شامل ۷۰ درصد از کالاهایی که تولید می شود بوده و اکثر تولیدات ما به صورت محصول نهایی می باشد

تمامی کالاهای ما کد استاندارد داشته و به عنوان صادر کننده نمونه در استان و واحدی که استانداردها را رعایت می کند معرفی شده ایم. آزمایشگاههای این شرکت در تلاش مداوم هستند که بتوانیم محصولی با کیفیت و استاندارد تولید کنیم تا به جایگاه خوبی دست پیدا کنیم.

مقاصد صادراتی

بیشتر این مناطق در غرب آفریقا و کشورهایی از آسیای میانه از جمله مقاصد

تن است که پس از مصرف در چرخه تولید قرار می گیرد. این حجم از روغن کار کرده یک سرمایه ملی است و میتواند خوراک ۳ تا ۴ پالایشگاه بزرگ باشد. اگر دولت به مثابه بسیاری از کشورها از جمله عربستان، وامهای بدون بهره در اختیار تولیدکنندگان قرار دهد، بخش خصوصی می تواند با واردات دانش و تکنولوژی روز روغن بسیار با کیفیتی تولید کند. از سویی با واردات این حجم از تکنولوژی به جای اینکه ۲۰۰ واحد ۵ هزار تنی یا ۱۰ هزار تنی وجود داشته باشد، می تواند ۱۰ واحد ۱۰۰ هزار تومانی ایجاد شود که هم قابل کنترل خواهند بود و هم در جهت برندینگ پیش خواهد رفت. این آرزویی است که این صنعت همیشه دنبال آن بوده و انجمن بازیافت هم برای ترتیب اثر چنین رویه ای تشکیل شده است که خوراک را مدیریت و تامین نماید و اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی هم کمکه های صادراتی را ایجاد کند. اما متأسفانه این همدلی جهت تجمیع واحدها وجود ندارد و اگر دولت همکاری های لازم را بکند می توان به این همکاری شرکت ها امیدوار بود.

❑ تامین خوراک از بورس

با توجه به این که بیشترین حجم خوراک واحدهای تصفیه دوم، روغن کار کرده است ما فقط بخشی از روغن پایه را از بورس میخریم و قیمت های بالا و عرضه نامناسب و مشکلاتی که در بورس است باعث شده است که سفارشات خرید روغن پایه گروه ۲ و ۳ را از محل صادرات ارزهایی که به دست می آوریم، از خارج از کشور تامین نماییم.

❑ بازار کشورهای همسایه

متأسفانه این صنعت به دلیل این که متولی ندارد و سازمان استاندارد هم کنترل مناسبی را در این خصوص انجام نمی دهد، کیفیت تولیدات صادراتی به افغانستان و عراق کیفیت بسیار پایینی هستند و این مسئله باعث شده

و اسید سولفوریک این صنعت که سالیان سال از لحاظ محیط زیستی ممنوع شده با این روش تقریباً اسید سولفوریک حذف می شود و به محیط زیست نیز کمک خواهد شد. روغن به دست آمده از این فرآیند با روغن های محصول اول از لحاظ کیفی برابری می کند و روغن ۱۰۰٪ با کیفیت می باشد. به دلیل تحریم هایی که تا کنون داشته ایم در دانش و تکنولوژی این صنعت کمی عقب افتادیم. در کل کشور روغن هایی که تولید می شود روغن های گروه یک است که از پنج دهه قبل تولید می شود و هم اکنون تمامی گروه های روغنی تولید می شود و ما گروه دو و سه را وارد می کنیم. تکنولوژی تین فیلم آمریکایی بوده و بیشترین تعداد این نوع تصفیه ها در کشورهای اروپایی وجود دارد و حسن فعالیت این کشورها در این است که کارشان را تجمیع نمودند. در کشور ما هم ۲۰۰ واحد تصفیه دوم وجود دارد که اگر هر پنج شرکت با هم تجمیع شوند، با توجه به اینکه این تکنولوژی ها مقرون به صرفه نیست که یک واحد به تنهایی بخواهد آن را انجام دهد و حتماً باید واحدهای صدهزار تن و ۱۵۰ هزار تن تاسیس شود. یک تکنولوژی پیشرفته از کشورهای اروپایی هم هست که روغن تقطیر شده با هیدروژن و اکسیژن سولفور آنرا رنگبری می کنند و هزینه بسیار زیادی دارد که این تکنولوژی در ایران به دلیل هزینه بالا و تحریم ها اجرایی نشده و بسیار بهتر از تین فیلم هست و روغن باکیفیت تری هم می دهد. اصولاً روغن های کار کرده هیچگاه از بین نمی روند و با روش های مختلف می توان آنها را بازیافت نمود. روغن های اروپایی بسیار پرفروش است، چرا که با توجه به اینکه روی بدنه محصول قید میشود که از محل بازیافت روغن کار کرده تولید شده است و کمک به محیط زیست است، طرفداران بسیاری دارد.

❑ حمایت های دولت

حجم روغن کار کرده هایی که در ایران وجود دارد حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار



اگر بخواهیم در بازارهای افغانستان و عراق فعالیتی ایجاد کنیم باید نمایشگاه های تخصصی در این کشورها ایجاد کنیم و شرکت هایی که در عرصه تولید و صادرات روغن خوشنام بوده و نسبت به برند خود در جهت کیفی سازی حساس هستند در این نمایشگاه ها بتوانند محصول خود را عرضه کرده و نام برند ایرانی را مجدداً احیا کنند. سازمان استاندارد در همین راستا با توجه به وظایفی که دارد باید جلوی خروج روغن های بی کیفیت را بگیرد و روشهای نمونه گیری خود را نیز به روز نموده و به صورت رندوم چک این نمونه گیری ها انجام شود و با توجه به اینکه روغن های ارزان و بی کیفیت بازار این کشورها را اشغال نموده اند در جهت جلوگیری از صادرات این روغن ها عمل نموده و روغن های با کیفیت را جایگزین نماید.

آینده صنعت روغن

با توجه به اینکه تکنولوژی های مربوط به خودرو هر ساله تغییر میکند و خصوصاً شرکت تسلا ماشینهای تمام برقی تولید کرده و نیاز به روغن موتور نخواهند داشت و بعید هم نیست در چند سال آینده هم خرید این گونه ماشین ها فراگیر شود، طبیعی است که روغن موتور به این شکل که در حال حاضر مصرف می شود نباشد و کم کم جایگزین داشته باشد. اما با توجه به تکنولوژی گران خودرو های برقی و این تکنولوژی شاید سالها طول بکشد که در کشورهایی همانند آفریقا و خاورمیانه جایگاه پیدا کند، این روغن موتورها مصرف خواهند داشت و پس از آن هم در کشاورزی و صنایع دیگر نیز استفاده خواهد شد. ولی به هر صورت صنعتی نیست که بخواهد از بین برود. لوپریکانت ها قطعاً نیاز جامعه صنعتی خواهند بود ولی ممکن است از لحاظ کیفیت تغییر شکل دهد.

است برند ایرانی در این کشورها لطمه بخورد و شرایطی که بعضی از صادرکنندگان نامشخص ایجاد کرده اند و کیفیت های خارج از استاندارد تولید کردند بازار افغانستان را تقریباً از دست داده ایم و به عراق هم کمابیش صادراتی وجود دارد. ترکیه هم با وجود اینکه خود به اندازه ایران تولید روغن پایه دارد، ولی توانست جایگاه ایران را در عراق بگیرد و ما در عراق از لحاظ صادرات محصولات نهایی نتوانستیم جایگاهی به دست بیاوریم. علت آن هم به عرضه روغن های بی کیفیت بازمی گردد و بازار برند ایرانی را دچار لطمه کرده است.

یکی از بازارهای هدف قسمت کردنشین عراق است که حجم زیادی صادرات داشتیم اما حضور کالاهای نامرغوب به این بازار ما لطمه زد چرا که خریدار در ابتدا متوجه کیفیت نمی شود و ارزیابی او از لحاظ قیمت است و پس از مصرف که لطمه می بیند به این نتیجه می رسد که همه روغن های ایرانی بدین شکل است و این تفکر متأسفانه به بازار ما نیز لطمه زده است و در افغانستان هم بدین گونه است. اگر اتاق بازرگانی ایران و عراق و افغانستان کمک کنند و با همکاری گمرک و سازمان استاندارد کیفیت ها را کنترل کنند قطعاً این بازارها دست یافتنی است شرکت قطران کاوه با توجه به اینکه قبلاً به کشورهای اروپایی شرقی مثل رومانی و بلغارستان و یوگسلاوی صادرات داشته، به دلیل تعرفه های سنگین امکان صادرات به این منطقه را از دست داده اما کشورهای اطراف مثل ترکمنستان و ترکیه محصولات نهایی ما را درخواست دارند. اما بیشترین حجم که به صورت محصول نهایی صادر می گردد همان کشورهای آفریقایی است.

احیای بازار عراق و افغانستان





“پتروپالایش تکران پارس”، پیشرو در احداث مینی پتروشیمی ها

احمد معروف خانی “از اعضای جوان هیئت مدیره اتحادیه صادر کنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران در گفتگو با خبرنگار ماهنامه دنیای انرژی معتقد است با توجه به عدم تحریم فرآورده های نفتی ایران و حضور پررنگ بخش خصوصی واقعی در تولید، صادرات و ارزش آوری فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی، ضرورت دارد سهم عمده سرمایه گذاری ها در این صنایع انجام گردد و بخش خصوصی به نوعی سکاندار این صنعت قلمداد شود. وی دانش آموز المپیادی، کارشناس ارشد مدیریت و دانشجوی دوره دکتری بوده، و سه دوره برگزیده جشنواره جوان خوارزمی، همچنین چهار دوره مدال طلای المپیادهای بین المللی را بدست آورده و مقاله او در نشریه دانشگاه ام آی تی نیز منتشر شده است. با مجموعه صنایع پایین دستی نفتی به طور اتفاقی آشنا شده و کار را با کارمندی و طی طریق مدارج آغاز نموده و در فاصله کوتاهی مدیر بازرگانی و مدیر عامل شده است. معروف خانی مدیر عامل شرکت “پتروپالایش تکران پارس” در خصوص فعالیت های این شرکت ادامه داد: شرکت پتروپالایش تکران پارس در مسیر جاده قم و منطقه حسن آباد با مساحت ۹ هکتار واقع شده است و زمینه تولید این شرکت در چهار بخش مختلف است: یکی بخش پالایش و مشتقات نفتی است که در زمینه تقطیر میعانات گازی و تولید مشتقات نفتی فعالیت می کند، بخش دیگر تولید روانکارها و تولید روغن موتور که با شرکت های خارجی طرف قرارداد هستیم. شرکت پتروپالایش تکران پارس، لایسنس برند لیکومولی آلمان را داراست و سالیان سال با این برند اروپایی همکاری دارد و تحت لایسنس این شرکت، روغن موتور “لیکومولی” را تولید می کند. روغن پایه آن از داخل کشور تامین شده و گریدهای ۲ و ۳ و ادتیوهای این روغن موتور وارداتی می باشد. این لایسنس فقط در داخل کشور عرضه شده و اجازه فعالیت در خارج از ایران ندارد. تولید انواع رزین ها که شامل انواع رزین های پلی استر، همچنین انواع سموم کشاورزی از جمله فعالیت های چهارگانه شرکت پتروپالایش تکران پارس به شمار می رود. عضو هیئت مدیره اتحادیه اوپکس در ادامه افزود: در بحث میعانات گازی هم خوراک خود را از پارس جنوبی تامین کرده با ظرفیت برش گیری روزانه هزار تن که ظرفیت خوب و قابل توجهی است که بخشی از محصول صادر شده و بخش عمده آن نیز به پتروشیمی ها ارائه می شود. سایت این شرکت یکی از بااستانداردترین سایت های پالایشی کشور است که مجموعه کار گروه شرکت ملی نفت پایلوت خود را در این سایت انجام می دهند، مانند برش گیری کد عمومی میعانات پارس و یا اخیراً شیرین سازی میعانات پارس که به صورت کدهای عمومی در حال تدوین است.

معروف خانی در ادامه افزود: شرکت تکران پارس ۱۴۵ نفر پرسنل دارد و از بدو فعالیت قراردادها و تفاهم نامه هایی با دانشگاه های کشور و همچنین پژوهشگاه ها و مراکز رشد داشته و بر روی بسیاری از ایده های مختلف هم اندیشی نموده است. در حوزه دانش بنیان یک شتاب دهنده تخصصی نفت گاز و پتروشیمی را تاسیس کردیم و بیش از ۲۵ پروژه را با دانشگاه ها پیش برده و در دفتر مرکزی شرکت تکران نیز واحد تحقیق و توسعه بنیادیم که با این مراکز پژوهشی و دانشگاه ها همکاری می کنند و به نتایج درخوری اعم از شیرین سازی رسیدیم که در داخل سایت استفاده می کنیم. همچنین واحد سولفور زدایی دقیقاً برآمده از دل همین فرآیندها بوده است. همچنین بخشی از زمین مجموعه به نام “پارک علم و فناوری” نامگذاری شده است. مدیر عامل شرکت پتروپالایش تکران پارس در ادامه به پرسش های جاری در حوزه نفت و گاز پاسخگو بود که در ادامه می آید:

بحث خام فروشی و یا تولید محصولات با ارزش افزوده، کدامیک مورد

تایید است؟

در خام فروشی که دولت قبلی و شخص آقای زنگنه به آن اصرار داشتند و برای تفکرات خود نیز توجیهاتی داشتند، یکی از ادله ها این بود که ذخیره ارزی کشور پایین است و باید به سمت خام فروشی برویم تا برای دوران تجدید تحریم‌ها ذخیره ارزی مناسب داشته باشیم. این تفکر را نمی‌توان نادیده گرفت، چون از جهاتی نیز منطقی است ولی باید همه ابعاد را در نظر گرفت. متأسفانه اکثر تصمیم‌گیری‌های ما تک جانبه است، درست است که به ذخیره ارزی احتیاج داریم ولی باید آینده کشور را هم در نظر بگیریم و نگاه صرف به خام فروشی قابل توجه نیست. ما توانستیم میعانات گازی، گاز و پتروشیمی‌ها را توسعه بدهیم، در متانول به اشباع بالایی رسیده‌ایم و یکی از بزرگترین صادرکنندگان آن در آینده خواهیم بود، همچنین در صنایع میعانات گازی نیز می‌توانیم شرایط مناسب تولیدی و صادراتی ایجاد کنیم. کشور تنها در پارس جنوبی ۴۵۰۰۰ شبکه ظرفیت مازاد دارد که آن را خام می‌فروشیم. اگر بتوانیم با این حجم از شبکه تولید، پالایشگاه کوچک تاسیس کنیم مزیت‌های بسیاری را ایجاد خواهیم کرد. و ضمن اینکه از خام‌فروشی جلوگیری کرده‌ایم، فرآورده‌هایی را نیز در پتروشیمی‌ها تولید خواهیم کرد که کمبود ظرفیت این واحدها را جبران کنند. در این خصوص می‌توانیم با میعانات گازی که به صورت خام صادر می‌کنیم در پایین دست پالایشگاهی ایجاد کنیم و آن پالایشگاه، محصول را به نفتا تبدیل کند و نفتا خوراک واحد پتروشیمی شود. با این روش از ظرفیت کامل آن بهره‌برداری کرده‌ایم و صادرات مواد پتروشیمی افزایش پیدا کرده و ارزش افزوده مناسبی عاید کشور خواهد شد. همچنین برشهای سنگین این پالایشگاه‌ها می‌تواند جایگزین سوخت مازوت در نیروگاه‌ها شود و در وضعیت بهبودی هوا تاثیرگذار گردد. این اقدامات چرخه صحیح گردش

مالی ایجاد کرده و اشتغالزایی مولد به وجود می‌آورد.

در حال حاضر نیز نفت خام ما طی دو دهه در تحریم گرفتار شده است، ولی فرآورده‌های نفتی شرایط تحریمی ندارد، زیرا تحریم فرآورده‌ها تبعات بسیاری در سطح بازارهای جهانی ایجاد خواهد کرد. با وجود ۱۵۰۰ فقره تحریم، یک نمونه تحریم فرآورده‌های سوختی نداریم لذا اولویت توسعه در این است که پایین دست نفت خام را هم گسترش دهیم. از سویی دیگر به دلیل نبود منابع مالی و لایسنس اگر نمی‌توانیم پالایشگاه‌های پایین دست بزرگ ایجاد کنیم، می‌توانیم پالایشگاه‌های کوچک و مینی فابری‌ها احداث کنیم چرا که در این زمینه به دانش فنی رسیده‌ایم و نمونه بارز آن ستاره خلیج فارس است که با ظرفیت قابل قبولی در حال کار بوده و نیازمند آنیم که ده پالایشگاه همانند ستاره خلیج فارس داشته باشیم.

امضای برجام و یا توافق با چین چه شرایط سرمایه‌گذاری را در کشور ایجاد خواهد کرد؟

قطعاً با هر یک از این توافقی‌های بین‌المللی، سرمایه‌گذاری‌های مناسب خارجی در حوزه نفت به کشور خواهند آمد. لذا باید سرمایه‌گذاری‌ها به گونه‌ای برنامه‌ریزی گردد که منجر به تهدید یا تعارض منافع با بخش خصوصی نگردد. با توجه به اینکه در حال حاضر صنایع پایین دست نفتی و بخش خصوصی واقعی، تعارض منافع جدی با سایر بخش‌های نفتی خصوصاً خصولتی‌ها دارد لذا در حوزه سرمایه‌گذاری‌های برنامه‌ریزی شود که این تعارض منافع با سرمایه‌گذار خارجی نیز ایجاد نگردد و به طور مثال می‌توان این سرمایه‌گذاری‌ها را در صنایع بالادستی ایجاد کنیم که بخش خصوصی پایین دست بتواند از محل سرمایه‌گذاری صنایع بالادستی فضای مناسب کار ایجاد نماید. همچنین در حوزه وزارتخانه‌ها نیازمند یک سری اصلاحات ساختاری خصوصاً در جذب سرمایه‌گذاری‌ها و اصلاح شیوه‌نامه‌های



بروکراسی رایج اداری هستیم به طور مثال در قضیه امضای برجام شرايطی برای سرمایه گذاری کشورهای خارجی در ایران ایجاد شد اما نبود شیوه بروکراسی اداری ویژه باعث از بین رفتن فرصت ها شد و بروکراسی های طولانی و سنتی باعث گردید فرصت های طلایی را در نبود کار کارشناسی از دست بدهیم و خروج سرمایه گذار ها به راحتی صورت گرفت .

❏ اگر شما را به عنوان متصدی در خصوص تعیین و نحوه عرضه خوراک واحدهای پایین دست منصوب نمایند، با توجه به تعدد و تکرر مجوزها چه شیوه ای را می توانید جهت بهبود این فضا ایجاد نمایید ؟

برای رسیدن به شرایط مطلوب در توزیع و قیمت گذاری خوراک واحدهای پایین دست، هم زمان با رشد و توسعه باید یک آینده نگری نیز تعریف نماییم و یک سیاست گذاری کلی انجام دهیم . به طور مثال مقدار افزایش در صنایع پایین دست میعانات گازی را در نظر بگیریم و توسعه دهیم و به این ترتیب طی چند سال آینده با انبوه انباشت نفتا در کشور مواجه می شویم و کماکان نیز باید به این موضوع فکر کنیم که این حجم از تولید را به چه شکل مصرف کنیم . باید سرمایه گذاری را طوری برنامه ریزی کنیم که زنجیره ارزش افزوده را تا آخرین نقطه ای که میتوانیم توسعه دهیم و بخش خصوصی در همه مراحل بخش پایین دست، میان دست و پالایشی

و پتروشیمی را مدیریت و دنبال نماید . از سویی شرایط قیمت گذاری را با توجه به شرایط دریافت خوراک طوری تنظیم نماییم که سرمایه گذار های متعددی را در این بخش جذب نماییم . باید بتوانیم در همه استان های کشور پالایشگاه های کوچک احداث کنیم، ما میدان گازی در کل کشور داریم، پارس جنوبی می تواند جنوب غربی و شرقی کشور را پوشش دهد، میدان گازی خانگیران شرق کشور و به همین ترتیب میدان گازی ایلام در غرب و در مرکز کشور میدان گازی سراجیه قم می تواند پوشش دهنده باشد . به همین روش با توجه به خطوط انتقال که در کشور داریم می توانیم تمامی کشور را از شمال تا جنوب، شرق تا غرب همه را پالایشگاه و پتروشیمی در سائزهای مناسب و جایگاه های مناسب با خوراکی های مناسب احداث و تعریف نماییم .

❏ یکی از معضلات صنایع پایین دستی، تصمیم گیری و تصمیم سازی جزیره ای در بین نهادهای دولتی است . شما به عنوان عضو هیئت مدیره اتحادیه اگر بخواهید راه حلی ارائه دهید که منافع صنایع پایین دست تامین شود و این معضلات برطرف شود چه موضوعی می تواند باشد ؟

راجع به این موضوع در همان ابتدای فعالیت در هیئت مدیره پیشنهاد داده ام مبنی بر اینکه وزارت نفت و شرکت های تابع، دفتر و سازمان مستقلی برای

در حال حاضر نیز نفت خام ما طی دو دهه در تحریم گرفتار شده است، ولی فرآورده های نفتی شرایط تحریمی ندارد، زیرا تحریم فرآورده ها تبعات بسیاری در سطح بازارهای جهانی ایجاد خواهد کرد. با وجود ۱۵۰۰ فقره تحریم، یک نمونه تحریم فرآورده های سوختی نداریم لذا اولویت توسعه در این است که پایین دست نفت خام را هم گسترش دهیم



می تواند تاثیر گذار باشد. ولی مشکل در اجرا کردن فرایند هاست. در حال حاضر با سازوکارهای غلط و بعضاً با سوء نیت مسیر معکوس آن را طی می کنیم و فرآیندهای عرضه کالا چه در بورس کالا و انرژی به شکلی است که نه تنها به کشف قیمت واقعی کمک نمی کند، بلکه مانع کشف قیمت واقعی می شود. نحوه اجرای ارزش گذاری ثبت و تعیین قیمت صحیح نبوده و این ها باعث می شود خاصیت مفید بورس انرژی و کالا از دست برود و کارایی خود را نیز نداشته و از مسیر درست منحرف گردد. در همین راستا نیز باید عنوان کنم مشکل دیگر ساختار مدیریتی بورس، ترجیح منافع عرضه کننده به منافع خریدار است که منجر به سوء استفاده یک سری از عرضه کننده ها در بورس می گردد و به متقاضی و خریدار آسیب می رسد. در نتیجه با یک سوء مدیریت، این نهاد مفید آثار مخربی بر روی اقتصاد و فعالیت اقتصادی میگذارد.

□ سال کنونی چه موضوع جذابی از فعالیت شرکت شما می تواند خبر ساز باشد؟

طرح توسعه این شرکت در زمینه پالایش و تولید مشتقات نفتی می تواند خبر ساز باشد که شرکت های خارجی فناور هم با ما در این زمینه همکاری دارند. در زمینه تولید یک سری مواد شیمیایی که در داخل کشور موجود نیست هم می خواهیم فعالیت کنیم و شاید جالب تر باشد که عنوان کنم می خواهیم به سمت احداث مینی پتروشیمی ها در داخل کشور برویم و به نوعی پیشقراول احداث چنین مجموعه هایی در کشور باشیم. فرایند احداث چنین مجموعه هایی در سایز کوچک تر توجیه اقتصادی داشته و با دانش داخلی نیز بومی سازی می شود. لذا امور مربوط به عمران و احداث آن در دست بررسی و ساخت است و حداکثر تا اوایل سال آینده به بهره برداری خواهد رسید و تحول خیلی خوبی می تواند در صنایع پایین دستی ایجاد کند که واحدهای دیگر نیز تشویق شوند و بتوانیم شاهد تشکیل صنایع پایین دست بسیار خوبی در پتروشیمی کشور هم باشیم.

وزارت نفت و شرکت های تابع، دفتر و سازمان مستقلی برای سیاست گذاری و حمایت صنایع پایین دستی مشخص نمایند که متخصص در زمینه پالایش کشور باشند و به نوعی یک دفتر حمایتی از صنایع پایین دست پالایش کشور تاسیس گردد و این تصمیم گیری های جزیره ای که بین بخش های مختلف سرگردان است و با تغییر هر وزیر، کل ساختار ها به هم می ریزد را برطرف کند

Cars love LIQUI MOLY



سیاست گذاری و حمایت صنایع پایین دستی مشخص نمایند که متخصص در زمینه پالایش کشور باشند و به نوعی یک دفتر حمایتی از صنایع پایین دست پالایش کشور تاسیس گردد و این تصمیم گیری های جزیره ای که بین بخش های مختلف سرگردان است و با تغییر هر وزیر، کل ساختار ها به هم می ریزد را برطرف کند. این پیشنهاد مورد استقبال قرار گرفت و کماکان پیگیر ماجرا هستیم که دفتر صنایع پایین دست نفت در وزارت نفت و شرکت های تابعه تاسیس گردد.

□ با توجه به اینکه اتحادیه پیگیر اجرا و تصویب نهاد تنظیم گر رگولاتوری در صنایع نفتی است، آیا رگولاتوری می تواند تمام هم و غم صنایع پایین دست نفت باشد و آیا با تصویب رگولاتوری تمام مشکلات صنایع پایین دست برطرف می گردد؟

رگولاتوری نمی تواند تمامی مشکلات ما را مرتفع سازد، ولی تا حد زیادی می تواند به صنایع نفتی کمک نماید، اعم از شفاف سازی و فاصله گرفتن از بوروکراسی های زائد و طولانی که در مسیر تولید و صادرات فراهم شده است. لذا قاعدتاً رگولاتوری تنها دغدغه ما نیست و تعارض منافع با بخش های دولتی نیز از جمله این دغدغه هاست و امکان دارد در آینده تعارض شدیدتر و غیرقابل کنترل تر از امروز که با بخش های دولتی و شرکت های خصوصی دولتی داریم مواجه شویم. اما مهم این است که نقش استراتژیک صنایع پایین دستی را در کشور نهادینه کنیم و در سیاست گذاری ها از نظرات کارشناسی پایین دست استفاده نماییم تا این نقش موثر صنایع پایین دست به رسمیت شناخته نشود و پذیرفته نگردد، مشکلات ما افزون خواهد بود

□ یکی از مشکلات جاری صنایع نفتی فرایند کار با بورس کالا است در زمینه تامین مواد اولیه، به نظر شما حلقه مفقوده در بورس به چه شکلی است که بتواند واحدهای پایین دست نفتی را بدون دغدغه به رقابت سالم وادار کند و شرایط ناسالم و غیر شفاف نیز از بین برود؟

سازوکار نهاد بورس ذاتاً یک ساختار مفیدی است و به کشف قیمت و مدیریت منابع کمک بسیاری می تواند بکند و خصوصاً در اقتصاد دولتی

جنگ اوکراین و آنچه برسربازار کمودیتی ها آمد

فاطمه لطفی - دنیای انرژی

بازار کمودیتی ها دچار نوسانی شدید شد و این نوسان تنها دامن اروپا را نگرفت. افزایش قیمت کمودیتی ها باعث شد که آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد هشدار دهد که جنگ در اوکراین، اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه را که با قیمت های فزاینده مواد غذایی و انرژی روبرو هستند، دگرگون خواهد کرد. هشدارهای گوترش به آنجا رسید که اعلام کرد کشورهای فقیرتر جهان که پیش از این با همه گیری کرونا، تغییرات آب و هوایی و عدم دسترسی به منابع کافی روبرو بودند، حال با بحران کمبود مواد غذایی و انرژی مواجه می شوند. به اعتقاد این مقام ارشد سازمان ملل متحد، هم اکنون با طوفانی روبرو هستیم که اقتصاد کشورهای در حل توسعه را در خطر نابودی قرار داده است. علت اصلی این هشدارها این است که ۳۶ کشور دنیا بیش از نیمی از گندم خود را از روسیه و اوکراین وارد می کنند، و از طرفی گزارش های فائو می گوید ۴۵ کشور آفریقایی و کم تر توسعه یافته دست کم یک سوم گندم مورد نیاز خود را از اوکراین یا روسیه وارد می کنند. ۱۸ کشور از همین گروه دست کم ۵۰ درصد نیاز گندم خود را از همین دو طرف جنگ می خردند. بورکینافاسو، مصر، جمهوری دموکراتیک کنگو، لبنان، لیبی، سومالی، سودان و یمن از جمله وابسته ترین دولت ها به غلات تولیدی روسیه و اوکراین به شمار می روند. اضافه کنید به این ارقام این واقعیت را که روسیه مهمترین صادرکننده گاز طبیعی جهان و دومین صادرکننده نفت است. همچنین روسیه و متحدش بلاروس، بیست درصد کود شیمیایی جهان را تامین می کنند. در عین حال، روسیه یکی از بزرگترین تامین کنندگان انرژی در جهان است. قیمت نفت در مقایسه با سال گذشته بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته است. روند افزایش قیمت در

کمی قبل از ساعت ۴ صبح روز پنجشنبه پنجم اسفند (۲۴ فوریه) به وقت اروپای مرکزی، رئیس جمهور روسیه در یک سخنرانی از آغاز «عملیات نظامی» در اوکراین خبر داد. اندکی پس از آن، شاهدان عینی از صدای انفجار در شهرهای اودسا و خارکف گزارش دادند. جنگ در اروپای شرقی رسماً آغاز شد. ارتش روسیه اعلام کرد این کشور با «سلاح هایی با دقت بالا» به زیرساخت های نظامی اوکراین حمله می کند. خبرگزاری روسی تاس به نقل از وزارت دفاع روسیه گزارش داد که «زیرساخت ها و فرودگاه های نظامی و تاسیسات نیروی هوایی اوکراین با تسلیحات با دقت بالا از کار می افتند». تعیین این که این پیش بینی ها تا چه حد درست از آب درآمد در حوصله این بحث نیست، اما آنچه که مشخص است این است که کارشناسانی که انتظار داشتند ارتش روسیه در عرض چند روز تا یکی دو هفته به طور کامل اوکراین را اشغال کند، بعد از گذشت ۵۰ روز (در زمان نوشتن این متن) پی به پیش بینی های نظامی اشتباه خود برده اند. هیچ شکی در نابودی زیرساخت های اوکراین وجود ندارد اما اینکه اوکراین تسلیم نشده است و بعد از روزهای اول جنگ، حالا حتی به فکر حمله متقابل به روسیه هم هست و در این راه، به مدد تسلیحات پیشرفته نظامی که غرب در اختیارش گذاشته است، موفقیت هایی هم به دست آورده موضوعی است که کمتر کارشناس نظامی تصورش را داشت.

به هر حال چه کارشناسان نظامی در پیش بینی های خود درست عمل کرده باشند چه راه خطا رفته باشند؛ آنچه که کارشناسان اقتصادی از تبعات این جنگ هشدار می دادند یک به یک محقق شد. اقتصاد دنیا به ویژه

روسیه صادرات بیش از ۲۸ درصد نیکل خام جهان را نیز در دست دارد و به نوعی بزرگترین صادرکننده این کالای استراتژیک است. نیکل از مواد اولیه الزامی تولید باتری خودروهای برقی است. نیکل به دلیل مقاومت در برابر خوردگی در طیف گسترده‌ای از محصولات از سیم، میخ و لوله گرفته تا توربین‌های گاز و شفت پروانه در قایق‌ها و کارخانه‌های آب‌شیرین‌کن بسیار مهم است. درواقع نمی‌توان هیچ جایگزینی برای نیکل صادراتی روسیه متصور شد. حالا قیمت این فلز مهم ۵۸ درصد افزایش یافته است. در ۲۱ ژانویه قیمت نیکل در بازار جهانی به بالاترین حد خود در ۱۰ سال گذشته رسید و ۲۴ هزار دلار در هر تن معامله شد. آهن و فولاد هم از جمله فلزاتی هستند که دو طرف جنگ در شرق اوکراین از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان این فلزات به حساب می‌آیند. روسیه ۵.۲ درصد و اوکراین ۲.۳ درصد صادرات جهانی آهن و فولاد را از آن خود دارند. فلز روی هم از گردونه افزایش قیمت‌ها عقب نمانده است. از طرفی می‌دانیم روسیه حدود ۱۰ درصد ذخایر مس در جهان را در اختیار دارد. در ماه ژانویه سال ۲۰۲۲ قیمت مس در بازارهای جهانی از سد ۱۰ هزار دلار در هر تن عبور کرد.

در حال حاضر روسیه تامین‌کننده ۴۳ درصد از پالادیوم استخراجی جهان است. رویترز از افزایش شدید قیمت پالادیوم خبر می‌دهد که در مبدل‌های کاتالیزوری خودروها برای کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای استفاده می‌شود. قیمت پلاتین و پالادیوم لندن، ۷.۸ درصد افزایش یافته است. قیمت پالادیوم در بازارهای جهانی به ۲۴۰۸ دلار و ۵۰ سنت هم رسید. رویترز از قول ادوارد مویا، تحلیلگر ارشد بازار در Oanda نوشت: عدم اطمینان در مورد اینکه فدرال رزرو پس از افزایش نرخ بهره چه خواهد کرد، جریانات را به سمت طلا هدایت می‌کند. در حالی که طلا در درگیری‌های جهانی و افزایش تورم به عنوان دارایی پناهگاه در نظر گرفته می‌شود، نرخ‌های بهره بالاتر ایالات متحده هزینه فرصت نگهداری شمش‌های بدون بازده را افزایش می‌دهد. قیمت طلا هم از زمان آغاز جنگ بیش از دو درصد افزایش یافت و به بالاترین حد در بیش از یک سال گذشته رسید. روسیه سومین تولیدکننده بزرگ طلا در جهان است و شرکت نورنیکل روسیه تولیدکننده بزرگ پالادیوم و پلاتین است.

❑ بازار زغال سنگ هم تکان خورد

زغال سنگ در سال گذشته میلادی ۱۶۰.۶ درصد رشد قیمت داشت و در ماه‌های سپری‌شده از سال ۲۰۲۲ نیز بیش از ۷۹ درصد گران‌تر شده است. پیش از حمله روسیه به اوکراین، بازار این سوخت فسیلی متلاطم بود. کاهش تولید انرژی‌های تجدیدپذیر در سال ۲۰۲۱ در کل دنیا و نیز کاهش عرضه گاز از سوی روسیه به اروپا، قیمت زغال سنگ را افزایش داده بود چون در بسیاری از کشورهای دنیا به ویژه در اروپا و چین، دولت‌ها برای کمبود عرضه انرژی مجبور به استفاده از زغال سنگ شده بودند. ۱۴ درصد کل صادرات زغال سنگ دنیا در دست روسیه است و بنابراین روسیه سومین صادرکننده بزرگ زغال سنگ دنیاست. زغال سنگ بعد از نفت پرمصرف‌ترین سوخت فسیلی دنیاست. تولید بیش از ۳۵ درصد از برق مورد نیاز دنیا در سال ۲۰۲۰ در نیروگاه‌های زغال سنگ انجام شده و زغال سنگ هنوز هم سوخت اصلی تولید برق در اقتصادهای بزرگ در حال توسعه و البته نوظهور مانند چین

خصوص گاز طبیعی نیز صدق می‌کند که در ماه‌های اخیر قیمت آن نسبت به سال گذشته ۵۰ درصد افزایش یافته است. همچنین قیمت کود شیمیایی نیز بیش از دو برابر شده است.

❑ نقش روسیه در زنجیره تامین جهانی

روسیه سومین کشور بزرگ تولیدکننده نفت و میعانات پس از آمریکا و عربستان سعودی در سال ۲۰۲۰ است. این کشور به‌طور متوسط ۱۰.۵ میلیون بشکه در روز سوخت مایع تولید می‌کند و دومین کشور بزرگ تولیدکننده گاز طبیعی در جهان پس از آمریکا در سال ۲۰۲۰ است. اروپا مهم‌ترین بازار نفت و گاز روسیه و به واقع مهم‌ترین منبع درآمدی این کشور است. در سال ۲۰۲۰ اروپا و اوراسیا ۸۵ درصد از گاز صادراتی روسیه را وارد کردند و آلمان، ایتالیا، فرانسه و بلاروس تقریباً نیمی از صادرات این کشور را دریافت کردند.

علاوه بر سوخت‌های فسیلی، روسیه یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان فلزات و گندم دنیا نیز هست. ۴۰ درصد نیاز جهانی به پالادیوم از سوی روسیه تامین می‌شود و این کشور یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان آلومینیوم در جهان است. درحالی‌که حدود ۱۰ درصد ذخایر مس در جهان را در اختیار دارد. روسیه بزرگ‌ترین صادرکننده گندم در جهان است و نزدیک به ۱۰ درصد عرضه جهانی گندم متعلق به این کشور است.

❑ نقش اوکراین در زنجیره تامین جهانی

اوکراین منطقه عبور خط لوله‌های گاز روسیه به اروپاست و رویترز در گزارشی به نقل از SEB قبل از آغاز جنگ نوشته بود که در صورت اعمال تحریم علیه روسیه انتظار می‌رود صادرات گاز طبیعی این کشور از مرزهای اوکراین و لهستان کاهش یابد و قیمت گاز طبیعی به بالاترین حد خود افزایش یابد. اتفاقی که به واقع شاهد آن بودیم.

❑ پس از آغاز جنگ چه اتفاقی افتاد؟

پس از آغاز جنگ، تقریباً به یکباره قیمت تمامی کالاها افزایش یافت. با توجه به نقش دو کشور در زنجیره تامین جهانی که پیشتر ذکر آن رفت، این افزایش قیمت‌ها کاملاً مورد انتظار بود. قیمت گاز طبیعی اروپا تا ۴۰ درصد افزایش یافت و بازارهای فلزی هم رشد قیمت را تجربه کردند. جامعه جهانی به دلایلی که در بخش‌های قبل گفته شد و نقشی که روسیه در تامین انرژی دنیا دارد از تحریم کامل بخش انرژی این کشور ناتوان است. اخیراً ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین، در مصاحبه‌ای که با شبکه جهانی بی‌بی‌سی داشت از کشورهای اروپایی به خاطر ادامه خریداری نفت از روسیه انتقاد کرده است. زلنسکی این دسته از کشورهای اروپایی را متهم کرد که «دستشان به خون مردم اوکراین آلوده است». او با انتقاد از آلمان و مجارستان آن‌ها را متهم کرد که مانع تحریم صادرات نفت و گاز روسیه شده‌اند. آلمان از اعمال تحریم‌های اقتصادی بی‌سابقه علیه روسیه حمایت کرده ولی به علت وابستگی شدیدش به نفت و گاز روسیه، با تحریم واردات حامل‌های انرژی مخالف است. روسیه سالانه ۳۲۶ میلیارد دلار از این راه درآمد دارد.

(حدود ۶۵ درصد) و هند (حدود ۶۰ درصد) است. در سال ۲۰۲۰ یک پنجم کل برق مصرفی آمریکا از زغال سنگ تولید شده است.

بلومبرگ به نقل از سابیرنا کرنیچلر، تحلیلگر انرژی در موسسه اساندپی می‌نویسد: «تقاضای اروپا برای زغال سنگ با توجه به سیگنال‌های قیمت فعلی سوخت و با توجه به نگرانی‌ها مبنی بر اینکه جریان گاز روسیه به شمال غرب اروپا ممکن است مختل شود، به شدت بالا رفته است. علاوه بر این، نگرانی‌هایی وجود دارد که عرضه زغال سنگ روسیه به شرق و غرب اروپا ممکن است مختل شود.» سطح ذخایر زغال سنگ اتحادیه اروپا به ۲.۵۶ میلیون تن رسید که کمترین میزان در هفت سال گذشته بوده است. اروپا برای زغال سنگ روسیه جایگزین‌های محدودی دارد. بر اساس گزارش یورواستات، در سال ۲۰۲۰ اتحادیه اروپا ۴۹ درصد از زغال سنگ مورد نیاز خود را از روسیه وارد کرده و بیشتر این زغال سنگ به آلمان رفته است. کارشناسان معتقدند تحریم زغال سنگ روسیه می‌تواند بر قیمت‌های زغال سنگ، گاز و برق تأثیری دومینوار داشته باشد. بر اساس گزارش اوایل پرایس، به دنبال ممنوعیت واردات زغال سنگ روسیه توسط اتحادیه اروپا، این اتحادیه به دنبال یافتن جایگزین‌های مناسبی برای تامین زغال سنگ مورد نیاز خود است اما با توجه به اینکه صادرکنندگان برتر استرالیا و اندونزی با محدودیت‌های تولید مواجه هستند و تولیدکننده اصلی یعنی آفریقای جنوبی به دلیل مشکلات لجستیکی با محدودیت مواجه شده است، برخی از واردکنندگان ممکن است برای حفظ سطح عرضه محصولات خود دچار مشکل شوند. تعجیل این شرکت‌ها برای تامین مواد اولیه می‌تواند قیمت جهانی زغال سنگ را بالا نگه دارد. رویترز هم نوشت یکی از ۱۰ تولیدکننده برتر زغال سنگ آفریقای جنوبی گفته است که قبلاً درخواست‌های متعددی از کشورهای اروپایی مایل به امضای قراردادهای تامین مواد اولیه، دریافت کرده است. با این حال مشکل لجستیک و صادرات زغال سنگ از آفریقای جنوبی به اروپا، این گزینه را در کوتاه مدت امکان‌پذیر نمی‌سازد. اگرچه آمریکا در تلاش برای افزایش تولید سوخت‌های فسیلی است اما این افزایش تولید شکاف عرضه روسیه را جبران نخواهد کرد. ارنی تراشر، مدیر اجرایی Xcoal Energy & Resources LLC، به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده زغال سنگ از ایالات متحده، گفته: در حال حاضر افزایش تولید و صادرات زغال سنگ با چالش در بخش زنجیره تامین و حتی حمل‌ونقل روبرو است و این موارد افزایش صادرات را در شرایط کنونی دشوار می‌کند.

🔍 تلاطم در بازار پیشتر متلاطم گاز طبیعی

به‌های گاز طبیعی از ابتدای سال جاری میلادی بیش از ۸۰ درصد افزایش یافته است. اتحادیه اروپا ۴۰ درصد از گاز طبیعی خود را از خطوط لوله روسیه دریافت می‌کند. خطوط لوله‌ای که یک‌چهارم آن از خاک اوکراین می‌گذرد. اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده می‌گوید در سال ۲۰۲۱، آلمان ۴۸ میلیارد مترمکعب، ایتالیا ۲۶ میلیارد مترمکعب، فرانسه ۱۷ میلیارد مترمکعب و لهستان بیش از ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز از روسیه وارد کرده‌اند. رویترز گزارش داد که به دنبال جنگ در اوکراین، قیمت سوخت در آمریکا و کانادا به ویژه برای حمل‌ونقل عمومی قیمت بی‌سابقه‌ای از سال ۲۰۰۸ پیدا کرده است. اما بعد از شروع جنگ، همه نگاه‌ها در اروپا به سمت خط لوله

به دنبال جنگ در اوکراین، قیمت سوخت در آمریکا و کانادا به ویژه برای حمل‌ونقل عمومی قیمت بی‌سابقه‌ای از سال ۲۰۰۸ پیدا کرده است. اما بعد از شروع جنگ، همه نگاه‌ها در اروپا به سمت خط لوله ۱۳ میلیارد یورویی نورد استریم ۲ چرخید که قرار بود سالانه ۵۵ میلیارد مترمکعب گاز به اروپا برساند. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند با این جنگ دیگر بهره‌برداری از این خط لوله امکان‌پذیر نخواهد بود

۱۳ میلیارد یورویی نورد استریم ۲ چرخید که قرار بود سالانه ۵۵ میلیارد مترمکعب گاز به اروپا برساند. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند با این جنگ دیگر بهره‌برداری از این خط لوله امکان‌پذیر نخواهد بود.

پیشتر فرانسه و آلمان و ایتالیا و اتریش و شماری دیگر از کشورهای اروپایی کاهش یا قطع رابطه با روسیه را نه به سود منافع اقتصادی خود و نه در خدمت بهبود وضعیت امنیتی اروپا یا دموکراتیک‌شدن جامعه روسیه می‌دیدند. حالا بحث بعد از شروع جنگ اوکراین صرفاً به عدم به کار انداختن نورد استریم ۲ محدود نشد و قطع واردات گاز روسیه از طریق نورد استریم ۱ را نشانه رفت، یعنی خط لوله‌ای که از سال ۲۰۱۲ در کار است و سالانه ۵۵ میلیارد متر مکعب گاز به اروپا منتقل می‌کند. اما اولاف شولتز، صدر اعظم آلمان با هشدار درباره تحریم بخش انرژی روسیه گفته که اروپا عمداً از چنین اقدامی فاصله گرفته چون این کار «امنیت انرژی اروپا را به خطر می‌اندازد.» شولتز که کشورش وابستگی زیادی به گاز روسیه دارد، می‌گوید تامین گاز اروپا در شرایط فعلی از راه دیگری امکان‌پذیر نیست و زندگی روزمره شهروندان به آن وابسته است. و مسکو که گازش را از طریق اوکراین به اروپا صادر می‌کند، در این شرایط بیش از پیش محتاج پول گاز است.

به گزارش رویترز روسیه به قراردادهای بلندمدت خود برای فروش گاز به اروپا پایبند بوده است. اما از پارسال تا الان صادرات روسیه تنها به حجم تعیین‌شده در قراردادهای محدود بوده چون به گفته مسکو خریداران تقاضای بیشتری نداشته‌اند و روسیه هم با توجه به مصرف داخلی، گاز اضافی زیادی برای صادرات ندارد. با این حال بر اساس داده‌های شرکت انتقال گاز ایوستریم اسلوواکی، میزان گازی که از مسیر ۱۳۰۰ کیلومتری داخل اوکراین عبور می‌کند و به مرز اسلوواکی می‌رسد، از شروع جنگ حتی بیشتر هم شده است. اوکراین بخشی از تجارت گاز بین مرزی با روسیه را ممنوع کرده اما گفته است که با خط لوله صادرات گاز روسیه به اروپا کاری ندارد. اما درباره سرنوشت پروژه نورد استریم ۲ کارشناسان بر این باورند که لوله‌های این پروژه در زیر دریای بالتیک خواهند پوسید و پرونده آن هم به دادگاه‌های

صادرات و واردات هر دو کشور بود. حدود هشت درصد از واردات نفت و فرآورده‌های نفتی آمریکا در سال ۲۰۲۱ از روسیه بود. نفت کانادا و مناطق دیگر به راحتی می‌تواند جایگزین نفت روسیه شود. با این حال تامین فرآورده‌های نفتی چالش بیشتری خواهد داشت. در اروپا هم به عنوان مثال در آلمان چانه‌زنی‌ها برای افزایش دستمزد ۵۸۰ هزار نیروی فعال در صنایع شیمیایی و دارویی این کشور هم کاری دشوار است زیرا تأثیر افزایش هزینه‌های ناشی از بالا رفتن قیمت انرژی و مواد اولیه بر حاشیه سود تولیدکنندگان در کنار تداوم مشکلات زنجیره تأمین و پیامدهای شیوع ویروس همه‌گیر کرونا تأثیر می‌گذارد. آلمان کشوری خواهد بود که بیشترین عواقب اقتصادی ناشی از تحریم‌های اتحادیه اروپا بر روسیه و اقدامات تلافی‌جویانه مسکو در قبال تحریم‌ها را متحمل خواهد شد.

در زمان نوشتن این گزارش بهای معاملات وست تگزاس اینترمدیت در ۱۰۷ دلار در هر بشکه بسته شد و بهای معاملات نفت برنت برای تحویل در ژوئن با دو دلار و ۹۲ سنت افزایش، در ۱۱۱ دلار و ۷۰ سنت در هر بشکه بسته شد. از سوی دیگر آژانس بین‌المللی انرژی در گزارشی اعلام کرد اعضای اوپک پلاس تنها ۱۰ درصد از افزایش تولیدی را که ماه میلادی گذشته وعده داده بودند عملی کرده‌اند. در آمریکا ذخایر نفت بیش از ۹ میلیون بشکه رشد کرد و بیش از یک سوم از این رشد به انتقال نفت از ذخایر استراتژیک به ذخایر تجاری نسبت داده شد. همزمان عمده ذخایر فرآورده‌های نفتی کاهش پیدا کرد.

بین‌المللی راه خواهد یافت. به هر حال خسارت بزرگی که به گول گازپروم روسیه وارد خواهد آمد غیرقابل انکار است.

بازار نفت اوج گرفت

همان روز اولی که ارتش روسیه وارد خاک اوکراین شد بورس مسکو ۳۵ درصد سقوط کرد و قیمت نفت به ۱۰۵ دلار افزایش یافت. و همزمان شاخص سهام «سیستم تجارت روسیه» که بخشی از «بازار سهام مسکو» و متکی به نقل و انتقالات مالی از طریق دلار آمریکا است، ۵۰ درصد افت کرد. روسیه روزانه بیش از ۱۰ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند که ۶۵ میلیون بشکه آن صادر می‌شود و نیمی از صادرات نفت این کشور راهی اروپا می‌شود. بر اساس توافق اوپک پلاس، روسیه متعهد شده بود که در ماه دسامبر پارسال روزانه ۱۰۰ هزار بشکه و در ماه ژانویه امسال نیز به همین میزان به تولید نفت خود اضافه کند؛ اما چنین کاری نکرده و حمله نظامی به اوکراین و احتمال اختلال در بازار نفت باعث شد که قیمت نفت به بشکه‌ای ۱۰۵ دلار برسد. روسیه به تنهایی سهمی بیش از ۱۰ درصدی در کل تولید نفت جهان دارد و اختلال طولانی‌مدت در صادرات نفت این کشور می‌تواند بازارهای جهانی نفت را با بحران مواجه سازد.

جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده، دستوری صادر کرد برای ممنوعیت واردات نفت از روسیه. اما همان موقع هم کارشناسان بر این باور بودند که این دستور تنها تأثیر جزئی بر صادرات روسیه و همین طور تامین نفت آمریکا خواهد داشت زیرا این تجارت درصد اندکی از



گره زدن منابع انرژی ایران به روسیه، تامین کننده منافع ما نخواهد بود!



انقلاب نارنجی اوکراین یک نوع تلاش برای غربی شدن اوکراین و تقویت دموکراتیک شدن در این کشور بود و این توجه به غرب باعث شد مسئله توجه به روس تبارها اهمیت بیشتری پیدا کند. از همان سال ۲۰۰۴ مسئله شکاف جمعیتی در اوکراین مطرح می شود که اوکراین به دلیل این نگرش می تواند دو قسمت شود. و مناطق شرقی به لحاظ معدن ها و صنایع که منطقه مهمی هم هست که مورد توجه روسها قرار می گیرد. این مسائل در همان سالها باعث شد که نفوذ و مداخله آشکار آمریکایی ها و کشورهای اروپایی به ویژه رهبران لهستان در امور داخلی اوکراین ادامه داشته باشد. که در حمایت از اوکراین تبارها صورت گرفته که خواستار ملحق شدن به غرب و دوری از روسیه بودند البته این فشار ها هنوز هم ادامه دارد و در دوره پروشنکو و هم در دوره زلنسکی تلاش های زیادی برای پیوستن به غرب و اروپا جهت حمایت و کمک از آمریکا و اروپا برای رویارویی با روسیه را دنبال می کند و مسئله پیوستن به ناتو همواره از سوی روسیه به عنوان یک خط قرمز مطرح بود. روسها به فراست دریافته بودند که مناطق جمهوری های سابق شوروی، مناطق ای بسیار مهم از لحاظ اقتصادی و سیاسی می باشند. آنها واژه ای را به عنوان «خارج نزدیک» برای این کشورها طراحی کرده بودند و آنها را حوزه منافع حیاتی روسیه می دانستند. بنابراین آمریکایی ها و اروپایی ها باید منافع حیاتی روسیه را در این مناطق به رسمیت بشناسند که نشناختند و باعث چالش و رودرویی هایی در طی سه سال اول پس از فروپاشی از دوره یلتسین شد. جالب اینجاست که روسیه نیز در دهه ۱۹۹۰ حاضر بود عضو ناتو شود و حتی شورای ناتو تشکیل می شود، روس ها پس از فروپاشی به عنوان نماد حسن نیت برای آمریکا پیمان ورشو را منحل می کند و انتظار داشتند ناتو منحل شود، ولی نه تنها منحل نشد بلکه به سمت شرق آمده و روس ها با اعتماد به نفس بالا قدم به این مسیر گذاشتند که بازیگر تاثیرگذار در نظام بین الملل باشند. اما از سوی کشورهای غربی پاسخی دریافت نمی کنند و آنها سهمی را برای روسها قائل نمی شوند و حتی می بینیم وقتی پوتین که از سال ۲۰۰۰ به قدرت رسیده بود، مواضع

الیه کولایی، محقق، نویسنده و استاد علوم سیاسی و نماینده مجلس ششم ایران در گفتگوی مجازی با سردبیر ماهنامه دنیای انرژی به ابعاد مختلف جنگ کنونی روسیه و اوکراین پرداخت است که در ادامه می آید:

برای شناخت ریشه ها و علل وقوع جنگ در اوکراین، تجاوز همه جانبه روسیه ابتدا باید سطح روابط دو کشور را بررسی کنیم که چرا به چنین شرایطی وارد شده اند، که بحث مهمی است و در تاریخ روسیه و شکل گیری هویت روسیه، اوکراین نقش جدایی ناپذیری از دید بسیاری از رهبران روسیه بازی می کند. بنابراین جداسدن اوکراین و فروپاشی اتحادیه شوروی خیلی سریع مشروعیت و منطق این جدایی را مورد سوال قرار داد و برای بسیاری از روس ها امری غیر قابل تصور است، چون دولت روسیه به عنوان یک هویت تاریخی ابتدا در کیف شکل گرفت و بعد از ده ها سال ما شاهد شکل گرفتن دولت در مسکو هستیم و از این منظر برای بسیاری از روس ها، اوکراین همان روسیه است و جدایی آن غیر قابل قبول می باشد. وقتی فروپاشی اتحادیه شوروی شکل گرفت، از نظر خیلی ها این مسئله یک تراژدی به حساب می آمد و در طول دهه ۹۰ با توجه به تحولاتی که جریان فکری غربگرا ایجاد کرد، تصور اینکه جمهوری ها می توانند هویت و واحد های مستقل از روسیه باشند شکل گرفت. بعد از این که در اوکراین انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴ اتفاق افتاد به گونه ای روشن تر و مشخص اوکراین خود را از مسیر روسیه به سمت غرب جدا نمود، به ویژه به سمت اتحادیه اروپا و از لحاظ اقتصادی امنیتی و نظامی به این سمت تمایل پیدا کرد و به تبع آن پیوستنش به ناتو مطرح شد و این مسائل باعث ابتدا ناراحتی و به تدریج خشم و عصبانیت و نگرانی های گسترده در مسکو شد. نکته این مسئله این است که جمعیت بزرگی از روس ها پس از فروپاشی ساکن اوکراین شدند و میزان جمعیت روس تبارها در اوکراین و قزاقستان به بالاترین حجم جمعیتی خود رسید و در اوکراین این میزان به ۲۲ درصد از روس تبارها شامل شد و این هم یک بحث خیلی مهم در روابط دو جانبه روسیه با اوکراین و بقیه جمهوری ها ایجاد کرد. که روس تبارها در خدمت مسکو هستند یا در خدمت کیف. و در تحولات

شیرهای گاز اوکراین اتفاق می‌افتد و سیاست روسیه بر این مبناست که باج خواهی در اوکراین و روسیه سفید ایجاد نشود و به دنبال مسیرهای جایگزین می‌روند. از این سو همکاری‌های بسیار گسترده نیز بین آلمان و روسیه برای ساختن خطوط لوله و زیرساخت‌های انتقال انرژی شکل می‌گیرد و این پیوندها آنقدر شدت پیدا می‌کند که سرودر صدر اعظم پیشین آلمان رئیس یکی از کنسرسیوم‌هایی است که ساختن خط لوله‌ها را مدیریت می‌کند و یکی از مهمترین مسیرها نیز نورد استریم یک میشود. که بحث ساختن دو آن نیز در حال پیگیری است. این‌ها پروژه‌هایی هست که در حجم‌های بسیار بزرگ برای روسیه درآمدهای استراتژیک می‌توانست به همراه داشته باشد که هدف اصلی پوتین را که نه فقط بازسازی اقتصادی روسیه که در واقع ایجاد یک اهرم استراتژیک و بسیار تعیین‌کننده برای روسیه در ایفای نقش منطقه‌ای و جهانی را بتواند فراهم بکند. همین تفکر در سوریه اتفاق افتاد، روسها در سوریه غیر از تلاشی که برای امنیت داشتند، می‌خواستند به دنیا نشان دهند که در حل و فصل مشکلات جهانی توان لازم را دارند. مسئله‌ای که در تمام این سالها رخ نداد، انتظار روسیه بر این بود که با منابع قدرتی که در اختیار دارد بتواند با کنار گذاشتن کمونیسم به عنوان یک بازیگر برابر با آمریکا به ایفای نقش بپردازد و هیچ وقت هم پذیرفته نشد. نکته‌ای که بسیار مهم است این است که در حوزه انرژی روسها خیلی هزینه کردند و زمینه‌های خیلی مناسبی را مورد بهره‌برداری قرار دادند، آنان از ابتدای فروپاشی به دنبال یک جهان چندقطبی بودند که روسها بتوانند یکی از قطب‌های قدرت آن باشد و نظام تک قطبی به رهبری آمریکا شکل نگیرد. در همین راستا آمریکایی‌ها در طول دو دهه اخیر یک شیفت قابل توجهی در اولویت دهی سیاست‌های خارجی خود با توجه به روند بالندگی چین در اقتصاد جهانی دنبال کردند و به انحای مختلف سعی در مهار چین هستند و آمریکا این روند تنش‌زایی را خصوصاً در مورد اوکراین در سال‌های ۲۰۱۴ به بعد ایجاد کرد و نقش مجتمع‌های صنعتی نظامی آمریکا که وظیفه آنها

خیلی تندی علیه آمریکایی‌ها در کنفرانس امنیتی مونیخ ارائه کرد و کارشناسان نظر دارند که از همین کنفرانس شمشیرها از رو بسته می‌شود و تمام خوشبینی‌ها برای بهبود روابط نقش بر آب می‌شود. سه سال پس از انقلاب نارنجی اوکراین، انقلاب گل رز در گرجستان و انقلاب لاله‌ای قرقیزستان، شرایط متفاوتی را در منطقه قفقاز و حوزه دریای سیاه ایجاد می‌کند و به رغم مخالفت روسیه در تمام این سال‌ها گرجستان و اوکراین تلاش می‌کنند تا عضو ناتو شوند. به هر حال نگرش روسیه به حمله به گرجستان که شرایط سهل‌الوصولی ایجاد کرد که در خصوص اوکراین‌انطور شکل نگرفت و تصور روسیه بر این بود که اوکراین به عنوان یک منطقه حائل و بی‌طرف عضو ناتو نشود و نکته مهم پس از آن این بود که در سال ۲۰۱۴ پس از اینکه روسیه شبه جزیره کریمه را به خاک خودش ملحق کرد، افرادی مثل کیسینجر که طرفدار سیاست واقع‌گرایی در نظام بین‌الملل هستند، سیاست تحریک آمیز آمریکا را زیر سوال بردند با این هدف که نباید با روسیه با این سوابق و چشم‌اندازها وارد مجادله شد. اگر نگاهی به چشم‌اندازهای انرژی در این مجادله نیز به خواهیم بیندازیم باید گفت در دوره اتحادیه جماهیر شوروی، مسکو نقش کاملاً مسلطی در مدیریت حوزه انرژی در این جمهوری‌ها داشت، هم در جمع‌آوری، کنترل و توزیع منابع انرژی و هم در بحث صادرات این منابع، کاملاً نقش فعال مایشاعی داشت و حیات و ممات جمهوری‌ها به همین خط لوله‌های فولادی که منابع را منتقل می‌کرد وابسته بود. بنابراین مسئله انتقال و توزیع انرژی اهرم بسیار مهمی به شمار می‌رود. روسیه در دهه ۹۰ وضعیت بحران زده‌ای اعم از مشکلات داخلی و قیمت‌های پایین نفت و گاز داشت، اما با روی کار آمدن پوتین و افزایش بهای نفت در بازارهای جهانی، واژه‌ای را روس‌ها ابداع می‌کنند که روسیه ابرقدرت انرژی در قرن ۲۱ است. این کشور کاملاً با تکیه بر عامل صادرات گاز به اروپا، کنترل گاز در محدوده جمهوری‌های پیشین شوروی و البته کنترل مسیرهای انتقال نفت و گاز با تاثیرگذاری بر سیاست‌های این کشورها، رقابت بسیار گسترده‌ای را در دهه اول و دوم قرن ۲۱ ایجاد می‌کند تا بتواند تسلط خود را بر بازار انرژی به دست آورده و آن را حفظ نماید. در جریان اتفاقات تروریستی سال ۲۰۰۱ روسیه تجربه موفق در مقابل عربستان و چالش‌های آن با آمریکا داشت، تلاش گسترده‌ای را برای ایفای نقش جایگزین عربستان از خود بروز داد و روسیه متوجه اهمیت این موضوع بود که از همان سال ۲۰۰۲ به بعد شاهد تمرکز روسیه بر موضوع انرژی هستیم و همکاری‌های انتقال انرژی به خصوص در ارتباط با اروپا مورد توجه جدی قرار گرفت. در همان زمان پروژه‌های مشترک با آلمان گسترده می‌شود و پس از آن در انتقال انرژی به اروپا مسئله اوکراین و مسئله روسیه سفید مطرح می‌شود، چراکه این کشورها مسیرهای انتقال گاز روسیه به کشورهای اروپایی به خصوص آلمان بودند. موضوع خط لوله‌ها و ساختن آن‌ها مطرح می‌شود و کارشناسان معتقد هستند که طبقه‌ای اجتماعی به عنوان خط لوله در روسیه شکل می‌گیرد. بدان معنا که الیگارشسی سیاست و اقتصاد این کشور را در دست می‌گیرند. این طبقه بسیار نزدیک با پوتین هستند و باعث می‌شوند حوزه دیپلماتیک روسیه در روابط با کشورهای اروپایی تحت تاثیر این الیگارشسی قرار بگیرد. در ژانویه ۲۰۰۶ مسیرهای جنوبی و شمالی خطوط لوله مورد توجه قرار می‌گیرند موضوع بستن

در دوره اتحادیه جماهیر شوروی، مسکو نقش کاملاً مسلطی در مدیریت حوزه انرژی در این جمهوری‌ها داشت، هم در جمع‌آوری، کنترل و توزیع منابع انرژی و هم در بحث صادرات این منابع، کاملاً نقش فعال مایشاعی داشت و حیات و ممات جمهوری‌ها به همین خط لوله‌های فولادی که منابع را منتقل می‌کرد وابسته بود. بنابراین مسئله انتقال و توزیع انرژی اهرم بسیار مهمی به شمار می‌رود

برای ایفای نقش راهبردی خود دنبال می کرد با این هدف گذاری آمریکا کاملاً در تقابل بود و زمینه را برای ورود نفت و انرژی آمریکا به بازارهای بازارهای اروپا باز نمود.

نقش محوری پوتین

در برابر تلاش جهت پیوستن به غرب، رهبران روسیه که به آنها رهبران اوراسیاگرا یا ملی گرا میگویم، در واقع غرب گرایی که به دنبال یکپارچه شدن با غرب بوده کنار گذاشته شده و پوتین به عنوان یک شخصیت تاثیرگذار در شکل دادن به روند تحولات دیده می شود. اما این بحث فراتر از یک شخص دیده می شود، اگر پوتین هم رئیس جمهور روسیه نبود، رئیس جمهور های دیگر هم ناچار بودند به این اقتضائات ژئوپلیتیکی روسیه پاسخ دهند. بعد از فروپاشی شوروی طرحی که برژینسکی در کتاب معروف خود ارائه می دهد، بر این پایه است که روسیه هنوز خیلی بزرگ است، روسیه باید سه قسمت شود، شرق دور و مناطق میانی از مناطق اروپایی باید به سه قسمت تقسیم شوند. بنابراین تجزیه روسیه و کاهش نفوذ روسیه و نادیده گرفتن الزامات روسیه به عنوان یک قدرت قابل توجه در سطح منطقه اوراسیا سیاستی است که آمریکا دنبال کرد و پاسخ آن را از درون روسیه از

جنگ آفرینی و تامین منافع طبقاتی است در فروش سلاح و کلیه نیازها که در یک اقتصاد جنگی می تواند قابل توجه باشد را پیش برد و برای تقویت ناتو در آسیا و کشورهای مشترک المنافع تلاش بسیار نمود. بحث هایی هم در دوران ترامپ مطرح شد درباره این که کشورهای اروپایی سهم خودشان را در امنیت اروپا به عهده بگیرند و هزینه های ناتو را خودشان تقبل کنند و این مسائل که منجر به بروز جنگ اوکراین شد، همگی بر این موضوع واقفند که تامین کننده نیازهای نظامی این جنگ تنها با هدف تحریک پوتین و مقابله با روسیه بوده است.

نفت شیل

موضوعی که در خصوص انرژی مطرح است و استفاده از تکنولوژی نفت شیل را پر اهمیت می کند، بالا بودن قیمت نفت در بازارهای جهانی در رنج ۶۰ الی ۷۰ دلار است که می تواند تولید نفت شیل را افزایش دهد و به خصوص بحث هایی که در طول سالیان مطرح شده که آمریکا پايانه های خود را از شکل واردکننده به صادرکننده تغییر دهد، تمامی این شواهد با این مسئله تکمیل می شود که بازار انرژی اروپا با توجه به طراحی روسیه که برای تامین گاز این قاره و در واقع سرمایه گذاری زیرساختی که در طی سال ها



همان دوره یلتسین دریافت نمودند. در زمان یلتسین که یک رهبر غربگرا بود، وزیر امور خارجه آن بحث‌های پوتین را مطرح میکند و پوتین در این زمینه نوآوری نداشته است.

◻ میز مذاکره یا جنگ جهانی سوم

طبیعی است که تمرکز بر سر میز مذاکره خواهد بود، چون تجربه نشان داده که مسیرهای خشونت آمیز همه طرف‌ها را بازنده خواهد کرد، حتی برنده‌های این مسیر هم هزینه‌های بسیار سنگین را باید پذیرا شوند. اما در این زمینه خاص توجه داشته باشید، جنگ گرجستان ۵ روز طول کشید و روسیه خیلی سریع به هدف‌های طراحی شده خودش دست یافت و برآوردها این طور است که روسها انتظار درگیری در یک زمان طولانی مدت را در این حمله نظامی نداشتند. و انتظار چنین مقاومتی از سوی مردم اوکراین را نیز همینطور، و همچنین از سوی اروپا و آمریکا بر این نظر بودند که بتوانند وارد فرآیند مذاکره شوند که شبیه به مسائلی که بعد از حوادث ۲۰۱۴ اتفاق افتاد بود و این مذاکره باعث شود اوکراین به ناتو ملحق نشده و یک منطقه حائل بین روسیه و ناتو باقی بماند. نکته مهم دیگر اینکه روسها در مسئله وابستگی متقابل و به خصوص حساسیت موضوع انرژی کشورهای اروپایی و همکاری‌های دو دهه‌ای حساب زیادی باز کرده بودند و تصور داشتند، به خاطر نیازهای گوناگونی که جهان و اروپا به طور مشخص به انرژی صادراتی روسیه به وجود آمده تصور این را نداشتند که چنین پاسخ شدید و طولانی شدن جنگ روبرو شوند و به شخصه فکر می‌کنم خشونتی که امروز در اوکراین شاهد هستیم این ناشی از این خشم روسیه از تامین نشدن و برآورده نشدن انتظاراتی است که در این جنگ روی آن حساب باز کرده بود.

◻ آینده برجام و وضعیت صادرات نفت ایران

موضوع رابطه ایران با غرب یک مسئله بسیار تعیین کننده و سیاست داخلی و خارجی کشور ماست، خصوصاً به خاطر شرایط ژئوپلیتیکی که ما داریم این نوع روابط نه فقط سیاسی و ایدئولوژی است بلکه جغرافیایی هم می‌باشد. ایران در طول تاریخ به دلیل موقعیت جغرافیایی خود توان توسعه و رابطه با همه قدرت‌های جهانی را داشته و دارد و تاریخ تحولات سیاست خارجی ما نشان داده هرگاه این روابط، یک روابط متوازن بوده بهتر توانسته ایم به منافع خودمان دسترسی پیدا کنیم و از رقابت‌ها و تعارض‌های قدرت‌های جهانی استفاده کنیم. جالب است که ما در دوران جنگ تحمیلی هم برای تامین سلاح در مذاکرات خود با روسها شرط جایگزین می‌گذاشتیم که اگر این سلاح‌ها در اختیار ما گذاشته نشود، ما از آمریکایی‌ها می‌گیریم. و طرحی بود که دکتر ولایتی ایجاد کرده بود و این نشانه توانمندی ایران در سال‌های جنگ به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی خود بود و می‌توانست روابطی را با قدرت‌های جهانی شکل دهد که از تعارض‌ها، اختلاف‌نظرها و اختلاف منافع آنها به نفع خود استفاده کند. اما متأسفانه شاهدیم سیاستی که امروزه در کشور ما حاکم است کاملاً شرق گرایانه است، در واقع سمت و سوی سیاست به سمت روسیه و ملاحظات و دیدگاه‌های روسیه شکل می‌گیرد و در چنین شرایطی روشن است که ما توان استفاده از فضای

متأسفانه شاهدیم سیاستی که امروزه در کشور ما حاکم است کاملاً شرق گرایانه است، در واقع سمت و سوی سیاست به سمت روسیه و ملاحظات و دیدگاه‌های روسیه شکل می‌گیرد و در چنین شرایطی روشن است که ما توان استفاده از فضای رقابت بین روسیه و آمریکا و اروپا را به دست نمی‌آوریم. در حالی که کشور ما در بازار انرژی به خصوص در بازار صادرات گاز با روسیه یک نقش کاملاً رقابتی را در سالهای گذشته می‌توانست بازی کند

رقابت بین روسیه و آمریکا و اروپا را به دست نمی‌آوریم. در حالی که کشور ما در بازار انرژی به خصوص در بازار صادرات گاز با روسیه یک نقش کاملاً رقابتی را در سالهای گذشته می‌توانست بازی کند، ولی به دلیل این نوع رابطه‌ای که شکل گرفته از به کار گرفتن این ظرفیت رقابتی باز مانده ایم و سوء مدیریت و سیاستگذاری‌های نادرست، گاز را در داخل به صورت خام مصرف می‌کنیم و ظرفیت‌های صادراتی این انرژی را از دست داده ایم. لذا این طور نیست که ما بتوانیم به زودی از چالش جنگ و اوکراین به نفع خودمان بهره برداری کنیم، اما در حوزه گاز با توجه به این که رتبه دوم منابع گازی را در اختیار داریم می‌توانیم از این ظرفیت‌ها با سرمایه اروپایی و تکنولوژی آنها بهره برداری کنیم و این به شرطی است که حوزه روابط و سیاست خارجی در ارتباط با روسیه و تنوع بخشی ارتباطات را برای خود به وجود بیاوریم. بهبود روابط با اروپا و آمریکا قطعاً به ایران کمک خواهد کرد تا از ظرفیت رقابتی خود در برابر روسیه بتواند به نفع کشور خود استفاده کند. وقتی این روابط در مذاکرات با چالش‌های غیرقابل مرتفع شدن روبه‌رو شود، امکان استفاده از این ظرفیت رقابتی هم به وجود نخواهد آمد و سود آن به روسیه تعلق خواهد گرفت. همین جا نقش روسیه در مذاکرات برجام هم قابل ملاحظه است، در حالی که این کشور می‌توانست نقش تسهیل گری را در توافق برجام ایجاد کند و برای به نتیجه رسیدن آن نیز تلاش می‌کرد، اما با توجه به جنگ اوکراین و چالش‌هایی که با اروپا و آمریکا به وجود آمد، طبیعی است که این نقش تداوم پیدا نمی‌کند. بنابراین گره زدن منابع انرژی ایران به روسیه، تامین کننده منافع ما نخواهد بود. همانطور که اشاره کردم ژئوپلیتیک ما یک روابط متوازن با شرق و غرب را الزامی می‌کند. در چنین صورتی است که می‌توانیم از اختلاف نظرهای قدرتهای شرقی و غربی به نفع خودمان بهره برداری کنیم.



صنعت انرژی دنیا در حال گذار است. اما امنیت انرژی تغییر نکرده است

بازی قدرت

📌 کونومیست

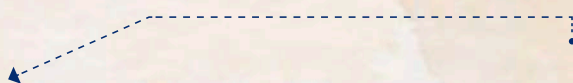
انرژی و کمودیتی‌ها نگران حکومت ولادیمیر پوتین و تهدیدی هستند که این رژیم برای دنیا ایجاد کرده است. چهار تریلیون دلار صادرات نفت و گاز در دو دهه حکمرانی او صرف ساخت تانک‌ها، اسلحه‌ها و موشک‌هایی شده است که حالا در حال کشتن اوکراینی‌ها هستند. برخورداری از منابع طبیعی به یک گروه برگزیده سوءاستفاده‌کننده این کشور اجازه داده است تا برای خود مجموعه‌ای کامل از قایق‌های تفریحی، کلوپ‌های شبانه و شرکت‌هایی خارجی داشته باشند و هر گونه اعتراضات سیاسی را خفه کنند و پوتین را دچار توهم خودبزرگ‌بینی (مگالومانیا) کنند. از آنجایی که روسیه ۱۰ تا ۲۵ درصد ذخایر نفت، گاز و زغال سنگ دنیا را در اختیار دارد، بسیاری از کشورها به ویژه اروپایی‌ها در برابر تهدیدهای وی آسیب‌پذیر هستند. برای این کشورها، جنگ در اوکراین شوک بزرگی است که آنها را وامی‌دارد به دنبال ایجاد یک سیستم انرژی جدید باشند که بیشتر به انرژی‌های حاصل از خورشید، باد و راکتورهای هسته‌ای وابسته باشد تا بر دکل‌ها و چاه‌های نفت. اما خودتان را فریب ندید که این دوران جدید این امکان را فراهم خواهند ساخت تا به آسانی بتوانند از بحران‌های انرژی و حکومت‌های اتوکرات‌هایی خواهید یافت. هفته‌ها هرج‌ومرج در بازارهای انرژی باعث شده است که مصرف‌کنندگان خسارت ببینند. قیمت بنزین برای اولین بار در لس‌آنجلس به بالای ۶ دلار در هر گالن رسید. همانطور که تحریم‌ها علیه روسیه پیش می‌رود معامله‌گران پیش‌بینی می‌کنند که اروپایی‌ها دچار کمبود دیزل خواهند شد. اگر روسیه عرضه گاز را قطع کند آلمان به دنبال این خواهد بود که گاز طبیعی را از زمستان آینده سهمیه‌بندی کند. در آسیا، وارد کنندگان نفت به دنبال این هستند که تعادلی در پرداخت‌های خود به وجود آورند. در یک بازار سخت به سختی بتوان شوک‌ها را جذب کرد. پس از حمله حوثی‌های یمن به تاسیسات نفتی عربستان سعودی و خسارتی که طوفان به یک خط لوله در دریای سیاه وارد آورد، قیمت نفت به یکباره به بشکه‌ای ۱۲۲ دلار افزایش یافت. واکنش اولیه دولت‌ها در همه جا این بود که به دنبال یافتن سوخت‌های فسیلی بیشتر باشند هرچند به قیمت آلودگی بیشتر محیط زیست تمام شود یا از دست رفتن غرورشان. با تشویق غربی‌ها، آرامکو عربستان سعودی، بزرگ‌ترین شرکت نفتی دنیا، سرمایه‌گذاری‌های خود را به سالانه ۴۹ تا ۵۰ میلیارد دلار افزایش می‌دهد. در دیگر سو دولت بایدن تملق نیکولاس مادورو، دیکتاتور ونزوئلا،

را می‌گوید تا شاید نفت بیشتری از این کشور دریافت کند که در سال ۲۰۰۵ توانسته بود ۴ درصد کل نفت دنیا را تامین کند. حالا سوالی که در طولانی مدت پرسیده می‌شود این است که: این کشورها با چه سرعتی می‌توانند به طور کلی مصرف سوخت‌های فسیلی را ممنوع کنند؟ کشورهای اتحادیه اروپا استراتژی را برای انرژی اعلام کرده‌اند که بر اساس آن تا سال ۲۰۳۰ باید از وابستگی به روسیه‌هایی یابند؛ بخشی از این رهایی از وابستگی به انرژی روسیه را با سرمایه‌گذاری بر منابع جدید گازی به دست خواهند آورد اما سرمایه‌گذاری بر انرژی‌های تجدیدپذیر را دو برابر خواهند کرد. همانطور که نابخردی وابستگی به روسیه بیشتر از هر زمانی مشخص می‌شود، حالا انرژی هسته‌ای هم برای خود طرفدارانی یافته است. فرانسه برنامه‌ریزی کرده است تا شش نیروگاه جدید [هسته‌ای] بسازد و به طور کامل «استقلال

دنبال بازیافت و ابتکارات جدیدی در این حوزه باشند. راکتورهای هسته‌ای کوچک مقیاس جدید در حال ظهور هستند. تسلا که از مواد معدنی برای تولید خودروهای برقی استفاده می‌کند، در حال طراحی باتری‌های جدید است. این شرکت با کشور کالدونیای جدید، که یک کشور در پسیفیک هست با ۲۷۷ هزار نفر جمعیت قراردادهایی دارد؛ به زودی درباره این کشور زیاد خواهیم شنید چون بزرگترین معدن نیکل دنیا در این کشور قرار دارد. باریک، یک شرکت کانادایی است، که حالا خوشحال است و برای توسعه معدن مس ۱۰ میلیارد دلاری پاکستان توافق‌نامه‌ای امضا کرده است.

📍 کابل کشی‌های باولتاژ بالا

حالا که بازار چین واکنش نشان می‌دهد، دولت‌ها باید تلاش‌های خود را دوباره کنند. از آنجایی که خودکفایی به ندرت می‌تواند گزینه مناسبی باشد، هدف این است که متنوع‌سازی منابع صورت گیرد. به این معنی که همکاری‌های جدید شکل خواهد گرفت. در سیستم ماه مارس، آلمان با قطر برای تامین گاز این کشور به مذاکره نشست. از طرفی تقویت صنایع هسته‌ای کشورهای ثروتمند موضوعی کلیدی است دست کم به این دلیل که این صنعت هر کشوری را از وابستگی به چین و روسیه حفظ می‌کند. دولت‌ها باید سرمایه‌گذاری‌های معدنی خود را بیشتر کنند. شرکت‌ها نمی‌توانند کارگران خود را به خطر اندازند اما گذار انرژی نیازمند پروژه‌های معدنی در کشورهای با ریسک بالا و با هزینه خسارت‌های اکولوژیکی است. قوانین حکمرانی در کشورهای ثروتمند باید مصالحه‌ها را در نظر بگیرند. در نهایت، دولت‌های ثروتمند باید به «الکترواستیت»‌ها کمک کنند که به عنوان مثال مدل‌های قراردادی طراحی کنند که درآمدها را به صورت منصفانه تقسیم‌بندی کنند. ایجاد یک سیستم انرژی پاک‌تر و ایمن‌تر یک مسئولیت حماسی، خطرناک و ترسناک است. اما چرا که پرچم آن افراشته شد از خود بپرسید: آیا تا حدی به روسیه آقای پوتین تکیه کرده‌اید؟



کشورهای اتحادیه اروپا استراتژی را برای انرژی اعلام کرده‌اند که بر اساس آن تا سال ۲۰۳۰ باید از وابستگی به روسیه رهایی یابند؛ بخشی از این رهایی از وابستگی به انرژی روسیه را با سرمایه‌گذاری بر منابع جدید گازی به دست خواهند آورد اما سرمایه‌گذاری بر انرژی‌های تجدیدپذیر را دو برابر خواهند کرد



انرژی» داشته باشد. در بیست و یکم مارس بریتانیا هم اعلام کرد که نسل جدید راکتورها را با «سرعتی بسیار بالا» راه‌اندازی خواهد کرد. و البته یک سیستم انرژی بازطراحی شده هم هست که قول داده است کربن کمتری منتشر کند و قرار بر این است که از بازی بزرگ کشورهای قرن بیستم در وابستگی به انرژی کشورهای استبدادی رهاشان کند.

اما هر چند مسائل ژئوپلیتیکی گذار انرژی مربوط به اقلیم را تسریع می‌کند، اما نتوانسته است این گذار را خالی از خطر کند. این گذار برخی از اقتصادها را به خطر خواهد انداخت و باعث خواهد شد که وابستگی‌های جدیدی هم به وجود آید. ما برای اینکه این وابستگی را نشان دهیم هزینه‌هایی که برای سید ۱۰ منبع انرژی طبیعی شامل نفت و زغال سنگ و نیز فلزات مورد استفاده در تولید برق و برقی سازی صنایع و حمل و نقل صرف می‌شود را شبیه‌سازی کرده‌ایم. با اجرای کربن‌زدایی جهانی تا سال ۲۰۴۰، هزینه کرد در این سید از ۵۸ درصد تولید ناخالص داخلی به ۳۴ درصد کاهش می‌یابد. هر چند در این شبیه‌سازی ما هنوز هم بیش از نیمی از این مقدار مربوط خواهد بود به حکومت‌های اتوکراسی؛ در این میان کشورهای جدید «الکترواستیت» [در مقابل پترواستیت‌های تولید کننده نفت] هم هستند که مواد مورد نیاز تولید انرژی‌های سبز همچون مس و لیتیوم را تامین می‌کنند. ده کشور اول این فهرست تولید کننده ۷۵ درصد تمام مواد معدنی ما هستند؛ به این معنی که تولید این مواد به طور خطرناکی متمرکز است.

بنابراین دو مشکل به وجود می‌آید. اولی ژئوپلیتیک کاهش بار صنایع نفتی است. درحالی که شرکت‌های غربی به دلایل زیست‌محیطی و در مقابل افزایش هزینه‌ها خود را از صنایع نفتی کنار می‌کشند، سهم بازار کشورهای عضو اوپک پلاس چون روسیه از ۴۵ درصد به ۵۷ درصد سال ۲۰۴۰ می‌رسد و به این کشورها قدرت بیشتری می‌دهد. تولید کنندگان نفتی که هزینه تولید آنها بالاست، مثلاً کشورهایی چون آنگولا و آذربایجان، باز دست دادن سهم خود دچار شوک می‌شوند. همین باعث خواهد شد که نقشه جهانی «کشورهای صادر کننده» دچار تغییرات فاحش شود. دوم، کشورهای نوظهر «الکترواستیت» حالا باید با نفرین منابع دست‌وپنجه نرم کنند. احتمالاً هزینه‌کرد بر منابع فلزی سبز در عرض دو دهه که زیرساخت‌های برقی بیشتر می‌شوند افزایش خواهد یافت. تا سال ۲۰۴۰ احتمالاً سود حاصل از این صنعت به سالی یک تریلیون دلار برسد. برخی کشورها مثل استرالیا که از این مسئله منتفع می‌شوند، زیرساخت‌های مناسب برای توسعه آن را هم دارند. اما کشورهای آسیب‌پذیری چون کنگو، گینه و مغولستان، مشکل دارند. کوهی از پولی که سرازیر این کشورها خواهد شد مشکلات اقتصادی را بیشتر کرده و اعتراضات را گسترده‌تر می‌کند. در انتخابات اخیر در شیلی و پرو، معدن کاری‌ها منبع اصلی اختلافات و اعتراضات بوده‌اند. شرکت‌های جهانی معدن نگران این هستند که اموالشان در این کشورها از بین برود. در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری‌ها باعث شده که قیمت سید فلزات سبز در سال گذشته تا ۶۴ درصد افزایش یابد. همه این عوامل با دخالت چین بدتر هم خواهد شد، چین به دنبال چنین منابعی است اما در کشورهایی که حکمرانی درست و درمانی ندارند. همانند همه کمودیتی‌ها، افزایش قیمت‌ها در نهایت به واکنش بازار منتهی خواهد شد. عرضه مشکل‌دار شرکت‌ها را مجبور خواهد کرد تا به



اقتصاد آسیب پذیر جهانی با کرونا و جنگ!

نیست و در این زمینه محوریتی نداشته و عمدتاً به فروش مواد خام و انرژی متکی است که در صورتی که به انرژی این کشور ضربه وارد شود اقتصادش به شدت به چالش کشیده خواهد شد. تحریم انرژی برای اروپا از سوی روسیه در کوتاه مدت می تواند اثرات ناگواری داشته باشد، بعد از ماجرای کرونا و همزمانی آن با جنگ روسیه و اوکراین اوضاع اقتصادی در جهان مطلوب نیست. در این برهه اعدادی که منجر به تورم در جهان شده را به این شکل در غرب شاهد هستیم که نه فقط در مورد انرژی و برق اثر گذاشته است، حتی در خصوص تامین مواد غذایی نیز شاهد تورم هایی در سالهای آینده خواهیم بود.

❑ چگونه روسیه از این تحریم ها می تواند خارج شود؟

روسیه برای اینکه از این تحریم ها خارج شود به سمت آسیای جنوب شرقی راهی را آغاز کرده که حتی گاهی با تخفیف های بسیار بالایی نفت خود را تا بشکه ای بالای ۳۰ درصد تخفیف به کشورهای این حوزه می فروشد که بتواند ارزش معتبر به دست آورد. چرا که یکی از مشکلاتی که روسیه همیشه با آن روبرو بوده زیرساخت های تولید است و مانند چین محصول ساخته شده ندارد تا به دنیا عرضه کند و عمدتاً محصولات متکی به مواد خام صادراتی است، اعم از فلزات به خصوص در انرژی و گاز.

❑ تحریم های روسیه چه تاثیری بر تامین انرژی جهان دارد؟

در خصوص این سوال دو یا سه بخش وجود دارد، بخشی از آن زغال سنگ است که اروپایی ها به دلیل آلایندهی بسیار بالایی که دارد تحریم کرده اند و دیر یا زود بر اساس اجلاس پاریس می بایست این تحریم صورت می گرفت

شرایط حاکمه بر اقتصاد انرژی جهان تحت تاثیر جنگ اوکراین و روسیه، شامل تحلیل ها و نگرش های گوناگونی است که همگی قابل تامل است گفتگوی خبرنگار دنیای انرژی با "مرتضی فیروزی" تحلیلگر روابط بین الملل را با هم مرور می کنیم.

❑ اهداف کلی روسیه از حمله به اوکراین چه می تواند باشد؟

این مسئله دلایل متعددی دارد، اما آنچه که مسلم است غرب هشدارهای لازم را در این خصوص به روسیه داده بود، از جمله سفر ماه نوامبر "ویلیام برنز" سفیر آمریکا در روسیه و ملاقات با پوتین و مشاورین ارشد وی و اعلام اینکه آمریکا از قصد روسیه برای حمله به اوکراین اطلاع دارد و از آنها خواسته شد که دست به این کار نزنند بدین منظور واقع شد، ولی متأسفانه پوتین این حمله را انجام داد و رویکرد چنین حمله ای برای او بسیار سنگین تمام شده است. خصوصاً به لحاظ شخصیت سیاسی که دیگر نمی توان از او به عنوان شخصی مثبت یاد کرد. چرا که با وجود تمام کارهای مثبتی که برای روسیه بعد از فروپاشی انجام داده و توانسته بود وضعیت نابهنجاری که بعد از ماجرای یلتسین ایجاد شده بود را سر و سامان دهد، این بار دچار اشتباه محاسباتی شد و درباره اوکراین اطلاعات غلطی دریافت کرده بود. چرا که تصور می کرد اگر در حال حاضر به اوکراین ورود کند عده زیادی به استقبال خواهند آمد و همان اشتباهی که آمریکا در مورد عراق مرتکب شد را تکرار کرد. در واقع تفکر نئوآوراسیایی که اندیشمندان افراطی روسی مطرح کرده بودند او را بیشتر تحت تاثیر قرار داده بود.

❑ آیا تحریم های غرب بر اقتصاد روسیه تاثیر خواهد گذاشت؟

یقیناً این گونه خواهد بود، اقتصاد روسیه شبیه ایتالیا بوده و اقتصاد بزرگی

دچار هیچ آسیبی نشدند اما توانستند اقتصاد خود را احیا کرده و تسلیحات عظیمی را ساخته و به فروش برسانند و نقش رهبری را در جهان غرب به عهده بگیرند. البته چینی ها از نقطه نظر مصرف انرژی با افزایش قیمت آن زیان خواهند دید، اما این زیان را در مقابل رقبای خود مثل فرانسه و آلمان که نفت را ۳۰ دلار گرانتر می خرند به نوعی خوش بینانه تلقی می کنند اما ابعاد گوناگون دارد. فراموش نکنیم که همین حالتی که روسیه با اوکراین دارد، چین شرایط حادثه و مهمتری با تایوان دارد. اگر روسیه به باتلاق اوکراین دچار شود، بلندپروازی رهبران پکن برای تصرف تایوان حتما به تاخیر می افتد. ضمن این که اقتصاد چین هم به دلیل متکی بودن به صادرات اگر مورد تحریم واقع شود بسیار آسیب پذیر تر از روسیه است.

البته اقتصاد چین قابل مقایسه با روسیه امروزی نیست چینی ها دومین قدرت اقتصادی جهان هستند و تلاش می کنند که در عین حال حالت بی طرفی بر عهده بگیرند و نمی خواهند ماه عسل سیاسی خود را با مسکو که چندی است به راه انداخته اند پایان دهند.

به نظر من این حمایت های چین محدودیتی داشته و محاسبات روابط خود را با آمریکا و اروپا نیز مد نظر دارند و مسئله قیمت انرژی که به عنوان وارد کننده نیز هستند را مدنظر داشته و از تصور اینکه نفت بشکه ای ۳۰۰ دلار گردد به شدت نگران هستند و به اقتصاد چین لطمه بزرگی وارد خواهد کرد چرا که هنوز هم عوارض کرونا تاثیرات منفی اقتصادی خود را بر پیکره اقتصاد چین گذاشته و بندر شانگهای بزرگترین مرکز اقتصادی چین در قرنطینه کامل به سر می برد و همه اینها تاثیرات منفی است که بر اقتصاد چین و جهان گذاشته است و جهان از حالت اقتصاد آسیب دیده کرونا خارج نشده بود که مسئله اوکراین به شدت آن افزوده و چین ترجیح می دهد بازار غرب را همچنان در اختیار داشته باشد و مراوده خود را با غرب با یک محدودیت خاص و حمایت کامل ادامه داده و خصوصاً در رای گیری ها نیز نظر ممتنع خود را ارائه می دهد و در کنار آن انرژی ارزان تر روسیه را مصرف می نمایند. در روزهای آینده که غرب تحریم ها را افزایش می دهد، روسیه بازار بزرگی برای چین خواهد بود و از بندر "ولادی وستوک" جنوب شرقی ترین بندر روسیه و توسط لوله می تواند انرژی روسیه را به کشور خود برساند.

در خصوص نفت در صورتیکه متحدین خاورمیانه برای افزایش تولید نفت قانع شوند و مقداری هم از سوی آمریکا تامین شود، شاید بتواند این مشکل را رفع کند. اما درباره گاز که مسئله خیلی مهمی است، تا زمانی که انرژی های پاک مثل انرژی خورشیدی و یا بادی هنوز از نظر اقتصادی توجیه ندارند و به صورت انبوه تولید نشده اند، گاز فعلاً پاک ترین انرژی در بین انرژی های فسیلی موجود در جهان است. نیروگاهی که با زغال سنگ کار می کند ۱۰ برابر نیروگاهی که با گاز کار میکند آلودگی ایجاد می کند و این امر سبب شده است که گاز اهمیت خاصی پیدا کند. در حال حاضر نیز ایران به سرعت نمی تواند جایگزین گاز روسیه در اروپا شود زیرا به دلایل عدیده میزان تولید و صادرات آن محدود است و قادر نیست این حجم از صادرات را انجام بدهد در حالی که قطر با ظرفیت کامل امکان آن را دارد.

امریکایی ها که از دیرباز به دنبال بازار اروپا بوده اند به زمان نیاز دارند تا بتوانند از طریق نفت شیل گاز خودشان را تولید کنند و به اروپا برسانند ضمن اینکه تا این زمان هنوز روسیه در شرایطی قرار نگرفته که تحریم گازی خود را آغاز کند و تمایل دارند که به عرصه صادرات گاز بازگردند ولی نه به حالت شکست خورده، چرا که از نظر روانشناسی شخصیتی پوتین ثابت شده است که وی شکست خفت بار را در هیچ شرایطی قبول نمی کند و باید دستاوردی از جنگ اوکراین به دست آورد تا آن را خاتمه دهد. از سویی غربی ها در حالی که شاهد بدنام شدن پوتین هستند و در گذر زمان دچار مشکلات عدیده ای در خصوص کمبود انرژی می باشند، تمایلی به پایان جنگ و میانجیگری ندارند. در این میان هم سازمان ملل متحد و راس آن شخص دبیر کل هیچ حرکتی برای پایان این جنگ از خود بروز نداده و منتظر آن هستند که روسیه ضعیفتر شده و بر روی صندلی مذاکره بنشینند و از این مذاکره پوئن های لازم را به دست بیاورند.

نقش محوری چین در رویارویی این جنگ چیست؟

چین تا اینجا یکی از برنده های این بحران است. ورود ۵ میلیون آواره برای اروپایی ها مشکل ایجاد کرده و در سوی دیگر آمریکایی ها هم ممکن است جزو برنده ها در بلند مدت باشند. به یاد داشته باشیم آمریکایی ها در جنگ جهانی اول و دوم نیز برنده واقعی بودند چرا که از صحنه جنگ دور بوده و



تن انواع گریدهای قیر را صادر کرده است که این مقدار کالا چیزی فراتر از ۳ میلیارد دلار برای روسیه ارز آوری داشته است. بر اساس این گزارش نسبت مقدار صادرات قیر روسیه در سال ۲۰۲۱ نسبت به سال ۲۰۱۷ از لحاظ مقدار دو برابر و از لحاظ ارزش ۳.۵ برابر افزایش یافته است.

در شرایطی که قیر روسیه در حال کشورگشایی به مناطق مختلف جهان بود، آتش جنگ، ترمز ناگهانی برای تمامی پالایشگاههای روسیه و خلا بزرگی در مقاصد صادراتی خواهد بود. با بررسی آمار می توان متوجه شد که با توجه به حجم تحریم های بین المللی باید انتظار داشت تا مشتریان قیر روسیه در بازارهایی نظیر اروپا عمدتاً شرق اروپا؛ شرق و شمال شرقی آفریقا، آمریکای لاتین، کره، ژاپن و حتی استرالیا، نیوزلند و آمریکا به دنبال تامین کننده های جدید باشند. در این میان شرایط کشورهایمانند چین و کشورهای حاشیه دریای خزر CIS کمی متفاوت تر خواهد بود، زیرا با وجود پیمان شانگهای و معاهدات منطقه ای به نظر می رسد شرایطی برای دور زدن تحریم ها برای آن کشورها وجود داشته باشد اما این شرایط برای دیگر بازارها تقریباً ممکن نیست.

شرایط جدید که پس از دو سال از گسترش کرونا باعث تعطیلی بسیاری از پروژه های عمرانی و راهسازی در کشورهای مختلف شده بود و اکنون با افزایش شدید قیمت نفت طی سه ماه اول سال ۲۰۲۲ بسیاری از این پروژه های راهسازی حتی از لحاظ بهای تمام شده غیر منطقی شده بود و مجدداً متوقف شده بود، اکنون با مشکل دیگری به نام حذف روسیه به عنوان یکی از تامین کنندگان نوظهور مواجه خواهد شد و قطعاً علاوه بر تحمیل هزینه جدید به پروژه ها در سراسر جهان، زمان تحویل پروژه ها را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد. اکنون به نظر می رسد، با هوشیاری بسیاری از پالایشگاهها در سراسر جهان، مجدداً امکان بازپس گیری سهم بازار وجود داشته باشد، اما به نظر نمی رسد این تغییر در نقشه تامین، تاثیری بسزایی برای کاهش قیمت در کشورهای مصرف کننده قیر داشته باشد.



تحریم بین المللی روسیه

و تغییر نقشه تامین قیر در جهان

احمد رضا یوسفی - شرکت پتروکیمیکشان تجارت آسیا Infinity Galaxy

حمله نظامی روسیه به اوکراین علاوه بر اثرات کوتاه مدت آن مانند افزایش شدید بهای نفت ظرف سه هفته ابتدایی حمله، اثرات بلند مدت دیگری را نیز از جمله تغییرات حوزه نفوذ ژئوپولیتیک ابرقدرتها و تغییر نقشه عرضه و تقاضا بسیاری از کالاهای اساسی مانند جو و گندم و فرآورده های نفتی مانند قیر را در بر خواهد داشت. روز ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ (مصادف با پنجم اسفندماه ۱۴۰۰) با شروع حمله نظامی روسیه به اوکراین، بهای نفت خام از مرز ۱۰۰ دلار گذشت، در حالیکه تا پایان روز ۲۲ فوریه ۲۰۲۲ بهای نفت برنت حدود ۹۶۸۴ دلار بود این قیمت تا پایان روز ۲۸ فوریه به حدود ۱۰۰۹۹ دلار رسید و پس از آن قیمت برای پنج هفته آینده بالای صد دلار باقی ماند.

پس از آغاز حمله نظامی روسیه به اوکراین شدیدترین و بیشترین تحریم های بین المللی علیه روسیه در مدت کوتاهی اعمال شد، از جمله تحریم های آمریکا و اتحادیه اروپا عبارت بودند از انواع کالاهای نظامی روسیه، ممنوعیت پرواز هواپیماهای روسیه بر آسمان آمریکا، اتحادیه اروپا، انگلستان و کانادا، کلیه کالاهای لوکس روسیه، برخی از الیگارشی های نزدیک به پوتین رئیس جمهور روسیه نیز از جمله رومن ابراهیم ویچ، همچنین صنایع نفت و گاز روسیه توسط آمریکا و تعلیق قرارداد Nord Stream ۲ و در حوزه مالی و تجاری نیز، بانک های غربی بیش از ۶۳۰ میلیارد دلار ذخایر ارزی روسیه را بلوکه کردند و همینطور برخی از بانک های روسیه از سیستم سوئیفت حذف شدند و ارتباط آنها با دنیا قطع شد، حتی بسیاری از شرکت های بین المللی از ترس فشار افکار عمومی قبل از عملیاتی شدن تحریم ها، روسیه را ترک کردند از جمله McDonald، کوکاکولا، استارباکس، گروه هتل های Marriot و بسیاری از شرکت های دیگر. از سویی کاهش شدید برابری روبل روسیه در مقابل ارزهای معتبر و بسته شدن سوئیفت بر روی بسیاری از بانک های روسیه شرایط نقل و انتقال مالی روسیه با جهان را سخت تر و آینده سختی را پیش روی تجارت بین الملل روسیه خواهد گذاشت.

در این میان یکی از کالاهایی که در این گزارش مورد بررسی قرار خواهد گرفت صادرات انواع گریدهای قیر روسیه به کشورهای مختلف است: بر اساس گزارش ITC وابسته سازمان ملل متحد؛ کشور روسیه در طول ۵ سال یعنی از سال ۲۰۱۷ تا انتهای سال ۲۰۲۱ جمعاً چیزی حدود ۱۴۰۷۵۷۰۹۱۰

و کار قیر از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد به نحوی که می توان این محصول را به عنوان یکی از عوامل کلیدی موفقیت (Critical Success Factor) شرکت های برتر این صنعت دانست به گونه ای که بر خلاف برخی صنایع فرایند محور و تولید محور، شرکت هایی در صنعت قیر موفق خواهند بود که بتوانند مواد اولیه (وکیوم باتوم) را به میزان کافی و با قیمت بهینه و در بهترین زمان تهیه نمایند؛ لذا می توان گفت در کسب و کار قیر، تامین مواد اولیه و فروش مساله اصلی کسب و کار می باشد و نه تولید و فرایندهای تولیدی.

علیرغم این موضوع، یکی از این نقایص کلیدی صنعت قیر، عدم وجود اطلاعات شفاف از میزان دقیق تولید وکیوم باتوم کشور می باشد که بخشی از آن توسط پالایشگاه ها در بورس کالا عرضه می گردد و بخشی دیگر در

بررسی دقیق و کامل شرایط بازار قیر ایران در سال ۱۴۰۰ نیازمند وجود آمار و داده های مستند و قابل اتکا از میزان تولید وکیوم باتوم، تولید قیر، صادرات و مصرف داخلی می باشد لیکن متأسفانه عدم وجود این اطلاعات، همواره به عنوان یکی از نقاط ضعف صنعت قیر بوده و این امر باعث شده در مواقع نیاز به اتخاذ تصمیمات کلیدی مرتبط با این صنعت، تصمیم گیران صرفاً به برخی آمارهای تقریبی و برآوردی که برگرفته از حدسیات و گمانه زنی ها می باشد اتکا نمایند. در این بررسی سعی شده بر اساس اطلاعات موجود در بورس کالای ایران، سایت کدال و سایر منابع در دسترس، موارد تحلیل و ارائه گردد.

وکیوم باتوم (ماده اولیه تولید قیر):

وکیوم باتوم به عنوان ماده اولیه و خوراک کارخانه های تولید قیر، در کسب

بازار قیر ایران در سال ۱۴۰۰

محسن ورزشکار



کالا، تجميع عرضه های خط لوله و تانکری و همچنین انجام عرضه به روش حراج باز بوده است که این دو عامل نیز اثراتی را بر افزایش میزان رقابت در عرضه های و کیوم باتوم داشته اند.

قیمتهای رقابتی و کیوم باتوم در بورس کالای ایران که منجر به فروش و کیوم باتوم به قیمتهایی بالاتر از قیمت پایه تعیین شده از طرف انجمن صنفی پالایشگاهها بوده، از یک طرف منجر به افزایش قیمتهای قیر در بازار داخلی و همچنین صادراتی گردیده و از سویی دیگر متضمن سود مضاعفی برای پالایشگاهها گردید. نکته قابل توجه دیگر در حوزه عرضه و کیوم باتوم پالایشگاههای کشور، معامله بیش از ۹۵ درصد از مجموع و کیوم باتوم عرضه شده می باشد در حالیکه این نسبت در سال گذشته بالغ بر ۹۳ درصد بوده است.

معاملات قیر:

بر اساس آمار موجود در سایت بورس کالای ایران، در سال ۱۴۰۰ مجموعاً ۴۹۰۲۹۲۱ تن قیر در بورس کالا ایران عرضه شده که نسبت به سال ۱۳۹۹ حدود ۱۰ درصد کاهش داشته است. از مجموع عرضه های قیر سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۴ درصد آن در بخش داخلی و حدود ۹۶ درصد از آن در رینگ صادراتی بوده است. در مجموع معاملات بورس کالای ایران شرکت پالایش نفت جی بیشترین سهم از بازار را در اختیار داشته و به لحاظ میزان تولید و فروش در سال ۱۴۰۰ بزرگترین تولیدکننده قیر ایران بوده است. پس از شرکت نفت جی، شرکت پاسارگاد با افت فروش نسب به سال گذشته مواجه شده و فروش این شرکت به کمتر از یک میلیون تن رسیده است.

در بازار داخلی شرکت نفت جی بیشترین میزان فروش را داشته و پس از این شرکت، پاسارگاد با کاهش فروش نسبت به سال گذشته در جایگاه دوم قرار دارد. در حوزه صادرات قیر؛ متاسفانه گمرک جمهوری اسلامی

میزان پیش فروش ۷۵٪ داخلی پالایشگاهها در سال های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰			
میزان پیش فروش ۷۵٪ داخلی (تن)			
پالایشگاه	سال ۹۹	سال ۱۴۰۰	تغییر نسبت به مدت مشابه سال ۹۹
پالایش نفت بندرعباس	۱,۹۸۰,۵۰۰	۱,۵۹۰,۲۰۰	-۳۰٪
پالایش نفت اصفهان	۱,۸۴۰,۰۰۰	۱,۶۷۵,۰۰۰	-۹٪
پالایش نفت تهران	۱,۰۴۷,۱۹۰	۶۷۲,۷۰۰	-۳۵٪
پالایش نفت امام خمینی شازند	۲۷۱,۷۵۰	۵۱۹,۹۰۰	۹۱٪
پالایش نفت آبادان	۴۵۰,۱۵۰	۴۱۵,۵۰۰	-۸٪
پالایش نفت تبریز	۳۶۳,۱۲۰	۳۰۵,۸۴۰	-۱۶٪
پالایش نفت شیراز	۳۵۵,۵۵۰	۳۲۵,۵۵۰	-۸٪
مجموع	۶,۳۰۸,۲۶۰	۵,۵۰۴,۶۹۰	-۱۳٪

قالب قانون قیر تهاتری به ارگانها و نهادهای ذیربط تخصیص داده می شود. شایان ذکر است از آنجاکه بخشی از و کیوم باتوم تولیدی پالایشگاهها در تولید نفت کوره مورد استفاده قرار می گیرد لذا سیاستهای وزارت نفت و شرکت پالایش و پخش فراورده های نفتی در زمینه میزان تخصیص و کیوم باتوم به تولید نفت کوره نیز می تواند بر میزان عرضه و کیوم باتوم پالایشگاهها اثرگذار باشد به گونه ای که در سال ۱۴۰۰ با توجه به شرایط جوی و مشکلات تولید گاز، در مقاطعی از سال جهت گیری پالایشگاهها به تولید نفت کوره معطوف گردید. خوشبختانه با وجود بانک اطلاعاتی بورس کالا، میزان معاملات و کیوم باتوم پالایشگاههای کشور قابل احصاء می باشد که آمارها بازگوکننده کاهش ۱۳ درصدی حجم و کیوم باتوم معامله شده در بورس کالا نسبت به سال گذشته می باشد به گونه ای که ۶,۳۰۸,۰۰۰ تن و کیوم باتوم معامله شده در سال ۱۳۹۹ با کاهش ۸۰۰,۰۰۰ تنی به ۵,۵۰۸,۰۰۰ تن تقلیل یافته است. پالایشگاه تهران با افت ۳۶ درصدی و پس از آن پالایشگاه بندر عباس با کاهش ۲۰ درصدی میزان و کیوم باتوم معامله شده در بورس کالا، بیشترین سهم از این کاهش میزان و کیوم باتوم را داشته اند.

البته شایان ذکر است که با اجرای قانون قیر تهاتری از اوایل نیمه دوم سال ۱۴۰۰، پالایشگاهها ملزم به تحویل و کیوم باتوم مطابق با درصدهای تعیین شده در قانون بودجه، به ارگانهای ذیربط گردیدند لیکن آمار دقیقی از میزان و کیوم باتومی که بطور واقعی به ارگانها تخصیص پیدا کرده و از طرف ارگانها به شرکتهای قیر ساز منتقل شده و تبدیل به قیر گردیده وجود ندارد به نحوی که به دلیل عدم وجود شرایط و امکانات لازم در پروژه ها و زیرساختهای مورد نیاز، هنوز بخش زیادی از و کیوم باتوم تخصیص داده شده به دستگاهها، تبدیل به قیر نگردیده است و در مخازن پالایشگاهها یا شرکتهای قیر ساز نگهداری می شود.

قابل توجه اینکه یکی از دلایل اصلی افزایش میزان رقابتها در عرضه های و کیوم باتوم بورس کالای ایران نیز کاهش عرضه و کیوم باتوم توسط پالایشگاهها می باشد به نحوی که علیرغم روند سالهای گذشته، به دلیل کاهش میزان عرضه، حتی در زمانهای افت تقاضای قیر، عرضه و کیوم با رقابت مواجه می گردید. از موارد قابل ذکر دیگر در معاملات و کیوم باتوم سال ۱۴۰۰ بورس

شرکتهایی در صنعت قیر موفق خواهند بود که بتوانند مواد اولیه (و کیوم باتوم) را به میزان کافی و با قیمت بهینه و در بهترین زمان تهیه نمایند؛ لذا می توان گفت در کسب و کار قیر، تأمین مواد اولیه و فروش مساله اصلی کسب و کار می باشد و نه تولید و فرایندهای تولیدی

مصرف کننده نهایی در مقاصد صادراتی در اختیار صادرکنندگان ایرانی قرار نگرفته و تعداد محدودی از واسطه های خارجی از آن بهره مند می شوند. در حوزه بازار ترکیه نیز که همواره در سنوات گذشته به عنوان یکی از مقاصد اصلی صادراتی تولیدکنندگان منطقه آذربایجان بوده است به دلیل ممنوعیت واردات و ترانزیت قیر ایران از طرف کشور ترکیه، صادرکنندگان و تولیدکنندگان این منطقه را با مشکلاتی مواجه نموده است لیکن ترانزیت قیر عراق به ترکیه توسط برخی از فعالین بازار قیر این منطقه در حال انجام می باشد.

حضور قیر های عراقی در بازار ایران و صادرات آن از مرزهای ایران نیز در مقاطعی، قیمتهای صادراتی قیر ایران را با چالش مواجه نموده است به نحوی که رسمیت یافتن این نوع قیر در کنار قیر های تولیدی ایران، انتخاب مضاعفی را برای خریداران قیر از بازار قیر ایران فراهم نموده است.

❑ قیر تهاتری:

علیرغم همه نظرات موافق و مخالفی که در خصوص قانون قیر تهاتری وجود داشت در نهایت این بخش در بودجه سال ۱۴۰۰ قرار گرفت و به دلیل تاخیر در تدوین آیین نامه های اجرایی و همچنین چند مرحله تغییر در روشهای اجرایی مربوطه از نیمه دوم سال ۱۴۰۰ اجرایی شد. قانون قیر تهاتری به شرط رفع نقایص عملیاتی و اجرایی و همچنین اعمال نظارت های کافی از سوی دستگاههای ذیربط می تواند بخشی از مشکلات تامین قیر پروژه های عمرانی کشور را مرتفع سازد لیکن در صورت عدم توجه کافی به نحوه تخصیص و کیوم باتوم به ارگانها و همچنین ساز و کار تحویل و کیوم باتوم ارگانها به شرکت های قیر ساز و ایضا چگونگی تحویل قیر به پروژه ها و نظارت بر اجرای آن می تواند زمینه ساز برخی انحرافات از اهداف تعیین شده گردد.

قابل توجه اینکه الزام پالایشگاهها به تحویل و کیوم باتوم به نهادها در قالب قانون قیر تهاتری را نیز می توان به عنوان یکی از دلایل کاهش عرضه و کیوم باتوم پالایشگاهها و به تبع آن افزایش رقابت و افزایش قیمت ها دانست. در پایان به نظر می رسد بازار قیر در سال ۱۴۰۱ با توجه به شرایط بین المللی و داخلی تحت تاثیر موارد ذیل قرار داشته باشد:

❑ تخصیص بخش باقیمانده قیر از قانون قیر تهاتری سال ۱۴۰۰ و اجرای این بخش از قانون در بودجه سال ۱۴۰۱

❑ الزام صادرکنندگان قیر به فروش ارز در سامانه نیما و عدم امکان استفاده از سایر روشهای رفع تعهد ارزی

❑ افزایش میزان تقاضای بازارهای صادراتی متأثر از رفع اغلب محدودیتهای کرونایی در بازارهای هدف

❑ ادامه روند تغییر مدل صادرات قیر ایران از بشکه به فله

❑ کمبود تقاضا نسبت به عرضه در بازار و کیوم باتوم

❑ تغییرات نرخ ارز متأثر از نتیجه مذاکرات سیاسی

❑ قیمت نفت خام و به تبع آن قیمت نفت کوره متأثر از تحولات بین المللی

ایران به دلیل برخی ملاحظات، مدتی است که آمار صادرات قیر کشور را منتشر نمی نماید لذا تنها مرجع قابل اعتنا جهت برآورد میزان صادرات قیر کشور، اطلاعات درج شده در بورس کالا می باشد. از آنجا که صادرات قیر منوط به عرضه در رینگ صادراتی بورس کالا می باشد لذا تولیدکنندگان و صادرکنندگان ملزم به عرضه در این نهاد معاملاتی می باشند لیکن به دلیل برخی از انحرافات موجود در این فرایند نظیر خرید قیر عرضه شده در بورس توسط همان شرکت (البته با نام و نشانی دیگر)، لذا مقادیر صادرات قیر درج شده در این سایت، آمار قابل اتکایی نمی باشد. همچنین به لحاظ قیمتی نیز به دلیل الزام به معامله و قرارداد بصورت ریالی به دلیل عدم وجود ساز و کار لازم جهت بهره گیری از ارزهای خارجی در اتاق پایاپای بورس کالا، قیمتهای ارائه شده نیز معتبر نمی باشد و برآوردهای اعلام شده از قیمت قیر صادراتی ایران، صرفا شنیده های بازار می باشد.

بنا بر اطلاعات موجود شرکت نفت جی، ۲۳ درصد از سهم بازار صادراتی را در اختیار داشته و بزرگترین صادر کننده قیر ایران در سال ۱۴۰۰ بوده و شرکت پاسارگاد علیرغم کاهش ۸۰۰۰ تنی فروش صادراتی نسبت به سال ۱۳۹۹، بالغ بر ۲۰ درصد از سهم بازار صادراتی را به خود اختصاص داده و سهم سایر شرکتهای خصوصی از کل بازار صادراتی حدود ۵۷ درصد بوده است. یکی دیگر از نکات قابل توجه در زمینه صادرات قیر، افزایش حجم صادرات قیر فله ایران نسبت به بشکه در سال ۱۴۰۰ از بندر عباس می باشد به نحوی که بر اساس اطلاعات موجود، بالغ بر ۱۶۰۰۰۰۰ تن قیر فله از بندر عباس به مقاصد صادراتی ارسال گردیده است.

شایان ذکر است به دلیل عدم برخورداری کشور از ناوگان لجستیک حمل فله قیر، متأسفانه بخش عمده ای از سود حاصل از فروش قیر فله به

آمار عرضه و معاملات VB پالایشگاه ها - تجمعی ۱۴۰۰



سال	میزان عرضه	میزان معامله	درصد
۱۴۰۰	۵,۵۰۴,۶۹۰	۵,۲۶۳,۸۰۰	۹۵.۳٪
۱۳۹۹	۶,۷۸۱,۱۰۰	۶,۳۰۸,۲۶۰	۹۲.۹٪



موسسه خیریه قلب سفید

Ghalb Sefid Charity Institute

حامی کودکان کار و بانوان سرپرست خانواده

قلب سفید خانه ای
برای رشد و توانمندی
برای کودکی کودکان

تلفن: ۰۲۱-۶۶۸۰۵۶۷۳ همراه: ۰۹۱۲۱۳۴۸۰۰۵

شماره کارت: ۵۳۸۲-۹۰۳۳-۹۰۱۹-۶۹۱۹-۶۰۳۷

اینستاگرام: Ghalb.sefid.charity

www.Ghalbsefid.ir



روان گستر تات

**Synthetic
Motor Oil**



تلفن: ۰۲۸۵۸۴۳۴۳۵۹ - ۰۹۲۲۶۹۴۹۲۱۲ (واتس آپ) - ۰۹۱۳۲۹۱۲۲۵۸
کارخانه: قزوین، بویین زهرا خیابان چرمسازی، کوچه آجر و سفال فتح
اولین شرکت سمت راست، شرکت روان گستر تات
ravangostartat97@yahoo.com

تولید روغن پایه، روغن موتور، انواع روغن صنعتی تصفیه مجدد
روغن دنده تصفیه مجدد، روغن هیدرولیک تصفیه مجدد
سوخت تقطیری، هیدروکربن های سبک و سنگین، انواع گریس
(پایه کلسیم، سدیم، سیلیسیم و بنتون) و تینر روغنی
صادرات روغن به هند، عراق، امارات، افغانستان و کشور آفریقا



RAVANGOSTARTAT

ناترازی تولید و مصرف بنزین وزنگ خطر واردات

مریم میخانک بابایی - دنیای انرژی

فروردین ۱۴۰۱ افزایش سرسام آور مصرف بنزین به دلیل مسافرت های نوروزی، نگرانی ناترازی مصرف و تولید بنزین را بیش از گذشته نشان داد. البته در اسفند ۱۴۰۰ پیش بینی افزایش مصرف بنزین وجود داشت؛ اما رشد ۳۰ درصدی مصرف بنزین در ایام نوروز نیز غیرقابل تصور بود. در نوروز امسال موج سفری های نوروزی به دلیل کاهش محدودیت های کرونایی و ضعیف بودن سویه جدید، بالا گرفت و این جابه جایی ها فشار مضاعفی بر مصرف بنزین به بار آورد. اینکه میزان مصرف باید مدیریت شود هم نکته حائز اهمیتی است؛ اما نگرانی ها از تداوم این افزایش رویه مصرف بنزین آن هم با شروع سفرهای تابستانی ۱۴۰۱ و تراز منفی تولید و مصرف وجود دارد. جنس این نگرانی ها بیشتر از آن دسته است که در صورت تراز منفی تولید و مصرف چاره ای جز واردات بنزین و بازگشت به سال های گذشته نباشد که در آن صورت مشکلات واردات بنزین و نیاز به بازارهای دنیا تبعات و موضوعات خود را به دنبال دارد. میزان تولید روزانه بنزین از مجموع پالایشگاه های کشور به طور میانگین ۱۰۷ میلیون لیتر است و این رقم گاهی اوقات به ۱۱۰ میلیون لیتر هم رسیده است. با آگاهی از رقم تولید می توان یک بررسی اجمالی از میزان مصرف بنزین در ایام ۲۰ روزه نوروز ۱۴۰۱ که تاریخ پربارترین مصرف بنزین است ارائه داد. بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی، از روز یکم تا سیزدهم فروردین ماه سال جاری (۱۴۰۱) به صورت میانگین ۱۰۷ میلیون و ۷۰۰ هزار لیتر بنزین در کشور توزیع شده است. به طوری که میانگین روزانه مصرف بنزین کشور در ایام نوروز ۱۴۰۱ (یکم تا سیزدهم فروردین ماه) در مقایسه با مدت مشابه ۱۴۰۰ با ۸۳.۴ میلیون لیتر بنزین حاکی از رشد ۲۹.۳ درصدی مصرف بنزین کشور در ایام نوروز امسال دارد.

همچنین میزان مصرف بنزین کشور در بازه زمانی ۱۸ روزه تعطیلات نوروزی (۲۵ اسفند ماه سال ۱۴۰۰ تا سیزدهم فروردین ماه ۱۴۰۱) ۱۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار لیتر بوده است که این عدد در مقایسه با مدت مشابه پارسال (۲۵ اسفند ۱۳۹۹ تا ۱۳ فروردین ۱۴۰۰) با ۸۸ میلیون و ۶۰۰ هزار لیتر، ۲۷ درصد افزایش یافته است. اوج مصرف روزانه بنزین و رکوردی تازه در ۲۸ اسفند ماه ۱۴۰۰ در حدود ۱۳۱ میلیون لیتر بوده است و در ۱۲ فروردین ماه ۱۴۰۱ رقم قابل توجه دیگری از سوی مصرف بنزین یعنی ۱۲۱ میلیون و ۳۰۰ هزار لیتر رقم خورده است. افزایش مصرف روزانه بیش از ۲۵ میلیون لیتر بنزین هشداری به تولید و مصرف سوخت در کشور است. گفته می شود که میزان تولید بنزین فعلی با میزان جمعیت موجود فعلا مشکل کمبود بنزین را نشان نمی دهد و این میزان برای این شکل مصرف بی رویه هم حتی کفایت می کند اما اگر مصرف از یک سو کنترل نشود

و از سوی دیگر به فوریت تدابیری برای افزایش تولید فراهم نگردد نگرانی واردات بنزین خودنمایی می کند. با روند فزاینده مصرف، فارغ از مصرف در ایام نوروز ۱۴۰۱، تولید روزانه بنزین هم با توجه به ظرفیت پالایشگاه ها افزایش یافته است به طوری که این میزان هم اکنون به ۱۰۵ و یا ۱۱۰ میلیون لیتر در روز رسیده است در حالی که میزان مصرف به صورت میانگین در دو ماه گذشته حدود ۹۰ میلیون لیتر در روز بوده است. این موضوع نشان می دهد فاصله چندانی بین مقدار تولید و مصرف این سوخت باقی نمانده است. از سوی دیگر این میزان تولید شاید برای ایام کرونا با قرنطیه های مقطعی و پیک های متعدد



با این تحلیل ساده به این واقعیت می‌رسیم که باید بیش از پیش بینی‌ها نسبت به افزایش ظرفیت تولید گام برداشت و به نظر خیلی زمان برای جبران این ناترازی نیست مگر اینکه با اقدامات میان مدت بتوان مصرف را کنترل کرد که به تجربه نشان داده است حتی افزایش قیمت بنزین هم خیلی نتوانسته است میزان مصرف بنزین را جبران کند. آخرین پیش‌بینی افزایش مصرفی که مسئولین ارائه داده اند سال ۱۴۰۵ مصرف ۱۱۷ میلیون لیتر بنزین در روز است و گفته شده است این رقم در ۱۴۱۰ به روزانه ۱۳۴ میلیون لیتر می‌رسد. اما با توجه به رکورد مصرف و کاهش محدودیت‌های کرونایی و پیش‌بینی وزیر نفت مبنی بر مصرف ۱۲۰ میلیون لیتر در روز خیلی به پیش‌بینی مصرف سال ۱۴۰۵ فاصله ای نداریم و باز این تحلیل وجود دارد که باید نسبت به افزایش ظرفیت و سرمایه‌گذاری و افزایش توان تولید سوخت در کشور اقدام کنیم. توسعه نامتوازن در صنایع پالایشی حوزه نفت خام در سال‌های گذشته، می‌تواند با مصرف افسارگسیخته، شرایط را برای واردات بنزین آماده کند.

❑ سرمایه‌گذاری در تولید بنزین و مدیریت مصرف

اگر به آمار پالایشی واحدهای موجود در کشور از گذشته تاکنون نگاه کنیم می‌توانیم ببینیم که روند پالایشی از سال ۱۲۹۱ با تأسیس پالایشگاه آبادان کلید می‌خورد و با گسترش واحدهای مربوط، صنعت پالایش بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ نخستین گام خود را برای ظرفیتی حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز برمی‌دارد و حرکتی صعودی را آغاز می‌کند. در ادامه این روند نمودار ظرفیت پالایش فرآورده‌های نفتی در سال ۱۳۶۰ و هم‌زمان با جنگ تحمیلی از یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه روندی نزولی را طی می‌کند و به مرز ۶۰۰ هزار بشکه می‌رسد، اما با اقدام‌های شبانه‌روزی و مجاهدت‌های فراوان در پالایشگاه‌هایی که آماج بمب‌های بعضی‌ها قرار گرفته بودند آغاز به احیای ظرفیت پالایشی می‌شود و سرانجام نقطه عطف تاریخ پالایش کشور به ظرفیت پالایش روزانه ۲ میلیون و ۱۸۴ هزار بشکه می‌رسد.

اما درباره سبد محصولات پالایشگاه‌ها نیز باید اذعان کرد در سال ۱۳۵۷، تولید بنزین ۱۳ درصد و نفت‌گاز ۲۲ درصد را به خود اختصاص داده بود که در سال ۷۶ بنزین به ۱۴ درصد و نفت‌گاز به ۲۸ درصد می‌رسد و در سال ۹۱ بنزین در مرز ۱۷ درصد و نفت‌گاز در خط ۳۳ درصد متوقف می‌شود. این در حالی است که آمار تولید بنزین و نفت‌گاز در سال ۹۹ به ترتیب که روی ۹۳ و ۱۰۳ میلیون لیتر در روز مانور می‌دهد در ۶ ماه نخست سال ۱۴۰۰ به ۹۵ و ۱۰۴ میلیون لیتر در روز می‌رسد. در بخش کیفی‌سازی نیز درصد بنزین و نفت‌گاز یورو با رشدی فزاینده نسبت به سال ۹۱ به ترتیب ۳۶ و ۳۹ درصد تولید فرآورده‌های یادشده را شامل می‌شوند. با روند فزاینده مصرف، تولید روزانه بنزین هم‌اکنون به ۱۰۵ تا ۱۱۰ میلیون لیتر در روز رسیده، این

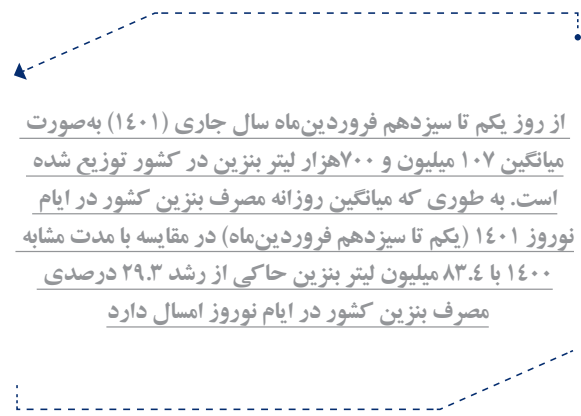
باید نسبت به افزایش ظرفیت و سرمایه‌گذاری و افزایش توان تولید سوخت در کشور اقدام کنیم. توسعه نامتوازن در صنایع پالایشی حوزه نفت خام در سال‌های گذشته، می‌تواند با مصرف افسارگسیخته، شرایط را برای واردات بنزین آماده کند

کفایت می‌کرد زیرا مصرف قابل توجهی را رقم نمی‌زد اما احتمال برداشته شدن محدودیت‌ها و آسودگی خیال، این مصرف را بیش از پیش افزایش می‌دهد و پیش‌بینی مصرف را هم بیش از این رقم نشانه می‌رود که البته بنا بر اظهارات اخیر اوجی وزیر نفت که اگر کرونا نبود در شرایط فعلی روزانه ۱۲۰ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌شد. به عبارتی مصرفی که به طور میانگین ۹۰ میلیون لیتر در روز است با پیش‌بینی‌های وزیر به ۱۲۰ میلیون لیتر می‌رسید. به عبارت واضح‌تر ۱۲۰ میلیون لیتر مصرف در مقابل ۱۱۰ میلیون لیتر نهایت ظرفیت تولید بنزین در کشور است.

پالایشگاه‌های کنونی و همچنین ایجاد ظرفیت پالایشی جدید با ساخت پترو پالایشگاه‌ها را در برنامه دارد.

با توجه به اینکه در چند سال گذشته با افزایش تولید بنزین، ایران توانست در حوزه صادرات این محصول جزو صادرکنندگان آن در منطقه و دنیا به حساب آید اما همواره این نکته مورد توجه است که صادرات هر نوع محصولی در صورت اشباع بازار داخلی آن امکان پذیر خواهد بود و اگر میزان مصرف به قدری باشد که فقط با تولید برابری کند این نشان می دهد ما در حوزه صادرات بنزین مسیر عکس را طی خواهیم کرد. در حال حاضر صادرات بنزین ارقام ۳ هزار میلیارد دلاری را رقم می زند که گفته می شود اگر همین میزان مصرف بدون مدیریت تداوم یابد و تولیدی هم جایگزین نشود تراز تجاری بنزین کشور منفی این رقم خواهد شد و اگر مصرف هم بر تولید پیشی بگیرد موضوع تبعات منفی واردات را در پی خواهد داشت؛ مگر اینکه دولت جدید راهکارهایی را بر افزایش تولید دنبال کند که یکی از آن راهکارها تداوم طرح ایجاد پالایشگاه سازی است. شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی ایران، طرح پتروپالایشگاه ۳۰۰ هزار بشکه ای شهید سلیمانی را تدوین کرده است. این طرح از جمله ۱۳ طرح پالایشگاه سازی دولت سیزدهم است که برای جلوگیری از بحران کمبود بنزین دنبال می شوند. بنابر گفته ها سیاستگذاری جدید وزارت نفت، احداث پالایشگاه توسط دولت است تا سرعت بیشتری می گیرد. جلیل سالاری مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی درباره فلسفه تدوین احداث پتروپالایشگاه معتقد است که بر اساس تجربه تاریخی در احداث پتروپالایشگاه تقریباً تمام طرح هایی که به سرانجام رسیده اند، آنهایی بودند که با حمایت ویژه وزارت نفت و دولت همراه شدند. بنابراین بناست ضمن حمایت از بخش خصوصی برای احداث پتروپالایشگاه ها، خود وزارت نفت نیز به صورت موازی طرحی برای احداث یک پتروپالایشگاه تصویب و اجرا کند که طرح پتروپالایشگاه ۳۰۰ هزار بشکه ای شهید سلیمانی از آن دسته طرح های مورد توجه وزارت نفت است.

در طرح اولیه این پتروپالایشگاه ۳۰۰ هزار بشکه ای نفت خام به طور تقریبی ۴۹۶۰ تن در روز تولید بنزین، ۱۷۳۰ تن گاز مایع و ۱۱۳۳۳ تن نفت گاز و محصولات دیگری تولید خواهد شد تا جبران میزان سوخت مورد نیاز در کشور باشد. این پتروپالایشگاه در دو فاز پالایشی و پتروشیمی تعریف شده است که بنابر برآوردها مرحله نخست آن در نیمه دوم ۱۴۰۵ و فاز دوم آن در نیمه دوم ۱۴۰۶ به بهره برداری خواهد رسید. با این وجود طرح های پالایشی دیگری هم از دولت قبل به جا مانده است و قرار است در این دولت پیگیری شوند که این طرح ها عبارتند از طرح پالایشگاه ۱۸۰ هزار بشکه ای خوزستان که عملیات اجرایی آن از ۱۴۰۱ آغاز می شود. طرح پالایشگاه ۱۵۰ هزار بشکه ای آناهیتا که یکی از پروژه های هفت خواهران پالایشی در دولت نهم و دهم بوده است که در دولت تدبیر و امید متوقف شد و دوباره در دستور



از روز یکم تا سیزدهم فروردین ماه سال جاری (۱۴۰۱) به صورت میانگین ۱۰۷ میلیون و ۷۰۰ هزار لیتر بنزین در کشور توزیع شده است. به طوری که میانگین روزانه مصرف بنزین کشور در ایام نوروز ۱۴۰۱ (یکم تا سیزدهم فروردین ماه) در مقایسه با مدت مشابه ۱۴۰۰ ۸۳.۴ میلیون لیتر بنزین حاکی از رشد ۲۹.۳ درصدی مصرف بنزین کشور در ایام نوروز امسال دارد

در حالی است که میزان مصرف به صورت میانگین در دو ماه گذشته به حدود ۹۰ میلیون لیتر در روز رسیده است. اما موضوع اصلی بحث ما رسیدن تولید و مصرف به یک نقطه سر به سر است. البته خودروهای بی کیفیت ایرانی با میزان مصرف سوخت بالایی که دارند از یک سو و یا وجود خودروهای فرسوده و کارکرده در کشور مزید علتی بر افزایش مصرف سوخت در کشور هستند که اینها خود توجه ویژه در مدیریت مصرف می طلبند که باید مورد توجه قرار گیرند.

اما افزایش ظرفیت و توسعه پالایشگاهی طی این سال ها نیز موضوع مغفول مانده در سرمایه گذاری هاست. با روی کار آمدن دولت جدید اولین موضوع مورد توجه افزایش ظرفیت پالایشی است. گفته می شود که در اسناد بالادستی کشورمانند سیاست های کلی نظام در بخش انرژی، بر جایگزینی صادرات فراورده های نفت، گاز و پتروشیمی به جای صادرات نفت خام و گاز طبیعی تاکید شده است. همچنین در بند ۱۵ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، بر افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت، گاز و افزایش صادرات فراورده های نفتی تاکید شده است. اما در عمل تغییری در میزان دریافت خوراک نفت خام در پالایشگاه های کشور در دولت دوازدهم رخ نداده است. پیش بینی وزیر نفت بر افزایش ظرفیت پالایش نفت و میعانات گازی در دولت سیزدهم به گونه ای مطرح می شود که قرار است که ظرفیت پالایشی کشور در ۴ سال آینده حدود یک و نیم برابر افزایش پیدا کند و تولید فعلی ۲.۲ میلیون بشکه در روز به سه و نیم میلیون بشکه در روز برسد. دولت سیزدهم دو برنامه ارتقای کمی و کیفی

تجاری بنزین ظرف یکی دو سال آینده منفی خواهد شد که به نظر این هجوم مصرف زمان را کمتر هم نشان می دهد. بهینه سازی مصرف نیز یکی دیگر از اهرم های اساسی در مدیریت رویارویی تلاقی تولید و مصرف بنزین است. بنابراین باید بهینه سازی مصرف انرژی را در اولویت امور قرارداد. در حوزه وزارت نفت سعی شده است مکانیزم هایی برای تغییر در مصرف عملیاتی شود. به عنوان مثال در چرخه حمل و نقل و سوخت، بر شبکه خطوط تمرکز شده تا جا به جایی جاده ای کاهش یابد و تبعات زیست محیطی نیز کمتر شود. جوان سازی ناوگان خودرویی هرچند هنوز در قالب طرح است و در انتظار تامین اعتبار است اما بارقه امیدی است که روزانه ۴ الی ۵ میلیون لیتر مصرف سوخت را کاهش دهد. در غیر این صورت هر یکی دو سال باید پالایشگاه جدیدی ساخته شود تا کلیه نفت خام تولیدی به جای صادرات وارد چرخه حمل و نقل شود. تکالیفی در قوانین هوای پاک در حوزه ساخت خودرو مطرح شده است که در صورت اجرا علاوه بر کاهش آلاینده ها به کاهش مصرف هم کمک می کند. جایگزینی دیگر سوخت ها در چرخه حمل و نقل همانند CNG نیز می تواند کارکرد معادل مصرف بنزین را در پی داشته باشد که البته این موضوع نیز اخیرا توسط رئیس انجمن CNG مورد انتقاد قرار گرفت که این صنعت در شرایط نامطلوبی قرار دارد و اگر این صنعت توسعه نیابد دیگر انتظاری نباید داشت که در مصرف بنزین صرفه جویی شود و شاید مجبور به واردات سالانه ۸ میلیارد دلار بنزین شویم. رقم ۸ میلیارد به گونه ای محاسبه می شود که اگر در حال حاضر برای هر لیتر بنزین قیمتی معادل ۹۰ سنت محاسبه کنیم و آن را در ۳۶۵ روز سال ضرب کنیم به عدد بزرگی معادل ۸ میلیارد دلار خواهیم رسید که برای کشور بسیار سنگین است و این اتفاق در حالی خواهد افتاد که به توسعه صنعت CNG بی توجه باشیم. سیاستگذاری ها در راستای تقویت توان داخل ربطی به مسائل تحریم و فشارهای خارجی ندارد. چون نفت به عنوان ماده اولیه برای تولید بنزین مهیاست و این نعمت خدادادی حداقل تا چند دهه آینده نیز فراهم است؛ تنها طرح های توسعه ای در تولید بنزین برای مصرف و افزایش صادرات است که باید مورد توجه قرار گیرد تا علاوه بر نیاز مصرف داخلی، درآمد ارزی هم حاصل شود. از دیگر سو مدیریت مصرف هم که قطعا با شعار و بخشنامه قابلیت اصلاح ندارد بلکه آن نیز با یک ضمانت اجرا باید عملیاتی شود تا حداقل میزان مصرف غیرقابل پیش بینی بنزین در نوروز ۱۴۰۱ را نشان ندهد. پیش بینی مصرفی که برای ماه های آتی قابل ارزیابی است و حتی نوروز ۱۴۰۲ را هم می توان از همین روزها پیش بینی کرد. پس برای اجتناب از واردات بنزین که کشور را با مشکلات عدیده ای مواجه می کند نباید بگذاریم شرایط ما را به گذشته بازگرداند بلکه با شتاب بیشتری سیاستگذاری های اصلاح الگوی مصرف و افزایش تولید را دنبال کنیم چون وقت تنگ است و زمان رسیدن تلاقی تولید و مصرف بنزین بسیار نزدیک است.

کار قرار گرفته و قرار است در سال ۱۴۰۵ به بهره برداری برسد. طرح پتروپالایشگاه مهر خلیج فارس به صورت پتروپالایشگاهی در مجاور پالایشگاه بزرگ ستاره خلیج فارس و در قالب فاز چهارم این پالایشگاه تعریف شده است. ظرفیت این واحد ۱۲۰ هزار بشکه میعانات گازی است و طبق برآوردها فاز پالایشی این طرح در سال ۱۴۰۲ و فاز پتروشیمیایی آن در سال ۱۴۰۵ به بهره برداری می رسد. طرح پالایشگاه آدیش جنوبی یکی از طرح های تعریف شده ذیل مجتمع پالایشی سیراف است. خوراک این پالایشگاه، روزانه ۶۰ هزار بشکه میعانات گازی است. تاریخ شروع طرح پالایشی اواسط سال ۱۳۹۶ بوده و در سال ۱۴۰۱ به بهره برداری می رسد. طرح پتروپالایشگاه لاوان با ظرفیت ۱۲۰ هزار بشکه ای در روز است و فعلا در مرحله تخصیص زمین است و زمان بهره برداری آن معلوم نیست. طرح پالایشگاه سرمایه گذاری غدیر در منطقه جاسک قرار دارد. ظرفیت این پالایشگاه ۳۰۰ هزار بشکه در روز نفت خام است و فعلا اطلاعات تکمیلی درباره جزئیات این پروژه موجود نیست. طرح پالایشگاه شرکت شستان در بوشهر قرار دارد. ظرفیت آن روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت خام است و جزئیات این طرح نیز فعلا اعلام نشده است. طرح پالایشگاه مروارید مکران در بندر جاسک واقع است. تاریخ شروع این طرح از ابتدای سال ۱۴۰۰ بوده است و برآورد می شود این پالایشگاه ۳۰۰ هزار بشکه ای در سال ۱۴۰۴ فاز یک آن کامل شده و در سال ۱۴۰۵ به بهره برداری کامل برسد. طرح پالایشگاه گروه انتخاب با ظرفیت ۲۰۰ هزار بشکه ای و طرح پالایشگاه جاوید انرژی پرتو با ظرفیت ۶۰ هزار بشکه ای، طرح پالایشگاه پیشگامان سیراف با پیشرفت ۸ درصدی و طرح پالایشگاه ستاره سبز سیراف با ظرفیت ۱۲۰ هزار بشکه ای از میعانات گازی از جمله طرح های در دست اقدام در صنعت نفت کشور است. برخی از این طرح ها پیشرفت فیزیکی بسیار اندک تا ۵ درصدی را دنبال می کنند که به نظرسوخت کشور نیازمند تسریع در ساخت و احداث این طرح هاست. منابع و تامین مالی یکی از موضوعات اصلی است که منجر به کندی در اجرای پروژه ها می شود که آن نیز در جای خود از مشکلات موجود طرح های توسعه ای در کشور است و تجربه نشان داده است برخی از این طرح ها به دلیل کمبود منابع مالی و تغییر سیاستگذاری ها متوقف شده اند در حالیکه این طرح ها برای هدف و افزایش ظرفیت تولید طراحی شده بودند.

اما هر طرحی برای اجرا تا بهره برداری نیازمند زمان است و ساخت پالایشگاه سازی که بتواند نیاز سوخت کشور را جبران کند موضوعی زمان بر است. طرح های توسعه پالایشگاه که هر یک می تواند علاوه بر جبران نیاز کشور پاسخ بر صادرات کشور هم محسوب شود طرح هایی است که به نظر عزم ملی برای اجرا می طلبد. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی زمان ۴ تا ۶ ساله برای ساخت پالایشگاه جدید را تخمین می زند و تاکید می کند برای جبران افزایش سرانه مصرف باید فکری دیگری اندیشیده شود در غیر این صورت تراز

اقتصاد ایران در ۱۴۰۱

سید مرتضی افقه - اقتصاددان



پیش بینی دقیق شاخص های اقتصادی در سال جاری بدون در نظر گرفتن دو سناریوی رفع یا عدم رفع تحریم ها و نیز انجام توافق FATF دشوار بلکه غیرممکن است. آقای رئیسی و تیم همراهش قبل و بعد از انتخابشان مکرر بیان می کرده و می کنند که سفره مردم را به تحریم ها گره نمی زنند و مشکلات اقتصادی مردم را حتی بدون رفع تحریم ها حل می کنند. اما سفره مردم از پیش از انقلاب به فروش نفت گره خورده و پس از انقلاب نیز به رغم شعارهای فراوان، به دلیل بی کفایتی ها و بی تدبیری های حاکم بر نظام تصمیم گیری و تصمیم سازی کشور، این گره به روابط خارجی و بنابراین به تحریم ها هرگز باز نشد. اما رها شدن از وابستگی به فروش نفت امکان پذیر است، به شرطی که نظام تصمیم گیری و تصمیم سازی زیربار تحولات عمیق ساختاری در همه ارکان حاکمیت (نه فقط قوه مجریه) برود. اما انجام این تحولات ساختاری هم زمان بر است و هم پرهزینه است و هم همراه است با مقاومت گروه های ذینفع از این ساختارهای معیوب. با این وصف، شواهد نشان میدهد که نه تنها عزمی برای انجام تحولات ساختاری برای قرار گرفتن در مسیر توسعه وجود ندارد، بلکه اقداماتی که تاکنون دولت جدید انجام داده در جهت تداوم و تعمیق این ساختارهای ضدتولید و ضدتوسعه است. از جمله این نشانه ها، انبوهی از انتصابات جدید است که نه براساس شایستگی بلکه عمدتاً براساس ملاحظات ایدئولوژیک و گرایشات سیاسی بوده است؛ امری که در طول سه دهه گذشته از موانع اصلی و اساسی ناکامی در قرار گرفتن در مسیر توسعه و پیشرفت بوده است. بعلاوه، این میزان تغییر در رده های مدیریتی علاوه بر تحمیل ناکارآمدی نظام اجرایی، باعث بی ثباتی سیاست ها و برنامه هاست که خود از موانع دیگر پیشرفت و توسعه در جامعه است. بنابراین با تداوم چنین ساختار معیوبی، تنها (و البته آسان ترین) راه حل کوتاه مدت برای حل مشکلات اقتصادی رفع تحریم ها و برقراری ارتباط تجاری و مالی با جهان خارج است. هرچند با رفع تحریم ها، مشکلات به صورت موقت حل می شوند؛ در واقع بهتر است بگوئیم مشکلات برطرف نمی شوند بلکه همچون سه دهه گذشته با دوپینگ درآمدهای نفتی بر بی کفایتی ها و بی تدبیری های نظام تصمیم گیر و تصمیم ساز کشور سرپوش گذاشته می شود. با این توضیحات مقدماتی، اکنون می توان

شاخص های اقتصادی و اجتماعی کشور در سال جاری را براساس دو سناریو بیان کرد: ۱. در صورتی که توافق برجام یا هر توافق دیگری منجر به رفع تحریم ها شود، و با فرض انجام توافق FATF توان پیش بینی کرد که با توجه به افزایش قابل توجه قیمت نفت، امکان کنترل برخی شاخص های اقتصادی و اجتماعی همچون تورم و حفظ قدرت خرید، بیکاری، سرمایه گذاری و رشد اقتصادی ... در حد وضع فعلی یا اندکی بهبود برای دولت وجود دارد. اما با توجه به بینش و نگرش ایدئولوژیک و سیاسی دولت حتی با رفع تحریم ها، بعید است بهبود قابل ملاحظه ای ایجاد شود. ۲. اما در صورتی که به هر دلیلی توافقی حاصل نشود و تحریم ها تداوم یابد به احتمال زیاد همه شاخص های اقتصادی اجتماعی شرایط بدتری را تجربه نموده و معیشت مردم با مشکلات جدی تری مواجه خواهد شد. مدتی است مقامات دولتی ادعا می کنند که با وجود تداوم تحریم ها، هم صادرات نفت به وضعیت پیش از تحریم ها برگشته و هم وجوه ناشی از آن به کشور دریافت می شود. اما عدم تغییر شرایط یا حتی بهبود نسبی شاخص های اقتصادی درستی این ادعا زیر سؤال می برد. حتی اگر این ادعا درست باشد و فروش نفت به رغم تداوم تحریم ها برقرار شده و منابع پولی آن نیز دریافت می شود اما نمی توان به طولانی مدت بودن و کم هزینه بودن این شیوه از تعامل اقتصادی با جهان خارج اطمینان یافت. این بدان معناست که مردم کالاها و خدمات خود (تولیدات داخلی) را با هزینه بالاتری تأمین می نمایند. بنابراین، تداوم وضع جاری آن هم در شرایطی که ذخایر مالی دولت طی سه سال گذشته تقریباً به اتمام رسیده و امکان استقراض های بیشتر و البته کم هزینه برای تأمین بودجه وابسته به نفت دولت وجود ندارد. به علاوه، شرایط سیاسی جهان خارج و به خصوص امریکا ممکن است در آینده به گونه ای نباشد که توافق سیاسی و اقتصادی به آسانی قابل حصول باشد. به همین دلیل، حل مشکل تحریم ها و قطع ارتباط مالی با جهان خارج اجتناب ناپذیر و تداوم تحریم ها غیرقابل دوام است و بنابراین، براساس واقعیات موجود و تجارب پیشین، به نظر می رسد تصمیم گیران کشور دیر یا زود به سمت حل مشکل تحریم ها خواهند رفت.

یکصد میلیارد دلار را در سال گذشته به ثبت رساند احتمالاً با افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی به سبب افزایش قیمت کامودیتی ها دلار بیشتری را نصیب کشور خواهد کرد.

عدم توافق: در صورت عدم توافق و بازگشت فشار حداکثری آمریکا، یقیناً تمام شاخص های اقتصادی با وضعیتی بسیار بحرانی مواجه خواهد شد ضمن سقوط درآمدهای نفتی و غیرنفتی فشار بر منابع بانکی بشدت افزایش و کسری بودجه دولت وسیعتر و تورم افسارگسیخته و به بالای ۵۰ و شاید ۶۰ درصد صعود خواهد کرد و رشد پایین اقتصادی فعلی نیز متوقف و شاهد سقوط اقتصادی و گسترش شدید بیکاری و فقر و... خواهیم بود.

انجام توافق: این سناریو خوشبینانه ترین سناریوست که می تواند بحران های فعلی را تخفیف و با افزایش درآمدهای نفتی و آزاد شدن منابع بلوکه شده و نیز کاهش تورم انتظاری و ورود سرمایه های داخلی و خارجی، بلافاصله به کاهش تورم و افزایش سریع رشد اقتصادی حتی بالاتر از رقم پیش بینی شده ۸ درصد و افزایش تجارت خارجی به بالای ۱۳۰ میلیارد دلار بیانجامد. در این سناریو بسته به اینکه سیاستگذار با درآمدهای ارزی حاصله چه رفتاری را در پیش گیرد و آنرا صرف امور جاری و توزیع بین مردم یا سرمایه گذاری و تکمیل هزاران طرح نیمه تمام و... نماید، در میان و بلند مدت با سناریوهای متفاوتی مواجه در رشد و توسعه اقتصادی مواجه خواهیم بود. امید هر ایرانی بی شک آن است که سناریو آخر محقق شود و با بکارگیری توان و ظرفیت های بی بدیل انسانی و ذخایر غنی معدنی و مزیت های سرزمینی ایران عزیز، پایان سال آتی شاهد رشد و توسعه و رونق اقتصادی و کاهش فقر و بیکاری و بهبود وضعیت سفره و کسب و کار مردم مان باشیم. امید که چنین شود.

سه سناریو را می توان برای وضعیت اقتصادی امسال متصور بود: ادامه وضعیت موجود، انجام توافق و برجام جدید، عدم توافق. هر یک از این سناریوها وضعیت خاصی را در مولفه های رشد اقتصادی، تورم، بیکاری و تجارت خارجی ایجاد خواهد کرد.

تداوم وضعیت موجود: در این سناریو که شکل کلی آن در بودجه سال جاری ترسیم شده و وضعیتی خواهد بود با فروش یک تا یک و نیم میلیون بشکه ای نفت که در حالت خوشبینانه حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه را برای دولت رقم خواهد زد. این کسری بزرگ، سرعت خود را در قالب افزایش نقدینگی و تورم نشان خواهد داد. چنانکه بر اساس آخرین برآوردها با توجه به حجم نقدینگی ۴۶۰۰ هزار میلیارد تومانی اسفند سال گذشته و پیش بینی رشد سی درصدی آن در سال جاری با رقم شگفتی آور ۶۰۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی مواجه خواهیم بود که همچون سیلی بنیان کن نرخ تورم را حداقل مشابه وضعیت امروز و بالای ۴۰ درصد نگه خواهد داشت. در کنار این رقم تورمی، رشد اقتصادی علیرغم هدف گذاری بودجه و تاکیدات مقامات در رشد ۸ درصدی، بسیار بعید است به بیش از ۴ درصد افزایش یابد. چرا که کل رقم تملک دارایی های سرمایه ای یا همان بودجه عمرانی در لایحه بودجه امسال حدود ۲۶۰ هزار میلیارد تومان (۱۷ درصد منابع عمومی) است که رقم بسیار پایینی است. به این موضوع باید روند منفی تشکیل سرمایه طی چند سال اخیر را افزود که از استهلاک هم کمتر بوده است و کشور را در تله رشد پایین گرفتار خواهد کرد. طبعاً در این وضعیت رقم بیکاری افزایشی خواهد بود (مگر البته با ترفندهای آماری و کاهش مشارکت و جمعیت ناامید از یافتن کار را بیکار محسوب نکردن، رفتاری که در گزارش های اخیر بکار گرفته شده است). در این میان وضعیت تجارت خارجی که رقم حدود

اقتصاد ۱۴۰۱ در سه سناریو

حسین حقگو/تحلیلگر اقتصادی



❏ جواد اوجی وزیر نفت اخیراً به وضعیت شرکت‌های دانش‌بنیان در صنعت نفت پرداخته و در توییتی نوشته است: بالغ بر ۱۵۰ شرکت دانش‌بنیان در گام نخست فراخوان وزارت نفت برای دانش بنیان کردن صنعت نفت در زمینه‌های اولویت‌دار و اشتغال‌آفرین چون بهینه‌سازی، احیای چاه‌ها و زنجیره ارزش مشارکت نمودند. پس از تأیید نهایی، در اردیبهشت ماه، انعقاد قرارداد و ارائه تسهیلات به این شرکت‌ها آغاز می‌شود.

در سال‌های اخیر موضوع حضور شرکت‌های استارت‌آپی در صنعت نفت پررنگ شده است. بیژن زنگنه وزیر سابق نفت در یکی از واپسین روزهای کاری‌اش در خرداد سال گذشته پارک نوآوری و فناوری صنعت نفت را افتتاح کرد. زمستان سال گذشته وزارت نفت دولت سیزدهم در فراخوانی از شرکت‌های دانش‌بنیان دعوت کرد برای دریافت تسهیلات در ۶ محور درخواست بدهند. تغییر مدیریت وزارت نفت موجب تغییر در اولویت‌های این وزارتخانه شد. این موضوع مشکلاتی را برای دانش‌بنیان‌های متقاضی حضور در پارک نوآوری که با اولویت‌های قبلی شایسته شناخته شده بودند ایجاد کرده است.



❏ علی بهادری جهرمی سخنگو و رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت هم در توییتی مدعی شد: دیوان بین‌المللی داوری، ضمن رد ادعای ۲۷ میلیون دلاری شرکت گازی فرانسوی، این شرکت را به پرداخت ۱/۵ میلیون دلار به نفع ایران محکوم کرد. پیگیری یک وکیل ایرانی در به‌ثمر نشاندن داوری این پرونده، نشان از ضرورت تقویت نقش جامعه حقوقی داخلی در مراجع بین‌المللی جهت احقاق حقوق ملت ایران دارد.



اشاره سخنگوی دولت در این توییت به شرکت فرانسوی سفره‌گاز است. فرانسوی این شرکت قرار بود در طرح ذخیره‌سازی گاز در مخزن یورتشای ورامین حضور داشته باشد. چالش ایران با سفره‌گاز بیش از یک دهه تداوم داشته است. طبق گزارش‌ها، سال ۱۳۸۶ این شرکت به دلیل مشکل ضمانتنامه بانکی از پروژه ذخیره‌سازی حدود ۵۰۰ میلیون متر مکعب گاز کنار می‌رود. سفره‌گاز سال ۱۳۸۸ برای بازگشت ابراز تمایل می‌کند اما موضوع باز هم بیخ پیدا کرده و این بار کار به دادگاه می‌کشد. سال ۱۳۹۳ مدیرعامل شرکت ذخیره‌سازی گاز طبیعی از ضبط ضمانتنامه ۱۰ میلیون دلاری سفره‌گاز و محکومیت این شرکت در دادگاه بین‌المللی خبر می‌دهد. در چند سال اخیر صحبت از همکاری دوباره ایران و سفره‌گاز هم مطرح بود اما حالا دوباره بحث دعوای حقوقی بر سر زبان‌ها افتاده است.



محدودیت کاراکترها در شبکه اجتماعی تویتر سبب می‌شود گاهی اوقات مفاهیم به شکلی متفاوت و بعضاً جذاب‌تر بیان شوند. این در مورد توئیت‌های حوزه نفت و انرژی هم صدق می‌کند. در ادامه به بررسی و تحلیل چند توئیت مرتبط با نفت و انرژی می‌پردازیم.

❏ چندی پیش حسابی که با نام سید ابراهیم رئیسی و با توضیح حساب رسمی پایگاه اطلاع‌رسانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند در توییتی نوشت: هر چند پیگیری برای رفع تحریم‌ها دستور کار جدی دولت است، اما در دولت سیزدهم تلاش برای خنثی‌سازی تحریم‌ها موکول به مذاکرات نشده، به نحوی که امروز و در همین شرایط تحریم، فروش نفت ما به قدری افزایش داشته که دیگر نگرانی نداریم و درآمد حاصل از آن نیز در حال بازگشت به کشور است.

موضوع درآمدهای نفتی ایران که پس از برجام می‌رفت که به عددی با ثبات تبدیل شود، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۷ با تصمیم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده برای زدن زیر میز توافق، یک بار دیگر به مجموعه‌ای از عدهای غیر شفاف در اقتصاد ایران برگشت. بانک مرکزی که در حالت عادی آمار درآمدها را منتشر می‌کرد از این تاریخ این اقدام را متوقف کرد. تنها اظهارات گاه و بیگاهی از سوی عبدالناصر همتی رئیس سابق بانک مرکزی بود که پرده از وضعیت برمی‌داشت. هنوز هم آمار شفاف در خصوص میزان فروش، مقاصد صادراتی، نحوه وصول درآمدها و قیمت فروش منتشر نشده است. چندی پیش موضوع میزان صادرات و درآمدهای نفتی ایران به یک جدال تویتری میان عبدالناصر همتی رئیس سابق بانک مرکزی و جواد اوجی وزیر نفت تبدیل شده بود.

مجموع این‌ها بیشتر از واردات از آسیای مرکزی و میانمار است.



حمیدرضا صالحی نائب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی در توییتی به موضوع سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی پرداخته و نوشت: متأسفانه با این رویکرد های ناکارآمد کشور را به اینجا رساندند که کسی سرمایه‌گذاری نکند و در زمستان کمبود گاز و در تابستان کمبود برق داشته باشیم. دولت باید کوچک و کوچک شود و پایش را از اقتصاد بیرون بکشد تا کشور نفس بکشد. دولت بزرگ و مداخله‌گر نمی‌خواهیم.



موضوع کمبود سرمایه‌گذاری در صنعت برق و مشکلات اقتصاد برق در ایران، هر ساله با نزدیک شدن به فصل گرم و احتمال خاموشی‌ها به نقل محافل این حوزه تبدیل می‌شود. پژوهشگران می‌گویند به جز ایران معدود کشورهایی وجود دارند که شبکه سراسری برق و گاز را به صورت همزمان دارا باشند. فاصل بهای تمام شده برق و بهای مصرف‌کننده همواره از سوی بعضی فعالان حوزه انرژی، محل انتقاد و مانعی برای حضور سرمایه‌های غیر دولتی در صنعت برق تلقی شده است. ایران قصد دارد تا سال ۱۴۰۴ ظرفیت نصب شده نیروگاهی خود را به ۱۲۰ هزار مگاوات افزایش دهد.



یک سوال از مدیرعامل جدید پتروشیمی آریاساسول حمیدرضا شکوهی روزنامه‌نگار حوزه انرژی در توییت نوشت: استعفای اعتراضی هم مانع از انتصاب محمدرضا حیدرزاده به عنوان مدیرعامل پتروشیمی آریاساسول نشد و او امروز رسماً کارش را آغاز کرد. من فقط یک سوال از ایشان دارم: چگونه با ۳۲ سال سن می‌توان رزومه‌ای شامل ۸ سمت مدیریتی و عضو هیات مدیره و ۱۳ حکم مشاوره جور کرد و همزمان دکترا هم گرفت؟!



پدرام سلطانی کارآفرین ایرانی در صفحه توییت خود چنین نوشت: از آمریکا تضمین می‌خواهید؟

تحریم نفت روسیه توسط آمریکا و بریتانیا، به مثابه محکم‌ترین تضمینی است که می‌شد از آمریکا در #مذاکرات_وین بگیرید. گویی روسیه روی مین رفته تا ایران از مخمصه نجات یابد. کاش این فرصت برایتان قابل درک باشد.



خاویر بالاس در تحلیل وضعیت صادرات نفت خام روسیه می‌گوید بعد از ۸ هفته جنگ، تولید نفت خام روسیه بالاخره تسلیم تحریم‌های غربی و خودتحریمی شد. تولید در حال حاضر نسبت به زمان پیش از جنگ ۱۰ درصد کاهش یافته است. تولید در روزهای اخیر به زیر ۱۰ میلیون بشکه در روز رسیده است.

آلمان، بزرگ‌ترین اقتصاد اتحادیه اروپا وعده داده است وابستگی‌اش به نفت خام روسیه را پایان دهد. از سوی دیگر اما نفت روسیه مشتریان وفاداری چون پالایشگاه‌های بزرگ هند را دارد.



پدرام سلطانی در توییتی دیگر هم به موضوع پتروشیمی میانکاله پرداخته و عنوان داشت: صنعت پتروشیمی اشتغالزایی پایینی دارد. با نگاه صادرات هم باید مجتمعه‌های پتروشیمی را در جنوب کشور و نزدیک به آبهای آزاد ساخت. ساخت پتروشیمی در میانکاله یک کوتاه‌فکری خطرناک است که فایده کم و هزینه محیط زیستی زیادی را برای کشور خواهد داشت.

بخش نظرات این توییت بعضاً با دیدگاه‌های متفاوتی همراه بود. یکی از کاربران این پرسش را مطرح کرده بود که چه تفاوتی میان مجوز پتروشیمی میان کاله و مجوز تولید سالیانه چند هزار تن سولستین وجود دارد؟ احداث پتروشیمی میانکاله موجی از مخالفت را در فضای مجازی به همراه داشت. از سوی دیگر بسیاری، پتروشیمی را راه حل مشکل اشتغال در شرق مازندران می‌دانند. علی‌حانه معاون عمرانی استانداری مازندران گفته است که این پتروشیمی قرار بوده برای ۵ هزار نفر اشتغال ایجاد کند.



موضوع تولید داخلی گاز چین، توجه مجید رئوفی پژوهشگر حوزه انرژی را به خود جلب کرد تا در توییتی بنویسد: هم در برنامه ۵ساله چهاردهم چین و هم در وایت‌پیپر «انرژی در عصر جدید چین» به «افزایش تولید داخلی گاز» توجه ویژه شده؛ دربخش گاز شیل و گاز بستر زغال‌سنگ، پیشرفت‌های زیادی داشتند.

چین از ۲۰۱۷ با حوضه‌های سیچوان، اوردوس و تاریم ۱۰bcm تولید می‌کند. از ۲۰۱۹ با توسعه گاز شیل دریایی در استان‌های سیچوان و یوننان و شهر چونگ‌کینگ ۱۵bcm و از دو پایگاه در شانشی و شرق هوئی ۱۸bcm متان زغال‌سنگ تولید می‌کند.

مدیریت منابع انسانی، چالش بزرگ سازمانهای مدرن

سهراب صالحین

واکنش عمومی نشان از اهمیت منابع انسانی در دنیایی است که هر روز بیش از پیش به سمت رباتیزه شدن می‌رود. نام کاملتر واحد منابع انسانی در واقع مدیریت منابع انسانی (Human Resource Management) است. حال فارغ از آنکه هدف از تعیین چنین مناسبتی، پاسداشت زحمات واحد منابع انسانی و یادآوری اهمیت آن است و یا اهمیت انسانهایی که در عرصه های مختلف تولید و خدمات کشور در حال فعالیت هستند، کمی به اهمیت این واحد در سازمانها میپردازیم. امروزه واحد منابع انسانی هر سازمان، بخشی از رهبری سازمان است که خط مشی رفتار با منابع انسانی سازمان و فرهنگ سازمانی را تعیین میکند. پس میتوان گفت، دیگر مثل گذشته، وظیفه واحد منابع انسانی تنها رسیدگی به قراردادهای و پرداخت حقوق نیست، بلکه اهمیت آن بیش از یک واحد اداری ساده است.

❑ مدیریت منابع انسانی چیست؟

در کتاب مشهور گری دسلر با عنوان «مدیریت منابع انسانی»، مدیر شخصی معرفی میشود که مسئولیت او، برآورده شدن اهداف سازمان است و این امر با مدیریت تلاشهای نیروی انسانی سازمان محقق میشود. متخصصان زیادی مدیریت را در پنج عملکرد برنامه ریزی، سازماندهی،

آیزاک آسیموف، نویسنده شهیر رمان های علمی تخیلی، در رمانهایش که سالها قبل از ابداع هوش مصنوعی نوشته شده اند، آیندهای را تصویر میکند که در آن رباتها نقشی بسیار پررنگ و تعیین کننده در زندگی انسانها دارند و زندگی در تعاملی مشترک بین انسان و ربات و چالشهای بین این دو به جریان خود ادامه میدهد. حال در سال ۲۰۲۲ و با نگاهی به ابزار و وسایل زندگی، میتوان بیش از پیش به نبوغ آسیموف در تخیل آینده پی برد. زندگی ما امروز بیشتر از هر زمان دیگری با کامپیوترها و هوش مصنوعی گره خورده است. در چنین شرایطی، انسان بودن و انسانی رفتار کردن، خود تبدیل به ارزش میشود، چرا که همانطور که آسیموف دغدغه آن را داشت، رباتها به گونهای در حال تسخیر دنیای انسانها و گاهی صدمه زدن به آن هستند. با این مقدمه، به پدیدهایی که نام منابع انسانی میپردازیم. بخشی از سازمانها که به نظر میرسد با وجود حرکت دنیا به سمت رباتی شدن، اهمیتش این روزها افزایش یافته است. روز ۱۲۵م فروردین ماه در کشورمان، روز ملی منابع انسانی نام گرفته است. اگر امسال در این روز، سری به لینکدین زده باشید، مطمئنن با واکنش افراد مختلف به این مناسبت مواجه شده اید. با اینکه بسیاری از این تبریکات متوجه واحد منابع انسانی بودند نه خود پدیده منابع انسانی، این



زیادی قرار گرفته است. در سالهای اخیر، مقالات زیادی در خصوص اهمیت مشارکت افراد با جنسیت، نژاد و فرهنگ متفاوت در یک سازمان نوشته شده است. ایده اصلی این طرز فکر، بروز خلاقیت در اثر تلفیق انسانهای با ویژگی متفاوت از یکدیگر است.

یکی دیگر از موقعیتهای شغلی جدید در واحد منابع انسانی، متخصص اطلاعات است. این موقعیت شغلی شاید بیش از هر جای دیگر، در شرکتهای به اصطلاح تک که از تکنولوژیهای جدید بهره میبرند دیده شود. فرد شاغل در این موقعیت شغلی نیاز است تا ترکیبی از مهارتهای مرتبط با مدیریت منابع انسانی و فناوری اطلاعات را داشته باشد. این فرد با استفاده از نرم افزارهای مرتبط، فرایند نظارت بر وظایف مختلف واحد خود را انجام میدهد. همچنین این فرد با تحلیل داده های مختلف، به عملکرد بهتر منابع انسانی شرکت کمک میکند.

به طور کلی میتوان گفت، در عصر حاضر، با وجود سرعت زیاد تغییرات و رقابت شدید، سازمانها بیش از پیش به واحدی نیازمند هستند تا عملکرد انسانها را ارزیابی و مورد توجه قرار دهد. این واحد که مانند سنسورهای یک دستگاه عمل میکند، نه تنها باید به عملکرد حرفهای کارکنان حساس باشد، بلکه لازم است به ویژگیهای انسانی آنها نیز توجه کند. تعادل میان کار و زندگی شخصی، و روابط متقابل کارکنان با یکدیگر و با مدیر بالاسری خود، چالش همیشگی سازمان هاست و عدم توجه به آنها باعث فرار نیروهای انسانی که از جمله باارزشترین سرمایه سازمانها هستند میشود.

در گراف زیر میتوان مطالب عنوان شده را جمع بندی کرد:



امورات مرتبط با کارکنان، رهبری و کنترل خلاصه میکنند. مدیریت منابع انسانی در واقع سومین شاخصه مدیریت سازمانی را پوشش میدهد که امورات مرتبط با کارکنان را در برمیگیرد. در اینجا منظور از امورات مرتبط با کارکنان، تعیین نوع افراد برای استخدام در سازمان، استخدام کارکنان، توسعه و آموزش به آنها، تعیین استانداردهای عملکرد در سازمان، بررسی عملکرد کارکنان، مشاوره دادن به آنان و در نهایت پرداختن به امورات رفاهی و ایمنی و رسیدگی به نگرانیهای شغلی کارکنان است.

با این تفاسیر متوجه میشویم که مدیریت منابع انسانی بسیار فراتر از یک سری امورات دفتری ساده است. مدیریت منابع انسانی در واقع باید بین عملکرد و خصوصیات انسانی افراد درون سازمان تعادل ایجاد کند، زیرا انسانها بر خلاف رباتها هرکدام دارای نگرانی خاص خود و خصوصیات خلقی متفاوت هستند. مدیریت منابع انسانی همانطور که ذکر شد، در سالهای اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. شاید بتوان گفت، شرکتهای استارتآپی در بازتعریف مدیریت منابع انسانی و وارد کردن شکل امروزی آن پیشگام بودند. استارتآپ ها به لحاظ فرهنگ سازمانی، بسیار متکی به عملکرد بهینه هستند زیرا حیات آنان، بر خلاف شرکتهای دولتی یا شبهه دولتی که سهمی از بودجه کشور دارند، متکی به عملکرد آنان است. همین نکته باعث شده است که این شرکتهای به مدیریت منابع انسانی توجه ویژه نشان دهند.

شاید به همین علت است که شبکه مجازی لینکداین جولانگاه کارکنان منابع انسانی شرکتهای ریز و درشت استارتآپی است. یکی از موقعیتهای شغلی که در واحد منابع انسانی این شرکتهای تعریف شده، موقعیت شغلی موسوم به متخصص استعدادیابی است. یکی از وظایف روزمره این افراد که معمولاً دارای اکانت پر میوم لینکداین هم هستند، شناسایی افراد شاغل در کسب و کارهای مختلف برای معرفی به واحد خود جهت استخدام است. از سوی دیگر اما، در شرکتهای سنتی و دولتی، واحد منابع انسانی معمولاً واحدی گوشهگیر است که جز انتشار آگهی استخدامی، امورات دفتری کارکنان مانند بیمه و قراردادهای ارائه کالاها و اقلام رفاهی در برخی مناسبات، کار دیگری انجام نمیدهد. در واقع میتوان گفت، در شرکتهای سنتیتر، این واحد همان رخوت موجود در ساختار فرهنگی این نوع سازمانها را به ارث برده است. این در حالی است که از منظر مدیریتی، واحد منابع انسانی باید خلاق و فعال باشد. فعال بودن واحد منابع انسانی به این معنی است که همواره در حال بررسی وضعیت عملکرد کارکنان، بهتر کردن آن و جذب کارکنان مستعد باشد. البته این ویژگی در سازمانی اهمیت پیدا میکند که خواهان رشد و توسعه خود است. شاید دلیل رخوت موجود در واحد منابع سازمانی ادارات سنتی این است که اساساً رشد و توسعه در این سازمانها معنی ندارد.

یکی دیگر از موقعیتهای شغلی در واحد منابع انسانی شرکت های مدرن، موقعیت شغلی موسوم به مدیر تنوع دهی است. این موقعیت شغلی اکنون در ۵۰۰ شرکت برتر و برخی شرکتهای کوچکتر وجود دارد. وظیفه شغلی این سمت، نظارت بر وجود تنوع کافی در استخدامها با هدف ساخت محیط کاری دارای تمام ویژگیهای لازم است. وجود تنوع در سازمانها مفهومی تقریباً مدرن است که به خصوص در سالهای اخیر مورد توجه

جنگ در اوکراین رشد اقتصاد جهانی را در معرض تهدید قرار داد

جنگ در اوکراین باعث افزایش شدید قیمت‌های انرژی و مواد غذایی شده است و به فشار صعودی روی تورم افزوده و رشد اقتصاد جهانی را در معرض تهدید جدی قرار داده است. به گزارش اوپل پرایس، بانک جهانی در جدیدترین گزارش دورنمای کالاهای نیم سالانه خود اعلام کرد: جنگ در اوکراین به شدیدترین افزایش قیمت‌های انرژی در ۵۰ سال گذشته و بزرگترین افزایش قیمت‌های مواد غذایی در ۱۴ سال گذشته منجر شده و بزرگترین شوک را برای بازارهای کالا از سال ۱۹۷۳ به این طرف ایجاد کرده است. افزایش قیمت‌های انرژی و مواد غذایی باعث تشدید رشد تورم در سطح جهانی شده و مأموریت بانکهای مرکزی برای مهار تورم را در مقایسه با دو ماه پیش پیچیده‌تر کرده است. انتظار می‌رود بانک مرکزی آمریکا و بانکهای مرکزی دیگر جهان، نرخ بهره را امسال چندین دور افزایش دهند. تحلیلگران و سازمانهای بین‌المللی معتبر هشدار داده‌اند که این اقدام به همراه قیمت‌های بالای انرژی و مواد غذایی، رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۲ را آهسته خواهد کرد و به نوبه خود، رشد تقاضای جهانی برای نفت را متاثر می‌کند. در گزارش دورنمای بازارهای کالای بانک جهانی آمده است: انتظار می‌رود بزرگترین شوک انرژی از دهه ۱۹۷۰، قیمت‌های نفت و سایر محصولات انرژی را سالها بالا نگه دارد زیرا حمله روسیه به اوکراین، جریان تجارت و مصرف و تولید انرژی را تغییر داده است. اگرچه پیش‌بینی می‌شود قیمت‌ها در سال ۲۰۲۲ به اوج خود برسند اما بسیار بالاتر از پیش‌بینی قبلی خواهند بود. دورنمای بازارهای کالا به مدت جنگ در اوکراین و شدت اختلالات جریان کالا بستگی خواهد داشت و ریسک اصلی این است که قیمت‌های کالا برای مدت طولانی‌تر، بالا بمانند. پس از حمله روسیه به اوکراین، قیمت‌های انرژی در مارس سال ۲۰۲۲ دو برابر سطح مارس سال ۲۰۲۱ شد و بزرگترین افزایش قیمت برای گاز طبیعی و زغال سنگ اتفاق افتاد. انتظار می‌رود میانگین قیمت نفت برنت امسال به ۱۰۰ دلار در هر بشکه برسد که ۴۲ درصد افزایش در مقایسه با سال ۲۰۲۱ خواهد داشت و بالاترین سطح از سال ۲۰۱۳ خواهد بود.



نتیجه سهمیه بندی گاز اروپا، تورم بالا و رکود عمیق است

اروپا ممکن است با سرعت به سمت توقف ناگهانی واردات گاز روسیه حرکت کند که باعث سهمیه بندی انرژی، تورم بالا و رکود عمیق خواهد شد. به گزارش بلومبرگ، رویارویی بر سر شرایط پرداخت پول گاز باعث شد مسکو هفته گذشته شیرهای گاز را به روی لهستان و بلغارستان ببندد. با محدود شدن عرضه، زمان زیادی نخواهد برد که بازارهای انرژی دچار شوک شوند. به گفته شیخا چاتوروادی، تحلیلگر بانک جی پی مورگان چیس اند کو، توازن گاز طبیعی اروپا شکننده است و تنها یک اختلال عرضه، با فروپاشی کامل فاصله دارد. اگر مسئله پرداخت پول گاز و عمل به خواسته‌های کرملین حل نشود و همچنین سایه اعمال تحریمهای اتحادیه اروپا ادامه پیدا کند، کشورهای بیشتری در معرض قطع دسترسی به گاز روسیه در روزها یا هفته‌های آتی قرار دارند. اروپا برای یک پنجم از تولید برق خود به گاز روسیه وابسته است و اختلال اندک تامین گاز، در سراسر این قاره منعکس می‌شود. سطح ذخیره سازی در حال حاضر در ۳۲ درصد ظرفیت در مقایسه با ۸۰ درصد مورد نیاز برای حفظ گرمایش خانه‌ها و فعالیت کارخانه‌ها در طول ماه‌های زمستان است. قطع گاز به روی لهستان و بلغارستان، فشار موجود را نشان می‌دهد. در حالی که این حجم نسبتاً اندک محسوب می‌شود اما کمبود مذکور باعث شده است عرضه از سوی آلمان و محموله‌های گاز طبیعی مایع بلعیده شود و ذخایر برای تحمل اختلالات بیشتر را کاهش می‌دهد. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به مشتریان گاز در اروپا دستور داده است به روبل پول پرداخت کنند که اتحادیه اروپا می‌گوید ناقض تحریم‌هاست و از شرکتها خواسته است به پرداخت پول به یورو ادامه دهند و تصمیم‌گیری برای مخالفت یا پذیرش را به کرملین واگذار کرده است. اگرچه اتحادیه اروپا قصد دارد وابستگی خود به گاز روسیه را امسال دو سوم کاهش دهد اما توقف ناگهانی عرضه گاز، خیلی زود خواهد بود. اتحادیه اروپا دستورالعمل میهمی را به منظور ایستادگی در برابر روسیه بر سر حمله به اوکراین و همزمان حفظ جریان گاز به این منطقه ارائه کرده است. روسیه روز جمعه به شفاف سازی مقررات درباره نحوه پرداخت پول توسط مشتریان اروپایی پرداخت و شرایط را اندکی آسان کرد اما همچنان تردیدهایی درباره نقش بانک مرکزی تحریم شده این کشور برای تبدیل یورو به روبل وجود دارد.



آدنوک سهام مبادله در پتروشیمی بورئالیس را می خرد

شرکت ملی نفت ابوظبی (ادنوک) ۲۵ درصد سهام شرکت اماراتی مبادله در پتروشیمی اتریشی بورئالیس را می خرد. به گزارش روزنامه اماراتی نشنال، ادنوک و مبادله اعلام کردند که این قرارداد به شرکت ملی نفت ابوظبی اجازه می دهد تا گستره فعالیت های خود در صنایع شیمیایی و پتروشیمی را با روندی رو به رشد توسعه دهد. انتظار می رود این قرارداد فرصت های تازه ای را در بازارهای مهمی مانند اروپا و آمریکا خلق کند.

سلطان الجابر، وزیر صنعت و فناوری پیشرفته و مدیرعامل ادنوک در این باره گفت: صنایع شیمیایی و پتروشیمی در سراسر جهان برای رشد قابل توجه مصرف کننده در دهه های آینده آماده است. وی افزود: در کنار شرکت اواموی اتریش، ادنوک هم یکی از سهامداران بورئالیس خواهد بود، با این سرمایه گذاری برنامه توسعه محلی و بین المللی در صنعت پتروشیمی به ما انگیزه بیشتری می دهد و سبب شتاب بخشی به روند تبدیل ادنوک به یک بازیگر انرژی یکپارچه و جهانی می شود. پس از تکمیل این معامله، که مشروط به شرایط مرسوم و تأییدیه های نظارتی است، ۷۵ درصد باقیمانده بورئالیس از سوی اواموی، یک شرکت نفت، گاز و پتروشیمی یکپارچه در اداره می شود. شرکت مبادله، بازوی سرمایه گذاری راهبردی ابوظبی، در اکتبر ۲۰۲۰ پس از فروش سهام ۳۹ درصدی به اواموی در یک معامله ۴۶۸ میلیارد دلاری، سهام خود را در شرکت پتروشیمی بورئالیس به ۲۵ درصد کاهش داد. خلدون المبارک، مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره مبادله گفت: ما برای دو دهه با اواموی و ادنوک همکاری کرده ایم تا بورئالیس را به یک شرکت بزرگ جهانی تبدیل کنیم. وی افزود: اکنون زمان مناسبی است که اواموی و ادنوک این همکاری را با سرمایه گذاری روی هم افزایی با مجموعه گسترده ادنوک به سطح بالاتری برسانند.



لهستان به دنبال سلب مالکیت خطوط لوله گاز نواتک روسیه است

لهستان که مایوسانه در تلاش برای احیای جریان گاز روسیه است، به شرکت نواتک دستور داد دسترسی به زیرساخت خطوط لوله را فراهم کند، در غیر این صورت با اقدام حقوقی مواجه خواهد شد که به سلب مالکیت زیرساخت منتهی می شود. به گزارش اوایل پرایس، سخنگوی دولت لهستان روز جمعه به آسوشیتدپرس گفت: شرکت نواتک گرین انرژی روسیه دستور یافته است خطوط لوله خود را برای شرکت های لهستانی قابل دسترس کند و عدم اجرای این فرمان به معنای اقدام حقوقی خواهد بود. سخنگوی دولت لهستان با استناد به قوانین مدیریت بحران، اعلام کرد سرنوشت نواتک که دومین تولیدکننده بزرگ گاز طبیعی در روسیه است، به همکاری این شرکت روسی به شکل درست بستگی خواهد داشت و این که کارمندان از مسدود کردن این فرآیند جلوگیری نکنند. پایگاه رسانه ای آر تی روسیه پیش تر گزارش کرد ماتئوش موراویه تسکی، نخست وزیر لهستان، به شرکت های دولتی PGNiG، PSG و Gaz-System دستور داده است فوراً گاز را برای شبکه هایی که رسماً متعلق به نواتک هستند، تامین کنند. در حالی که شرکت های گاز دولتی لهستان می توانند گاز را برای شهرهایی که دسترسی شان به گاز قطع شده است، فراهم کنند اما برای انجام این کار به زیرساخت نواتک نیاز دارند. چندین شهر لهستان پس از اقدام نواتک در قطع عرضه به این کشور در هفته گذشته، بدون گاز مانده اند. شرکت گازپروم چهارشنبه گذشته اعلام کرد عرضه گاز به لهستان و بلغارستان را قطع کرده و تا وقتی که این دو کشور با درخواست مسکو برای پرداخت پول وارداتشان به روبل موافقت نکنند، روند عرضه متوقف می ماند. گازپروم به لهستان و بلغارستان که هر دو کشورهای ترانزیت برای گاز روسیه هستند، هشدار داد اگر از گازی که برای کشورهای دیگر است، برداشت کنند در آن صورت این شرکت جریان ترانزیت را کاهش خواهد داد. لهستان یک زیرمجموعه نواتک را به همراه ۵۰ نهاد و شخص روسی و بلاروسی، در لیست تحریم های قرار داده است. لهستان در میان کشورهای اتحادیه اروپاست که خواستار اتخاذ سخت ترین رویکرد در قبال روسیه برای حمله به اوکراین هستند. قرارداد تامین گاز لهستان با شرکت گازپروم روسیه برای ۱۰.۲ میلیارد متر مکعب در سال است و حدود ۵۰ درصد از مصرف این کشور را پوشش می دهد. حمله نظامی روسیه به اوکراین که از ۲۴ فوریه آغاز شد، هزاران کشته و مجروح برجای گذاشته و شهرهای بزرگ و کوچک این کشور را نابود کرده و باعث آوارگی بیش از پنج میلیون نفر شده است. مقامات لهستانی پنج شنبه گذشته وعده دادند از گازپروم برای اقدامات غیرقانونی این شرکت خسارت بگیرند.



carriers. Finally, the U.S. should lead investment in Arabian Gulf re-gional defense initiatives. Qatar and other Western allies involved in energy production and transport must be secured against retaliation from potential disrupters such as Russia and Iran that wouldn't like this cooperation. Non-NATO major ally designation recognizes Qatar's strategic value to the West. With a little foresight and investment, far more is possible.



The West Has a Crucial Ally in Qatar

By Ben Hodges And Sam Mundy – WSG

One promising development of the Ukraine crisis has been the decision by several members of the North Atlantic Treaty Organization to increase commitments to the alliance's defense needs. But even if all NATO members meet the charter's threshold of spending 2% of gross domestic product on defense, many would remain vulnerable given the leverage of Russia's energy resources. The best way to improve defense capabilities is to secure alternative energy supplies for NATO members.

An emergency in one region can also reveal the value of partners in another. Since last July's troubling Afghanistan exit, the Biden administration has struggled to land a signature foreign-policy win in the Middle East. President Biden did, however, upgrade one key strategic relationship with a critical ally in the Gulf: Qatar. This was an important reordering of America's hierarchy of allies that could form a solution to Europe's dependence on Russian energy. American and Qatari liquefied natural gas supplies can lessen Western dependence on Russian exports, and Qatar seems to be a willing and reliable partner. The emir of Qatar, Sheikh Tamim bin Hamad al-Thani, received a warm welcome at the end of January in Washington. Mr. Biden designated Qatar a major non-NATO ally in recognition of the deepening "strategic partnership" between the two countries. In his notification to Congress, the president said he made "this designation in recognition of Qatar's many years of contributions to U.S.-led efforts in the U.S. Central Command area of responsibility and in recognition of our own national interest in deepening bilateral defense and security cooperation." This designation puts Qatar in the company of 17 other non-NATO nations the U.S. regards as its most reliable partners, including Australia, Israel and Japan. This new status means collaboration on defense projects, or as Pentagon press secretary John Kirby said, it opens "up a full new range of opportunities: exercises, operations and perhaps ...the acquisition of capabilities, as well."

The Biden administration's move is overdue considering the consistently helpful role Qatar has played in America's re-

gional strategy for more than two decades. Qatar's Al Udeid Air Base has provided the U.S. guaranteed high-capacity strategic mobility and air operations crucial to American military efforts in the Middle East and beyond. Qatar has played an important mediating role in the Israeli-Palestinian conflict, working to reduce human suffering within this highly complex situation. When the U.S. decided to negotiate with the Taliban for an end to the Afghanistan war, Qatar hosted the talks. And when the final stages of the American withdrawal resulted in significant numbers of unanticipated Afghan refugees at the American base in Qatar, the country provided urgent support and helped prevent further human suffering and embarrassment. Qatar has begun to play a similarly constructive role in Europe. Washington understands that some European NATO members hesitate to confront Russian aggression because 40% of Europe's gas comes from Russia. The European Commission fostered this dependence by extending antitrust investigations that delayed Qatar, the world's largest LNG exporter, from concluding long-term deals with the EU energy market. Now that Europe finds itself in the difficult position of having to choose between supporting a democratic government or keeping the lights on, regulators in Brussels have eased their position on QatarEnergy, the country's state-owned petroleum company. Qatar, despite having long-term supply agreements in Asia, can now reroute its stored LNG to Europe in an emergency. The Ukraine crisis has shown clearly which American allies have the will and ability to provide material support to the West. Europe's growing resolve to push back on Russian aggression and support Ukraine is admirable, but it requires new efforts from other allies to work. To get the most leverage from Qatar's unique ability to offset Russia's energy, the West must adopt deliberate long-term energy strategies, including switching from coal to gas, that enable a transition to renewables and hedge against future energy disruptions. Working with Europe to expand LNG transport infrastructure and reduce dependency on Russian gas would benefit both American and Qatari companies. Such infrastructure could include pipeline capacity from the Eastern Mediterranean and the Caucasus as well as transport terminals for maritime

Europe urgently needs an accelerator in critical metals race

By : Andy Home - Reuters

Europe is running out of time to secure the metals it needs to power the energy transition. The region's import dependency for enabling metals was already high and has turned critical since Russia's invasion of Ukraine. Russia has historically been a major supplier of aluminium nickel and platinum to the European market, while the European Union had high hopes of folding Ukraine into its battery sector build-out. Even worse, what Russia calls its "special operation" has sent European power prices soaring, forcing energy-intensive aluminium and zinc smelters to close or reduce output. The Green Deal will play a crucial role in reducing Europe's fossil fuel dependency but "without a more strategic approach to developing primary and secondary raw material capacities in Europe there will be no green and digital transition," according to Thierry Breton, EU Commissioner for the Internal Market. Watch here. "The key question is speed," according to German MEP Hildegard Bentele, who authored a parliamentary report on critical minerals last year. The European Union struggles with speed, having to coordinate legislation across 27 members states, but an accelerator may be coming. The scale of the challenge was laid out in a report commissioned by industry group Eurometaux. "The global energy transition is progressing faster than the mining project pipeline, with copper, cobalt, lithium, nickel, and rare earths all at risk of a disruptive demand pull between now and 2035," said the study by Belgium's KU Leuven University. Europe's import dependency is almost total for lithium and rare earths and thanks to high power prices is rising fast in both aluminium and zinc sectors. More recycling is obviously part of the answer but availability of secondary materials is dependent on materials life-cycle, which can be up to 40 years for copper, and technical advances in processing end-of-life lithium-ion batteries. "Recycling could be Europe's major supply source for most transition metals", but only after 2040, according to the study. Until then the Green Deal is still going to need new mines and more refining capacity. The problem is that a new mine needs 15 years to move through the planning, permitting and construction stages, Mikael Staffas, Eurometaux president and CEO of Swedish metals group Boliden, told the panel discussion accompanying the release of the report. Given the collective aim is to hit carbon neutrality by 2050, such extended time-lines mean "we need to work on it now". However, existing EU regulations have also created multiple unintended hindrances to getting new mine projects off the ground. Without changes to the

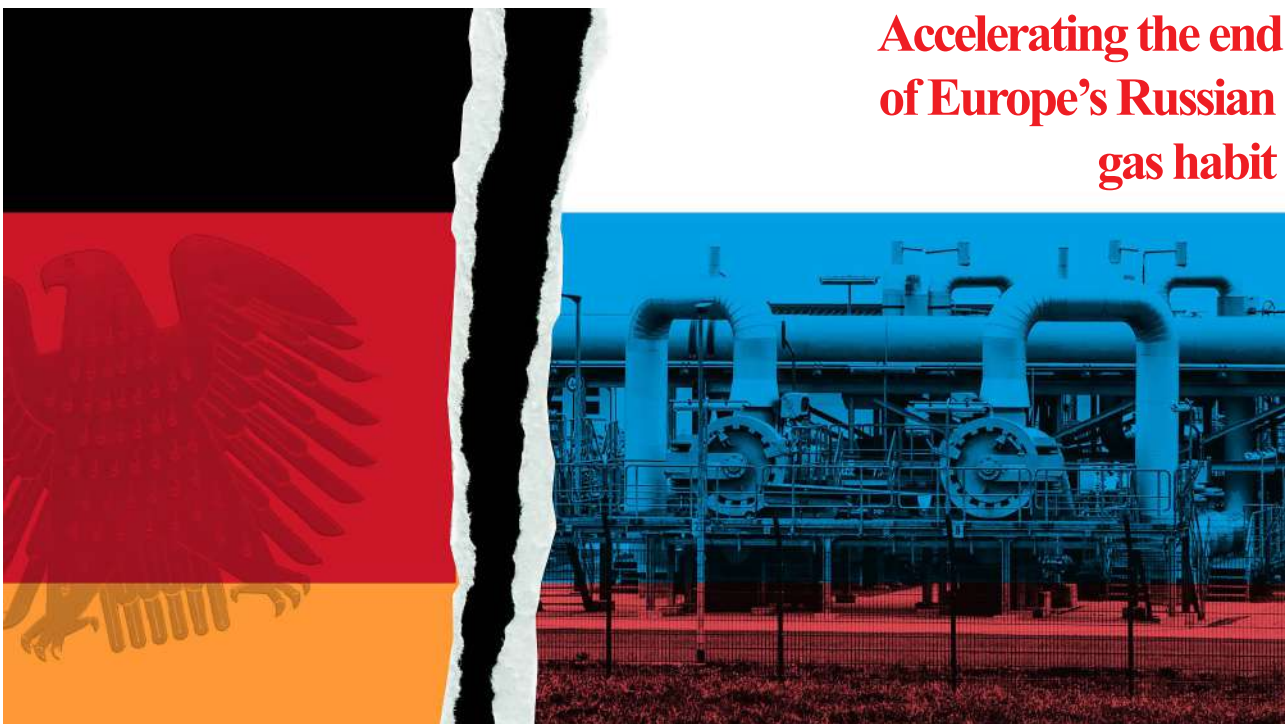
Water Directive, for example, there "will be no more mining in Europe," Staffas said. Europe's race to achieve what it calls "strategic autonomy" in critical minerals and metals is also being massively complicated by disruption to global supply chains. While Russian metals have not yet been hit by sanctions, self-sanctioning is already affecting flows to Europe. Russia itself may yet weaponise metals in the same way it has gas supplies to Europe. The European Union also got a painful reminder of its Chinese metals dependency last year, when power-related cutbacks in Shaanxi province caused a magnesium crunch for Europe's factories. Policymakers are having to adjust quickly to the fact that two major suppliers - Russia and China - will "no longer be providing," said Kerstin Joma, director general of the Commission's GROW department. That's lent added urgency to pivoting away from both countries and the EU is already working with friendlier nations such as the United States, Canada and Japan with a view to making coordinated "better offers" for new mine acquisition and development, she said. Europe's mineral ambitions risk being frustrated by both a lack of coherent policy framework to stimulate domestic supply and a rapidly-changing global landscape where everyone is trying to secure enough electric vehicle metals such as lithium, cobalt and nickel. The United States has invoked the Defense Production Act to jump-start its own critical minerals supply chains and China's government has exhorted its battery metal producers to maximise output and development plans. "Europe should learn from that" and use its diplomatic muscle to secure critical mineral supplies "now," said Julia Poliscanova, senior director at clean energy campaign group Transport and Environment. She called for the creation of a European strategic minerals agency similar to Euroatom in the nuclear materials sector. Something along those lines may be on its way. Asked whether the Commission was contemplating a minerals follow-up to its Chip Act, Joma told the panel that "it's something we're working on". The EU Chip Act, unveiled in February of this year, is a comprehensive attempt to reduce Europe's dependency on overseas suppliers of semiconductors. It includes financing, easier subsidy investment thresholds and coordination mechanisms across member states "for monitoring the supply of semiconductors, estimating demand and anticipating the shortages." Most importantly of all, it's an effective way of signalling to every EU member the strategic significance of chips and semiconductors. Europe's struggling metals sector desperately needs similar messaging and a way of punching through the tangle of Commission and national regulations that is actively impeding more investment in the metals sector. A raw materials act (title to be confirmed) is coming "soon", according to Joma. It needs to. The faster Europe can go green, the faster it can reduce its Russian oil dependence. As Bentele summed up the dilemma, "we cannot have war in Europe and miss the Green Deal objectives."

By : Financial Times

To those who questioned its reliability as an energy supplier, Russia always had a ready response. Yes, it had cut off natural gas — twice — to Ukraine during payment disputes. But it had never interrupted supplies to a European customer, even in the tensest moments of the Cold War. By suspending gas to Poland and Bulgaria this week, as its war in Ukraine entered a third month, Moscow has crossed the Rubicon. More countries may be cut off within weeks if they, too, reject Russia's new demand to pay in roubles. Either way, the implications are clear: Europe must radically accelerate efforts to end its dependency on Russian gas. This week's cut-offs are more complex than pure "weaponisation" of energy by Moscow. Western sanctions on its central bank have complicated Russia's ability to use its hard currency revenues from energy exports entirely as it chooses. President Vladimir Putin's decree that buyers' euro payments must be converted into roubles in a system of parallel accounts in Gazprombank is an attempt to weaken the resolve behind those constraints. Poland and Bulgaria refused to use this system, calling it unworkable and a violation of contract. Some buyers elsewhere, including big consumers such as Germany and Italy, have signalled they may comply — but EU officials say this could violate sanctions. Putin has succeeded in a favourite pursuit — sowing division between EU countries — but has shredded what was left of Russia's reputation as a supplier. Moscow has shown it is ready to cut off European customers, even ones that are actively trying to pay their bills. Any illusion that Russia's energy flows could somehow be ringfenced from its assault on Ukraine, and associated sanctions, has evaporated. In reality, Russia began "weaponising" gas even before the war —

declining to send extra volumes through its export pipelines during the autumn supply squeeze, driving up prices and depleting European storage. Ending Russian gas supplies is not just about squeezing Moscow's ability to finance its war but ensuring Europe cannot be held to ransom over energy in future. Doing so will come at a hefty cost. But there is a price — which, unlike Ukraine, the rest of Europe is not paying on the battlefield — for defending liberal democracy, and the freedoms and prosperity it has brought. Alternative pipeline and liquefied natural gas from Norway, the US, Qatar and elsewhere can partly make up for lost Russian gas. Destructive competition between EU states for scarce supplies should be avoided by gas-sharing agreements and joint procurement, which Brussels is already examining. Studies have suggested much of the remaining shortfall can be made up through energy efficiency measures, accelerating rollout of renewables, postponing Germany's phaseout of nuclear power, and — strictly temporarily — boosting coal- and oil-fired generation. Governments must draw up plans to cushion the poor and vulnerable. They also need to begin now to prepare the public for shortages and price rises — and explain the necessity. Europeans who have shown great hospitality to Ukrainian refugees may be receptive to the need to "turn down the thermostat to help Ukraine". For all the short-term disruptions in Europe, the big long-term loser — especially with EU states also moving towards restricting Russian oil imports — will be Moscow. In his early years as president, Putin set about turning Russia into an "energy superpower". Now he is sacrificing economic interests to his overriding goal of restoring Russia as a geopolitical great power. By undermining the former, however, he will eventually struggle to fund the latter.

Accelerating the end of Europe's Russian gas habit



poured public money into electric vehicles, notably after the oil shock of 1973, it let Japanese, Chinese and European firms commercialise them. The problem, suggests Nikos Tsafos of the Centre for Strategic and International Studies, is that whereas politicians share an almost ideological belief in America's genius for innovation, those on the right, especially, struggle to understand that it involves deployment as well as invention. To deploy clean tech rapidly requires two things that America still mostly lacks. One is a national climate policy to raise the cost of pollution, thereby creating demand. The other is an industrial policy sufficient to boost supply. The optimistic case for the energy crisis is that it could help deal with both these shortages. It is already boosting European demand for American clean tech. And it might conceivably persuade Congress to expend more political and public capital on accelerating America's ability to meet that demand: most pressing by passing the climate portions of Build Back Better; and by thinking more creatively about industrial policy in the bills that members of both parties are drafting. In eastern Europe, fear of Vladimir Putin had recast the energy transition as a geopolitical imperative even before he invaded Ukraine. Poland and Romania are among the countries keenest on small modular nuclear power

stations, an unproven technology, in which American companies are experimenting. The war has made its promise of faster, cheaper, safer nuclear energy seem more attractive—and the existing nuclear tech leaders, Russia and China, less appealing. Even as Germany and others make hurried plans to invest in new fossil fuel infrastructure, moreover, they are promising to adapt it to nonfossil alternatives. In committing to build two new LNG import terminals, for example, Olaf Scholz, Germany's chancellor, suggested they would later be converted to green hydrogen, another potential American strength. Having exhausted all the alternatives... This represents a clear opportunity to connect the world's most advanced clean tech with the continent with the most advanced climate policies. The Biden administration claims to be seized by it. "The whole government now wants to accelerate the energy transition on the basis of energy security, as well as climate," says one of its senior members. "Even foreign policy experts, who generally don't talk about climate change, are obsessed with this." The question is whether at least a little of the spirit will arise in Congress. Don't hold your breath. But don't count it out, either. The politics of national security, supply chains, energy and climate are in flux, deeply interconnected and capable of inspiring surprising coalitions even there.



FOR
RICA

Energy innovation's big moment

War in Ukraine could create huge demand for clean tech that America will soon be able to supply

By : Economist

The opportunity to make the covid-19 recovery has been squandered. A new analysis of over \$14trn in pandemic stimulus injected by 19 countries and the European Union, finds that just 6% went on programmes likely to cut emissions. America did particularly badly: hardly any of its \$6trn splurge was climatefriendly. Perhaps the best that can be said for the catastrophe in Ukraine is that the ensuing energy crisis has provided an opportunity to reverse that failure. The early responses, it is true, have been somewhat discouraging. As European countries cast around for substitutes for Russian oil and gas, shortterm fixes are the need of the hour, leading to a higher oil price and probably more oil and gas production. Joe Biden's administration, which branded itself the greenest ever, is urging producers to drill, baby, drill. Its signature climate policy is meanwhile snarled up in Congress. Mr Biden said as much about diabetes as climate change in his recent stateoftheunion message. Yet there is also cause for hope—in America especially. Its cleantech sector is in ferment. The administration used one of the world's biggest energy confabs, held in Houston this month, to broadcast its plea for more hydrocarbons. Less publicised, notes Daniel Yergin, an energy guru and one of *ceraWeek's* organisers, was the fact that the summit's energyinnovation section drew bigger crowds than the main event. Clean tech attracted over \$87bn of investment from venturecapital and privateequity firms alone in the year to June 2021. And there is little expectation, even as interest rates rise, of the boom petering out. It is being driven by three forces that seem likelier to grow: society's fear of climate change, longterm corporate commitments to decarbonisation, and the underappreciated impact of shrewd legislation. The last includes the bipartisan Energy Policy Act of 2020, which hugely expanded the Department of Energy's role in research and development, and the infrastructure law of 2021, which amplified that effort. The climate components of the stalled Build Back Better bill are better known and indeed essential to Mr Biden's time frame for decarbonising the economy. Yet they are largely dedicated to accelerating the deployment

of mature technologies such as solar and wind energy. The two earlier laws were focused more on developing the breakthrough technologies onwhich most of the world's decarbonisation effort will depend. The Department of Energy, hitherto best known for looking after the country's nuclear weapons, has been restructured for the task. One of its undersecretaries has been dedicated to innovation. Among its new cleantechprogrammes are three climate "Earthshots"—the first in what looks like a promising series. One aims to reduce the production cost of hydrogen by 80% in a decade; another to cut the cost of grid storage by 90%; and a third to develop affordable ways to suck carbon from the atmosphere. Scepticism is warranted about how far such efforts will go. The department's network of 17 national labs has always been excellent. Yet America's record in commercialising their inventions is abject. Having invented photovoltaic cells, America left it to Japan, Germany and then China—where over 70% of panels are now made—to bring them to market. Having



is the co-ordination between key European governments and the oil and gas industry, which actually manages the logistics of energy flows. This has led to a much deeper, more informed understanding of energy flows and supply chains — and options. Make no mistake: cutting the energy cord with Russia will be hard. Roughly 2mn barrels of crude oil have to be replaced. But a ban on Russian crude imports is imminently on the EU agenda. Western countries are putting into the market about 1.3mn barrels a day from their strategic stocks and China's Covid lockdown has reduced economic activity and travel, freeing up additional oil. Only weeks ago, Berlin was saying that it would need a year or two to stop using Russian oil. But a few days ago, economics minister Robert Habeck said something remarkable — if need be, a solution could be found in “days”. As it is, Germany's imports of Russian oil have dropped from 35 to 12 per cent of total consumption. Harder to detach from are refined products, such as diesel and petrol, of which Russia is a significant supplier. Diesel supplies are short the world over, partly because of refinery closures. The hardest thing to dislodge in its entirety is Russian natural gas that comes by pipeline, which accounts for 25 to 35 per cent of Europe's supplies. But please note that means 65 to 75 per cent of Europe's gas comes from somewhere else. Alternatives to Russian gas exist. The bulk of US liquefied natural gas, which formerly went to Asia, is now coming to Europe. US

supplies will increase this year. However, it appears that only about a third of Russian gas can be readily replaced from existing alternative sources. There are other ways to replace gas imports from the east. But that requires realism — a recognition that short-term expedients are required in wartime, without abandoning longer term energy transition goals. Floating LNG receiving terminals may come to Germany and other countries by the end of the year. The giant Groningen gasfield in the Netherlands, virtually shut down for environmental reasons, can be cranked up again. More coal can be burnt in electricity generation, thus prioritising gas for heating and industrial processes. Europe's exit from Russian gas will strip Putin of his most important market. The gas will be backed up, no longer generating revenues. Fixed pipelines cannot be dug up, put on tankers and shipped somewhere else. Western sanctions on technology will impede expansion of Russia's Arctic LNG. Overall oil and gas production will decline. Putin has announced his response — building new pipelines to China. But that will take years. And when it comes to price, the Chinese will take advantage, as they did when negotiating the Power of Siberia gas deal in 2014 after Russia's annexation of Crimea and the ensuing western sanctions. No one knows better than Putin what this will mean in terms of reduced revenues for the Kremlin. As he said after the 2014 deal: “Our Chinese friends drive a very hard bargain as negotiators.”



Europe no longer trusts Moscow's energy brand

By : Daniel Yergin

Among Vladimir Putin's many miscalculations was his expectation, before the invasion of Ukraine, that Europe's dependence on Russian energy was so great that its response would be muted, limited to little more than protests. That's hardly proved to be the case as even Germany is now sending arms to Ukraine. This week, Putin tried to apply Russian energy muscle directly, cutting off gas to Poland and Bulgaria because they won't play his rouble game. The effort has fallen flat. Both countries have adequate alternatives. Still, it serves as a warning that Moscow may seek to use the energy weapon against the rest of Europe. Russia's president believes he holds that capability. A "replacement" for Russian gas, he said this month, "simply does not exist". Rather than trying to analyse whether it will happen, Europe needs to prepare for the possibility. Yet whatever Putin does in the next several months, the energy weapon is going to turn into a boomerang. For the ultimate target will be Russia itself. For half a century, Rus-

sia has trumpeted its brand as a reliable supplier — no matter the political tensions, its energy would flow to Europe without interruption. The war has pulverised that brand. Europe doesn't trust Russian energy any more and doesn't want it. Russia may further manipulate supplies as the battle grows fiercer in Ukraine. But the lasting cut-off of Russian energy won't come from Kremlin action. It will come from Europe, determined to disconnect from its main supplier. As the war intensifies, the timeline is getting shorter. The Biden administration's original "massive" sanctions package excluded the most massive thing of all — Russia's oil and gas exports — currently worth about \$250bn a year to the Kremlin. This reflected Europe's concerns that, without these supplies, its economy would be so disrupted prices would be so high as to undermine governments and their commitment to western unity. But the shock at Russia's war set off a process of unexpected self-sanctioning by western firms to avoid touching Russian oil. What is now making the difference



leading gas supplier has been displaced by the United States.

🔴 A troubled country

The Algerian regime is keen on using energy threats and other tactics to achieve its goals in the Western Sahara. Now that it has the direct support of Russia, at a time when Russia is increasingly courting backers, Europe and its allies should not expect much from negotiations. The only solution would be to reduce energy dependence on Algeria. Moreover, given the domestic problems Algeria is facing, not least the emergence of separatist sects such as the Kabyles and the Hirak movements, as well as high inflation and overall economic instability, the future of Algeria does not seem bright. Algeria is currently in the middle of an economic crisis, to the point where the Algerian government recently made it illegal for minors to purchase vegetable oil, and people are forming long queues for some potatoes, bread, and milk. According to Gallup research, 48% of wheat imports to Algeria come from Ukraine. Given this food reliance and the war in Ukraine, the sociopolitical crisis will only deepen as food insecurity, soaring prices, and shortages look to continue and worsen. To make matters worse, Algerian generals are fighting each other for power instead of dealing with their failing economy and ethnic tensions. Algeria has a tumultuous history with oppressing minorities, opponents of the regime, dissidents, journalists, and anyone who challenges the status quo. The Kabyles, a Berber minority that calls for the independence of northern Algeria, have been organizing themselves and gathering support and recently have even received the attention of French media. The president of the Kabyle Provisional Government-in-exile, Ferhat Mehenni, who lives in Paris, has openly challenged the Algerian government after it declared the Kabyle movement a terrorist organization and kidnapped and arrested its members. Since Algeria's generals are not open to dialogue and are not interested in sharing power or finding a sustainable political solution, the Kabyle conflict will keep on escalating. The specter of the Arab Spring is still haunting Algeria, and it will not be surprising if an attempt to overthrow the government through a mass Kabyle mobilization takes place. If they get support from the international community and gain more visibility, it will be hard to hold them back. Moreover, the political purges orchestrated by Algeria's president, and the constant leakings of his conversations and records, indicate that he has very close enemies. Like in any corrupted military dictatorship, all the scenarios for

a possible coup or revolution are on the table, and any future partnerships with Algeria should make Europe think twice.

🔴 The French connection

Economic instability and the prospect of revolution in Algeria pose greater consequences for certain European nations even beyond gas and energy supplies. For instance, Algeria occupies a special and yet underestimated position in French elections. In July 2020, Algerian President Tebboune declared that there are 6 million French people of Algerian origin, emphasizing how important and influential the Algerian diaspora is. It is in the interests of the Algerian regime to have in power a friendly French president, and the Algerian press already have a favorite: Jean-Luc Melenchon of La France Insoumise. This is in contrast to French President Emmanuel Macron, who embarked upon a diplomatic battle with Algiers last year with his remarks accusing the Algerian "politico-military" system of maintaining a "memorial rent" by providing its people with an "official history ... not based on facts." Neither does Algeria favor far-right candidate Eric Zemmour, despite being of Jewish-Algerian origins, which, according to Algerian media outlet TSA, "do not fit with his openly anti-Algerian discourse." Indeed, Zemmour went even further than Marine Le Pen's father, Jean-Marie Le Pen, by openly justifying French government war crimes, claiming that it had reduced the number of attacks committed on Algerian territory during Algeria's war for independence. In addition, he defended French colonization and occupation and later refused to apologize, which provoked outrage. It is obvious that the Algerian regime would at this point prefer to deal with Marine Le Pen, who nowadays passes for a centrist, over Zemmour. The outcome of the French elections will be decisive for Algeria. A nonfriendly or noncooperative France would question the legitimacy of Algeria's politicians, which would put the Algerian regime further in danger since it relies heavily on French compliance to maintain its credibility. Given the uncertainty, Algeria is already looking for more loyal friends, and Russia so far has seemed more than willing to help. It remains in Russia's interest to dissuade Algeria from providing support to a Europe in desperate need of gas in exchange for weapons and support in the Western Sahara. The overwhelming domestic problems Algeria is facing, which might trigger a popular uprising, would also further jeopardize Europe's gas needs. The speed at which Algeria is deteriorating should make the European Union raise its alarms. It should push countries such as Spain, Portugal, and Italy, which are still dependent on Algerian gas, to look for more reliable partners and explore other options.

Europe's other problem: Algeria

by Zineb Riboua / Washington Examiner

On March 30, Secretary of State Antony Blinken visited Algeria, an ally of Russia and one of the major gas producers Europe depends on, following the increase in prices from Russia's invasion of Ukraine. Blinken's message was clear: Algeria should limit its ties with Russia, join efforts to secure gas for Europe, and improve diplomatic relations with its neighbor, Morocco, which it declared war on in November. "The international community must increase the pressure on Russia to end this unprovoked and unjustified war," he stated, hinting at the previous declarations of Algerian President Abdelmadjid Tebboune, who referred to Russia as a "brotherly country."

However, a few days after Blinken's visit, Russia's ambassador to Algeria, Igor Belyaev, announced that an Arab committee, which includes Algeria, will visit Moscow soon to discuss the Ukrainian crisis. It is no surprise that Russia is earnestly trying to gather support as it invades Ukraine. Belyaev also highlighted his concern at what he considered a "sudden change" in Spain's position on the issue of the Western Sahara, as it expressed support for Morocco's sovereignty. From a Russian perspective, Algeria is a strategic partner. It is Moscow's largest client in Africa, and the Algerian military regime is the only reliable friend in the region given the circumstances. Indeed, from 2014 to 2018, Russia supplied the Algerian military with 66% of its weapons.

📍 The Western Sahara

As Algeria has set its imperialist sights on Morocco, it has found itself increasingly isolated by the United States and the rest of Europe. The Western Sahara conflict is at the center of Algeria's priorities. The U.S. and Spanish recognition of Morocco's sovereignty over that region, as well as the success of the Abraham Accords, were not welcomed by the Algerian regime. It does not only see these developments as national security threats but as the decrease of Algerian influence and the end of the dream project to one day have access to the Atlantic Ocean. The result has been Algeria cozying up to Russia even more. In the Western Sahara, for example, Algeria relies heavily on Russia to support the Polisario Front, a group declared to be the

representative of the Sahrawi people and independence fighters in Tindouf Province, Algeria. Morocco considers this a terrorist group given its infringement of human rights, use of child soldiers, and frequent terrorist attacks. Russia views this conflict as advantageous to its greater interests and has worked to leverage the situation to maintain its power status in the region and maximize the damage it can inflict on Europe. In fact, the Russian ambassador to Algeria, Belyaev, spoke in favor of Algeria's Western Sahara position after Blinken's tour. Belyaev also criticized Spain in an interview with the Algerian channel Ennahar TV, claiming that it has a special responsibility toward the "people of the Sahara" since it colonized the region, noting that "the Spanish government supported the rights of the Sahrawi people." Algeria's Russian-backed expansionist goals carry a real threat of greater destabilization thanks to the country's status as a major exporter of European gas. In 2021, Algeria was Europe's third-largest gas exporter. Algeria exported about 83% of its gas to Europe, with Spain and Italy receiving 65% of it. Algeria is not interested in only maintaining lucrative gas contracts with its European partners; it is also actively punishing them if needed to achieve its goals.

For example, after Spain's recognition of Morocco's sovereignty and the abandoning of its previous neutral policies last month, Algeria heavily criticized the "abrupt about-turn" and warned of possible gas price increases. This comes after Algiers halted gas exports to Spain via Morocco and declined to renew a 25-year export deal following tensions with Rabat on Oct. 31, 2020. Despite Blinken's request to reopen the conduit, Algerian media reported that the government had rejected the idea. Madrid is, therefore, forced to import more liquefied natural gas on carrier ships to reduce the risk of shortages and to look for new agreements and partnerships. Europe is now not only facing critical energy problems as it is actively trying to reduce its dependence on Russian gas but needs to deal with an unreliable, Russian-supported partner in Algeria, too. In a statement to Algeria's state news agency, Tewfiq Hakkar, the CEO of state-owned oil company Sonatrach, said that despite the Ukrainian crisis and high energy costs, Algeria will maintain low energy prices for its customers. However, he also stated: "We do not rule out auditing prices with our Spanish customer," suggesting that if gas prices in Algeria were to be raised, the measure would only affect Spain. Algeria clearly sees the Ukrainian crisis as a unique opportunity to put more pressure on the Spanish government, as it also recalled its envoy on March 19. Nevertheless, despite the various attempts to force Europe's hand, Algeria is degrading its position, since its status as Spain's

The case for energy sanctions

Europe should impose a high tariff on imports of Russian oil and gas

by: The Economist

Even as Russia has invaded Ukraine, terrorised civilians and flattened Mariupol, the European Union has spent €44bn (\$46bn) buying its oil and gas. That could be about to change. On April 27th Russia announced that it had stopped supplying gas to Bulgaria and Poland, which had refused its demand to pay in roubles. Because the EU can easily buy oil, but not gas, from elsewhere, Russia is attempting to exploit its point of vulnerability. Europe is considering how to respond. Already it was entertaining the possibility of sanctions on Russian oil. But it fears that it has the weaker hand. Olaf Scholz, Germany's chancellor, has said that an embargo would plunge Europe into recession without doing much to hurt Vladimir Putin and his war effort. Russia's gas is used both to heat homes and to power factories, and among Europe's big economies Germany and Italy are especially dependent on it. Predicting what would happen without Russian gas is hard, because it depends on how quickly supply chains adapt around the disruption (see Free exchange). Optimistic academics say the initial cost to Germany's economy of a full energy embargo could be just 0.5% of lost GDP; Germany's central bank puts the bill at 5% of GDP.

Although Mr Scholz is right that energy sanctions would be costly, he underestimates the harm they would do to the Kremlin. He says that Russia probably cannot spend the foreign exchange it earns from oil and gas sales, because its financial system has been cut off from much of the world. There is some evidence for this. South Korea has timely trade data and par-

ticipates in sanctions: in March its exports to Russia fell by 63%. With its central bank's foreign exchange reserves frozen, Russia has had to enforce capital controls and raise interest rates in order to support the rouble.

Yet swathes of the global economy, including China, India and most of the Middle East and Africa, continue to trade freely with Russia. Secondary sanctions, which would punish anyone transacting with Russia, are not in place. Some Russian banks can still interact with the West. As a result, even with its central bank under sanctions, it is likely that Russia is making creative use of freshly acquired hard currency from selling energy, including to buy arms. It need put only enough financial intermediaries between its transactions and those taking place in New York or Frankfurt. The case for reducing the flow of cash into Mr Putin's coffers therefore stands. And it is sufficient to justify the economic pain involved. In 2020 EU member states implemented lockdowns which caused annual GDP to shrink by almost 6% in order to slow the spread of COVID-19. Cutting off funding to an invader that would threaten to convert putative success in Ukraine into aggression against other European countries is both morally sound and strategically desirable. What is more, the design of sanctions could lower their economic cost. One idea is to levy a high tariff on Russian energy, rather than ban it altogether. To keep selling, Russia would probably need to cut prices so that its oil remained competitive with other countries'. (Redirecting all its oil elsewhere would be an enormous logistical challenge.) A high tariff could in effect seize some of Russia's oil profits without disrupting supply. The consequences for gas prices are harder to predict. But because Russia cannot move gas pipelines any more easily than Europe can find alternative suppliers, it would probably absorb at least part of a tariff. In either case, taking action may provoke Mr Putin to cut supplies further. If a tariff morphs into an embargo, so be it. Russia's war would become harder to sustain—and in the decades to come Europe would be more secure.

